

درگذشت بانوی فرزانه، مترجم قرآن و  
نویسنده و شاعر اخلاق، خانم دکتر طاهره  
صفارزاده را به بازماندگان گرامی ایشان و به  
جامعه ادبی و شعر کشور تسلیت می گویم.  
خدمات این بانوی با ایمان به ویژه ترجمه ی  
ماندگار قرآن کریم، حسنات او را در پیشگاه  
حضرت حق ستگین خواهد کرد، انشاءالله.  
رحمت و غفران الهی بر او باد.

سیدعلی خامنه ای

۱۳۸۷ ماه آبان





# سوره الرحمن الرحیم

## فهرست

- بانوی نمونه جهان اسلام در گذر زندگی ۵-۱۴  
نگاهی گذرا بر آثار بانوی نمونه جهان اسلام ۱۵-۲۲  
مرور مجموعه اشعار «طاهره» شعر ایران ۲۳-۴۶  
ویژگی سبک شعری و ترجمه قرآن صفارزاده در نگاه مسئولان  
فرهنگی و قرآنی ۴۷-۶۰  
ترجمه قرآن صفارزاده در دیدگاه قرآن پژوهان ۶۱-۸۲  
شاعران از سبک اشعار قرآن طاهره صفارزاده می‌گویند ۸۳-۱۰۸  
رهگذر مهتابجا بیداری بیعت کرد ۱۰۹-۱۱۴

نشانی نشریه:

تهران، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵  
خیبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)

پست الکترونیگ نشریه: [Rayehe@iqna.ir](mailto:Rayehe@iqna.ir)

تلفن: ۰۹۸-۲۱-۶۶۴۷۰۳۱۲



سال پنجم، شماره ۶۴، سی‌آبان ۱۳۸۸  
ویژه‌نامه بزرگداشت خادم‌القرآن‌الکریم، استاد طاهره صفارزاده

مدیر مسئول: رحیم خاکی

سر دبیر: مرتضی رضائی زاده

دبیر تحریریه: طاهره خیرخواه

مدیر اجرایی و هنری: احسان حسینی

هیئت تحریریه:

غلامرضا حسین پور

سرویس ادب: معصومه کلانکی

سمیرا شاه قلی، حمید نورشمسی، آزاده حاجی غلامی، میثم غلامپور

سرویس عکس: سید محمد نمازی

حسن آقامحمدی، نقی خوش خلق، پیام اکبری، فضیلت سوخکیان



مركز نشر و انتشارات



مركز نشر و انتشارات



مركز نشر و انتشارات

این شماره از «رایحه» با مشارکت و حمایت مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شهرداری تهران (شورای عالی قرآن) تدوین و منتشر شده است.

## سخن نخست

می گویند شاعر هیچ وقت نمی میرد، اما شاعری که سخنش با کلامی مقدس درآمیخته باشد بی شک ابدیست. شاعری که امروز در سرزمین انسان ها غروب کرد، فردا در سرزمینی جاویدان طلوع می کند. و اینک تویی که با سخنت جاویدان شده ای، بانوی شعر ایران که عمری پشت هر کلمه بلندت سرفراز ایستاده ای.

مترجم واژه واژه کلام آسمانی قرآن، قلمت همه زیبایی های را شاعرانه ترجمه کرد و در گوشه اتاق کوچک تو را همزاد همه عارفان جهان قرار داد و طبع بلندت که تو را سال ها به دور از هیاهوهای زندگی شهرنشینی کرده بود، به پنجره ای تازه آشنا کرد.

در روزهای پرنشیب و فراز سختی ها شعرهای جان پناه تو همچون سنگ های نامرئی در رویارویی با منجینق فلک ایستاد و تمام آن ها را به جان دل خرید.

همراه «رهگذر مهتاب» از «سد بازوان» عبور کردی تا «دفتر دوم» ت را حکایت کنی. با «طنین در دلنا» «از جلوه های جهانی» گذشتی تا نهایت به «بیعت با بیداری» رسیدی.

راستی چه فقدان بزرگی است نبودن تو؛ چه خیال های نازک اندیشانه و مقدسی که سترون ماند و چه شعرهای نابی که ناگفته مدفون شد.

درو خدا بر تو باد ای بنده ای که عشق را به زبان مادری ات ترجمه کرده ای، پیش از آمدنت نامت را در دیوان شعر بهشت نوشته اند، نامت همچنان که معنی پاکی بود، پاک باد.

بانوی شعر و قرآن تو را به قرآن می سپاریم؛ مترجم خوبی های لحظه لحظه زندگی، تو را به تمام خوبی ها، تو را به خداوند می سپاریم «طاهره صفارزاده».

سیده معصومه کلانکی

دبیر گروه ادب

خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)



## بانوی نمونه جهان اسلام در گذر زندگی

# محقق و مترجم

طاهره صفارزاده شاعر، نویسنده، محقق و مترجم در ۲۷ آبان ۱۳۱۵ در سیرجان در خانواده‌ای متوسط که پیشینه‌ای عرفانی داشتند متولد شد.



وی در شش سالگی تجوید و قرائت و حفظ قرآن را در مکتب محل آموخت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذراند. نخستین شعر را در ۱۳ سالگی سرود که نقش روزنامه دیواری مدرسه شد. اولین جایزه شعر را که یک جلد دیوان جامی بود در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد دکتر باستانی پاریزی که آن زمان از دبیران دبیرستان بهمنیار بود، از رئیس آموزش و پرورش استان دریافت کرد.

نزد ملت ایران شهرت طاهره صفارزاده با شعر «کودک قرن» پدید آمد. در امتحان ورودی دانشگاه در رشته‌های حقوق، زبان و ادبیات فارسی، و زبان و ادبیات انگلیسی قبول شد و چون تردید در انتخاب داشت خانواده‌اش به استخاره رجوع کردند و در نتیجه در زبان و ادبیات انگلیسی لیسانس گرفت.

مدتی به عنوان مترجم متون فنی در شرکت نفت کار کرد و چون به دنبال یک سخنرانی در اردوی تابستانی فرزندان کارگران مجبور به ترک کار شد، برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت. در دانشگاه آیوا، هم در گروه نویسندگان بین‌المللی پذیرفته شد و هم به کسب درجه MFA نایل

آمد.

MFA درجه‌ای

مستقل است که به

نویسندگان و هنرمندانی که داوطلب

تدریس در دانشگاه باشند اعطا می‌شود و

نویسندگان به جای محفوظات و تاریخ ادبیات به آموختن نقد

به‌صورت تئوری و عملی و انجام پروژه‌های ادبی متنوع مطالعات وسیع

درباره آثار نویسندگان و شاعران می‌پردازند. دوره آن یک سال بیش از فوق

لیسانس است و استخدام دارنده این مدرک در دانشگاه‌های آمریکا با پایه

دکترانجام می‌پذیرد.

طاهره صفارزاده برای دروس اصلی شعر امروز جهان، نقد ادبی و نقد

عملی ترجمه را انتخاب کرد و در مراجعت به ایران اگرچه به دلیل

فعالیت‌های سیاسی در خارج، مشکلاتی برای استخدام داشت، اما چون

در کارنامه‌اش از ۴۸ واحد درسی ۱۸ واحد ترجمه ثبت شده بود و کمبود و

نبود استاد ترجمه برای رشته‌های زبان خارجی باعث گله‌مندی گروه‌های

زبان بود، در سال ۱۳۴۹ با استخدام او در دانشگاه ملی (شهید بهشتی)

# مروری بر زندگینامه قرآن مرحوم «طاهره صفارزاده»

موافقت شد.

تحقیقات ادبی به معرفی زبان و سبک جدیدی از شعر با عنوان شعر

«طنین» توفیق یافت که در آغاز بسیار بحث‌برانگیز شد، زیرا شعر

مقاومت و طنز سیاسی، حکومت‌پسند نبود. سرانجام در

سال ۵۵ به اتهام نوشتن شعر مقاومت دینی از دانشگاه

اخراج و برای دومین بار به خانه‌نشینی و فراغت

اجباری رفت. و در ایام تنهایی و مشاهده پاره‌ای

خیانت‌های سیاسی و اجتماعی، درون مذهبی

او بیش از پیش متوجه حمایت خداوند شد و

تحولی شدید در وی ایجاد شد آن گونه که در

زمان خانه‌نشینی، تمام وقت خود را وقف

خواندن تفاسیر و مطالعات قرآنی کرد. کتاب

«سفر پنجم» او که دربرگیرنده اشعار مقاومت با مضامین دینی است در سال

۵۶ در دو ماه به سه چاپ با شمارگان ۳۰ هزار رسید.

در آغاز نهضت اسلامی، به کمک نویسندگان سرشناس و متعهد

مسلمان به تأسیس مرکزی به نام کانون فرهنگی نهضت اسلامی اقدام کرد.

در مدت مسابلیت او حدود ۳۰۰ هنرجو در رشته‌های سینما، عکاسی، تئاتر،

نقاشی، گرافیک، شعر و داستان، در آن مرکز پرورش یافتند که بعداً از

دست‌اندرکاران و مسئولان فرهنگی و هنری انقلاب شدند.

طاهره صفارزاده پس از انقلاب از سوی همکاران خود در دانشگاه

شهید بهشتی به عنوان رئیس دانشگاه و نیز رئیس دانشکده ادبیات

انتخاب شد. همزمان با سرپرستی دانشکده ادبیات طرح بازآموزی دبیران

را به اجرا درآورد. در سال ۵۹ پیرو نشر مقالات انتقادی او درباره آموزش

زبان‌های خارجی در ایران از سوی ستاد انقلاب فرهنگی برای مسئولیت

برنامه‌ریزی زبان‌های خارجی از وی دعوت شد.

طاهره صفارزاده پایه‌گذار آموزش ترجمه به عنوان یک علم و

برگزارکننده نخستین «نقد عملی ترجمه» در دانشگاه‌های

ایران محسوب می‌شود. اگرچه سابقه برگردان آثار

ادبی و مذهبی به ۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح

می‌رسد اما تا اوایل سال‌های ۱۹۶۰، ترجمه،

حرفه‌ای ذوقی و غیر آکادمیک به شمار می‌رفت

و تدریس آن به برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌های

مغرب زمین راه نیافته بود. دانشگاه آیوا بنا به

درخواست شاعران و نویسندگان «کارگاه

نویسندگی»، اولین مرکزی بود که به گنجاندن

این درس در برنامه آموزشی رشته‌های زبان و ادبیات اقدام ورزید.

صفارزاده حدود سه سال بعد در کنار نویسندگان دانشجو به

بهره‌مندی‌هایی از این آموزش جدید دست یافت. در کلاس به سبب تنوع

زبان‌های خارجی در بین شرکت‌کنندگان، بررسی متون ترجمه شده، در

سطح صحت و بلاغت زبان انگلیسی، فارغ از مقایسه با متن اصلی از سوی

استاد انگلیسی زبان انجام می‌شد که در عین حال امری اجتناب‌ناپذیر بود.

اما صفارزاده از ابتدای تدریس خود در ایران متدی بر شناخت و تطابق

مفهومی، دستوری و ساختاری دو زبان مبدأ و مقصد ابداع کرد و این شیوه

پیشنهادی در درسی که سابقه‌ی تدریس قانونمند نداشت نزد بسیاری از

همکاران وی الگو قرار گرفت. پس از انقلاب اسلامی تعیین کتاب «اصول

و مبانی ترجمه» اثر وی به عنوان کتاب درسی در زمینه شناخت نظریه‌ها و

نقد عملی ترجمه به ویژه برای دانشجویان رشته «ترجمه» مفید افتاد.

طاهره صفارزاده در زمینه شعر و شاعری نیز به دلیل مطالعات و



طاهره صفارزاده در زمینه شعر و شاعری نیز به دلیل مطالعات و تحقیقات ادبی به معرفی زبان و سبک جدیدی از شعر با عنوان شعر «طنین» توفیق یافت که در آغاز بسیار بحث‌برانگیز شد



در زمینه‌های ادبیات، علوم، علوم قرآنی و حدیث منتشر شده و گزیده سروده‌های او به زبانهای گوناگون جهان ترجمه شده‌اند.

وی در کتاب «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» به کشف یکی از کاستی‌های مهم ترجمه‌های فارسی و انگلیسی - یعنی عدم ایجاد ارتباط نامهای خداوند (اسماء الحسنی) با آیات قرآن - دست یافته است که این تشخیص می‌تواند سرآغاز تحولی در ترجمه کلام الهی به زبان‌های مختلف باشد. ضمن برنامه‌ریزی زبان‌های خارجی، به پیشنهاد او درسی با عنوان «بررسی ترجمه‌های متون اسلامی» در برنامه گنجانده شد و تدریس این واحد درسی موجب توجه این استاد ترجمه به اشکال‌های معادل‌یابی ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن مجید شد.

این برخورد علمی او را برانگیخت که به خدمت ترجمه قرآن به دو زبان انگلیسی و فارسی همت گمارد. قرآن حکیم حاصل ۲۷ سال مطالعه قرآن مجید، آموختن زبان عربی و تحقیق و یادداشت‌برداری از تفاسیر و منابع قرآنی است که از رجوع به کلام الهی برای کاربرد در شعر شروع شد و با ترجمه آن به دو زبان پایان گرفت. شرح این توفیق در مقدمه کتاب «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» و نیز دو مقدمه فارسی و انگلیسی «قرآن حکیم» آمده است.

طاهره صفارزاده در ماه مارس ۲۰۰۶ همزمان با برپائی جشن روز جهانی زن، از سوی سازمان نویسندگان آفریقا و آسیا به عنوان شاعر مبارز و زن نخبه و دانشمند مسلمان برگزیده شد.

در بخشی از نامه این سازمان آمده است: از

آنجا که دکتر طاهره صفارزاده - شاعر و نویسنده برجسته ایرانی - مبارزی بزرگ و نمونه والای یک زن دانشمند و افتخارآفرین مسلمان است، این سازمان ایشان را به پاس سابقه طولانی مبارزه و کوششهای علمی گسترده به عنوان شخصیت برگزیده سال جاری انتخاب کرده است.»

#### معرفی آثار طاهره صفارزاده

##### قصه

پیوندهای تلخ، ۱۳۴۱ (چاپ اول)

##### شعر

رهگذر مهتاب، از ۱۳۴۱ (چاپ دوم)

Red Umbrella The (سروده‌هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷م.

۱۳۴۷ش.

در این مسؤلیت با همکاری استادان باتجربه تغییرات مفیدی در برنامه‌ها پدید آورد و پیروی طرحی که از سوی او تقدیم ستاد انقلاب فرهنگی شد و به تصویب رسید برای نخستین بار برای کلیه رشته‌های علمی دانشگاه‌ها کتاب به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی و روسی تألیف شد که این امر در آموزش علوم و پژوهش‌های علمی در سال‌های بعد از انقلاب بسیار مؤثر بوده است.

وی حدود ۱۶ سال سرپرست اجرایی طرح بود و ۱۲ سال از آن مدت را به‌ویژه علاوه بر سرپرستی به ویراستاری متون علمی برای کتاب‌های زبان تخصصی مشهور به کتاب‌های «سمت» فعالیت مؤثر داشت. ۳۶ عنوان از آن کتاب‌ها برخوردار از ویراستاری طاهره صفارزاده است.

خانه‌نشینی سوم در پایان این خدمت، به پرداختن تمام وقت به ترجمه قرآن حکیم به زبان‌های فارسی و انگلیسی انجامید.

صفارزاده تئوری‌ها و فکرهای ارزنده‌ای در زمینه نقد ادبی، نقد ترجمه و «ترجمه تخصصی» به جامعه ادبی و علمی عرضه کرده

است. تئوری «ترجمه تخصصی» که تأثیر آن توفیق

در آموختن رشته‌های مختلف علمی به سبب

تمرکز ذهن بر روی واژگان تخصصی است، به

تأیید متخصصان مغز و اعصاب رسیده است.

تمرین‌های «معادل‌یابی واژگان تخصصی»

جهت تأمین هدف آموزشی ذکر شده، از سوی

مؤلفان در کلیه کتاب‌های زبان تخصصی

گنجانده شده است. در «فستیوال بین‌المللی

داکا» در سال ۶۷ وی به عنوان یکی از ۵ عضو

بنیانگذار کمیته ترجمه آسیا برگزیده شد.

رئیس فستیوال درباره این انتخاب گفت: ما معتقدیم که یک نفر در این

سر دنیا از علم ترجمه حرف زده و اصولی عرضه کرده و آن یک نفر خانم

طاهره صفارزاده است.

صفارزاده در سال ۷۱ از سوی وزارت علوم و آموزش عالی به عنوان

«استاد نمونه» اعلام شد و در سال ۸۰ پس از انتشار ترجمه «قرآن حکیم»

به افتخار عنوان «خادم‌القرآن» نایل شد.

در زمان همکاری با فرهنگستان زبان و ادب فارسی طرح تهیه

«فرهنگ‌های تخصصی» وی که با ضوابط علمی و پیشنهادهای جدید

تدوین شده، به تصویب رسید و مورد بهره‌برداری اهل علم قرار گرفت.

تاکنون علاوه بر مقالات و مصاحبه‌های علمی و اجتماعی از طاهره

صفارزاده بیش از ۱۴ مجموعه شعر و ۱۰ کتاب ترجمه یا درباره نقد ترجمه



ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی)، از ۱۳۷۹ (چاپ دوم)  
 ترجمه قرآن حکیم (سه زبانه - متن عربی با ترجمه فارسی و  
 انگلیسی)، از ۱۳۸۰ (چاپ هفتم)  
 ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه متن عربی با ترجمه فارسی)، از  
 ۱۳۸۲ (چاپ دوم)  
 ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه متن عربی با ترجمه انگلیسی)،  
 ۱۳۸۵ (چاپ اول)  
 لوح فشرده قرآن حکیم (سه زبانه - متن عربی با ترجمه فارسی و  
 انگلیسی)، از ۱۳۸۳ (نشر دوم).  
 دعای عرفه (دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه (متن عربی با  
 ترجمه فارسی)، از ۱۳۸۱ (چاپ دوم)  
 دعای ندبه و دعای کمیل (متن عربی با ترجمه فارسی)، از ۱۳۸۳ (چاپ  
 دوم)  
 مفاهیم قرآنی در حدیث نبوی: گزیده‌ای از نهج الفصاحه با ترجمه  
 فارسی و انگلیسی، از ۱۳۸۴ (چاپ دوم)  
 دعای جوشن کبیر، ۱۳۸۵ (چاپ اول)  
 طرح، سرپرستی و ویراستاری ۳۶ کتاب زبان تخصصی برای رشته‌های  
 مختلف دانشگاهی (۱۳۵۹-۱۳۷۶)

طنین در دلنا [و دفتر دوم]، از ۱۳۴۹ (چاپ چهارم)  
 سده و بازوان، از ۱۳۵۰ (چاپ سوم)  
 سفر پنجم، از ۱۳۵۶ (چاپ ششم)  
 حرکت و دیروز، از ۱۳۵۷ (چاپ دوم)  
 بیعت با بیداری، از ۱۳۵۸ (چاپ سوم)  
 مردان منحنی، (چاپ اول)  
 دیدار صبح، از ۱۳۶۶ (چاپ دوم)  
 Selected Poems (گزیده اشعار: فارسی و انگلیسی)، ۱۹۸۷ م.  
 ۱۳۷۸ ش. (چاپ اول)  
 در پیشواز صلح (در دست انتشار)، ۱۳۸۵ (چاپ اول)  
 گزیده ادبیات معاصر - ۱: طاهره صفارزاده، از ۱۳۷۸ (چاپ دوم)  
 هفت سفر، ۱۳۸۴ (چاپ اول)  
 روشنگران راه، ۱۳۸۴ (چاپ اول)  
 اندیشه در هدایت شعر، ۱۳۸۴ (چاپ اول)  
 اصول ترجمه، نقد ترجمه، ترجمه  
 اصول و مبانی ترجمه: تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد عملی  
 آثار مترجمان، از ۱۳۵۸ (چاپ هشتم)  
 ترجمه‌های نامفهوم، ۱۳۸۴ (چاپ اول)



# نگاهی به سبک شعر و ترجمه قرآن صفارزاده

از ویژگی‌های خاص این اثر است.

ضمایم پایانی کتاب به دو زبان انگلیسی و فارسی، دربردارنده توضیحات کوتاه و کامل از ضرورت کار، انگیزه مترجم، ویژگی‌های ترجمه و سایر مسائل پیرامونی آن، فهرست‌نویسی از اسماء الهی و نمونه‌های متفاوت در استفاده از اسماء واحد در معانی مختلف و فهرست، آیه‌ها و سوره‌هاست.

مترجمان و قرآن‌پژوهان نیز معتقدند که در ترجمه قرآن «طاهره صفارزاده» با یک زبان سهل و ممتنع روبه‌رو هستیم، به طوری که این ترجمه که همراه با تفسیر و توضیحات است هم قابل فهم برای عوام بوده و هم افراد خاص آن را می‌فهمند. هم‌چنین ترجمه قرآن صفارزاده از پشتوانه علمی بالایی برخوردار است و مترجم در جهت سلیس بودن و روان بودن و استفاده از ظرایف ادبی دقت خوبی به خرج داده، ترجمه او صرفاً یک ترجمه مکانیکی نیست، بلکه خلاقیت‌های یک فارسی‌زبان و یک ادیب در آن به چشم می‌خورد، پرهیز از اشتباهات و اشکالات دیگر ترجمه‌ها در آن نمود دارد و صرفاً این ترجمه یک ترجمه صرف نبوده و در واقع پژوهشی در ترجمه محسوب می‌شود.

صفارزاده دیدگاه‌های نسبتاً متفاوتی درباره ترجمه قرآن با دیگر مترجمان دارد، به‌ویژه در ترجمه «اسماء الله» و «اسماء الحسنی»، که در قرآن بسیار زیاد آمده، این نکته هم در ترجمه انگلیسی و هم در ترجمه فارسی او تأثیر زیادی گذاشته است.

ترجمه وی ادیبانه و در برخی موارد زیبا و شاعرانه است. هم‌چنین تسلط بسیار صفارزاده به زبان و ادبیات فارسی از نقاط قوت این ترجمه بوده که به خوبی منعکس شده است.

## نگاهی به شعر «طاهره صفارزاده»

شعر نیز بعدی دیگر از مرحوم صفارزاده است، صفارزاده اولین جایزه شعر را که یک جلد دیوان جامی بود در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد «محمدابراهیم باستانی‌پاریزی» که آن زمان از دبیران دبیرستان «بهم‌یار» بود، از رئیس آموزش و پرورش استان دریافت کرد.

شهرت طاهره صفارزاده با شعر «کودک قرن» پدید آمد.

صفارزاده شاعری را همچون علامه «اقبال لاهوری» مسند انسان‌سازی و «اصلاح‌گری» می‌داند و به شاعر به‌عنوان یک «مصلح اجتماعی» نگاه می‌کند. از همین رو در اکثر شعرهای او توجه به آموزه‌های اخلاقی - دینی

صفارزاده قرآن را به سه زبان ترجمه کرده و ترجمه قرآن کریم از مهمترین آثار معنوی اوست که به دلیل این اثر ارزشمند و سایر آثار خود در سال ۲۰۰۶ میلادی از سوی انجمن نویسندگان آفریقایی آسیایی به‌عنوان شاعره مبارز و زن نخبه و دانشمند مسلمان در کشور مصر جایزه ویژه دریافت کرد، در متن اطلاعیه این سازمان درباره صفارزاده چنین آمده است: «طاهره صفارزاده» شاعر، مترجم و نویسنده برجسته ایرانی، مبارزی بزرگ و نمونه والای یک زن دانشمند و افتخارآفرین مسلمان است، این سازمان ایشان را به پاس سابقه طولانی مبارزه و کوشش‌های علمی گسترده به‌عنوان شخصیت برگزیده سال معرفی می‌کند».



مرحوم صفارزاده درباره فعالیت خود چنین می‌گوید: «تلاش‌هایی که در دوران جوانی و سالیان گذشته بدون چشم‌داشت مادی انجام داده‌ام، سبب شد که حق تعالی توفیق ترجمه قرآن را نصیب من فرماید،

افتخار من خدمت رایگان است و هرگز راضی نشده‌ام از بیت‌المال چیزی دریافت کنم و تجلیل از اندیشمندان تا زمانی که حتی یک نفر گرسنه سر بر زمین می‌گذارد، خلاف مقام علمی و شأن بشر است.»

«پیوندهای تلخ»، «رهگذر مهتاب»، «چتر سرخ»، «طنین در دلنا»، «سد بازوان»، «سفر پنجم»، «مردان منحنی»، «ترجمه قرآن با عنوان «قرآن حکیم» و ترجمه قرآن به زبان انگلیسی از آثار مرحوم صفارزاده است.

صفارزاده پایه‌گذار آموزش ترجمه به‌عنوان یک علم و برگزارکننده نخستین «نقد عملی ترجمه» در دانشگاه‌های ایران محسوب می‌شود، ترجمه‌های متعددی از قرآن به زبان فارسی و انگلیسی وجود دارد که هر کدام دارای ویژگی‌های ادبی و پژوهشی خاصی هستند.

«قرآن حکیم» از موارد نادر ترجمه توأمان متن عربی قرآن، به دو زبان فارسی و انگلیسی و حاصل سی سال مطالعه مشتاقانه مترجم از متون عربی و انگلیسی و تفاسیر و منابع اسلامی و استادی دانشگاه در مقام تعلیم و تعلم سعی در معادل‌یابی دقیق، با علم به ترجمه‌ها و تفسیرهای موجود و استفاده از فرهنگ‌های دو زبانه متعدد، ترجمه به مفهوم آیه و درارتباط با آیه‌های پیشین و پسین، استفاده از علائم سجاوندی به‌شکلی مناسب و جدید، ساده‌نویسی و آسان‌فهمی و ارائه برداشت‌ها و معلومات تفسیری در پانویس و مهمتر از همه توجه خاص مترجم به معانی مختلف صفات واحد الهی و اسماء الحسنی باری تعالی در مفهوم و منظور آیه متعلق به این اسماء،





مشهود است.

خود در مصاحبه‌ای به‌طور ضمنی به این مسئله اشاره کرده است: «از جهت توجه به مضامین انسانی – اجتماعی و روشنفکری که پالایش اندیشگی را برای خواننده تأمین کرده، خانم پروین اعتصامی مورد احترام

صفارزاده در تعریف شعر چنین می‌گوید: «وقتی به روزگار جوانی خود نگاه می‌کنم، تلاشی خستگی‌ناپذیر مشاهده می‌شود که برای معرفی ثمرات آن تلاش باید دوچندان تلاش می‌شد، اما به واسطه عنایت ویژه پروردگار خسته نشدم و ادامه دادم، بزرگترین مشغله ذهنی من استقلال مملکت است که بخشی از آن بی‌شک به فراگیری زبان علم بستگی دارد، استقلال فقط شامل حفظ مرزهای کشور و قطع وابستگی خارج و جلوگیری از مستعمره شدن نیست.»

صفارزاده در زمینه شعر و شاعری به دلیل مطالعات و تحقیقات ادبی به معرفی زبان و سبک جدیدی از شعر با عنوان شعر «طنین» توفیق یافت که در آغاز بسیار بحث‌برانگیز شد، زیرا شعر مقاومت و طنز سیاسی، حکومت‌پسند نبود، سرانجام در سال ۵۵ به اتهام نوشتن شعر مقاومت دینی از دانشگاه اخراج و برای دومین بار به خانه‌نشینی و فراغت اجباری رفت.

وی در زمان خانه‌نشینی، تمام وقت خود را وقف خواندن تفاسیر و مطالعات قرآنی کرد، کتاب «سفر پنجم» او که دربرگیرنده اشعار مقاومت با مضامین دینی است در سال ۵۶ در دو ماه به سه چاپ با شمارگان سی هزار رسید.

در آغاز نهضت اسلامی، به کمک نویسندگان سرشناس و متعهد مسلمان به تأسیس مرکزی به نام «کانون فرهنگی نهضت اسلامی» اقدام کرد.

همه‌شاعران بزرگ در مقطعی از زندگی ادبی خویش و در مرحله عبور از گردنه «آزمون و خطا» به طور ناخودآگاه به رفتار هنجار و حتی در پاره‌ای موارد «رفتار فروهنجار» با زبان مبتلا بوده‌اند، ولی در نهایت با کسب دانش و بینش ادبی و رسیدن به قله اجتهاد در حوزه زبان، در سیر تکوینی خویش این منزل را پشت سر گذاشته و به سرمنزل خلاقیت و نوآوری در زبان رسیده‌اند. صفارزاده نیز از این قاعده مستثنی نبوده، او نیز در منزل اول شاعری، متأثر از شاعران متقدم و معاصر خویش بوده و تا مدتی در قالب‌های نیمه‌سنتی طبع‌آزمایی می‌کرده، هر چند از همان آغاز صبغه دینی اشعارش، او را از دیگران متمایز می‌کرده است.

دوره اول شاعری صفارزاده از سال ۱۳۳۵ و با چاپ نخستین مجموعه شعر او با عنوان «رهگذر مهتاب» آغاز می‌شود و تا سال ۱۳۴۱ ادامه می‌یابد، با بررسی شعرهای اولین دفتر صفارزاده به شاعری بر می‌خوریم که به دنبال ابلاغ پیام‌های اخلاقی اجتماعی است، در شعرهای این دفتر رگه‌هایی از تأثیرپذیری معنوی از پروین اعتصامی دیده می‌شود، چنان‌که



من هستند.» (دو ماهنامه ادبی الفبا، شماره سوم، آبان و آذر ۸۳، ص ۱۰)

با سایر شاعران معاصر است. نکته دیگری که درباره صفارزاده باید گفت این است که او از همان آغاز در نظر و عمل - شاعری اجتماعی و رسالت‌مدار است که برای «معنا» در شعر اصالت قائل است و این چیزی است که معاصران او از جمله شاعران پیرو «موج نو» و «شعر حجم» آن را بر نمی‌تابند:

«در شعر اصیل

سایه‌هایند

لفظ‌ها،

اندیشه‌ها را

نه‌اندیشه‌ها

لفظ‌ها را

یکی از وجوه تمایز صفارزاده به عنوان یک شاعر نیمایی با شاعران معاصر خویش، وارد کردن مضامین دینی به شعر است که تا پیش از او در شعر نیمایی و سپید کم‌سابقه بوده است.

«رهایم تا ز بند کام

و از زنجیرهای زنگ‌دار نام

نیازم پیش تنها نیست

خدا و شعر

این‌ها پیمان‌دان جاویدم»

هم‌چنان که اشاره شد، رفتار شاعر در این دوره از زندگی ادبی

خویش با زبان «رفتاری هنجار» است؛ یعنی رفتاری مطابق با

معیارها و هنجارها مقبول ادبی که محصول رقابت جمعی





می‌گیرد. در رویگردانی شاعر از پیچیده‌گویی و گرایش او به لحن طبیعی گفتار در این دوره، شاید مؤلفه‌ای چون انقلاب اسلامی بی‌تأثیر نبوده است.

تأثیر مثبت قرآن، حدیث و فرهنگ دینی در شعر صفارزاده، به‌ویژه در دهه ۶۰ تا ۸۰ بسیار مشهود است؛ شعر صفارزاده از شعرهای خوب و انقلابی معاصر و نشان‌دهنده انس و الفت شاعر با مفاهیم دینی است و اگر به پاورقی برخی از دفاتر شعری او مراجعه کنیم، کلمات خاص قرآنی و توضیحات مفاهیم قرآنی را خواهیم دید.

سرانجام طاهره صفارزاده پس از سال‌ها

تلاش بی‌وقفه در حوزه فرهنگ دین و قرآنی فارسی در ۴ آبان ۱۳۸۷ پس از یک دوره بیماری، در بیمارستان ایرانمهر تهران در سن ۷۲ سالگی درگذشت.

سایه‌ها پیروان اند. (رهگذر مهتاب، سخن در آغاز)

دوره دوم زندگی ادبی شاعر از سال ۱۳۴۷ با چاپ

مجموعه شعر «طنین در دلنا» آغاز می‌شود و تا

سال ۱۳۵۶ ادامه پیدا می‌کند. شاخصه‌های

اصلی شعر صفارزاده در این دوره، گرایش

به روایت و پیچیدگی در زبان است.

چاپ دفترهای «سد بازوان» و «سفر

پنجم» نیز حاصل سلوک ادبی شاعر در

این دوران است.

و اما دوره سوم زندگی ادبی

صفارزاده از سال ۱۳۵۶ با چاپ دو

مجموعه شعر «بیعت با بیداری» و «دیدار صبح» آغاز می‌شود که این

دوره تاکنون ادامه یافته است. در این دوره شاعر به سبکی مستقل و

زبانی کارآمد و منسجم دست پیدا می‌کند و ساده‌گویی را در پیش



## نگاهی گذرا بر آثار بانوی نمونه جهان اسلام





# باید نوشت نام تو را با اقا قیام

پنجم» ۱۳۵۶، «حرکت دیروز» ۱۳۵۶، «بیعت با بیداری» ۱۳۵۸، «مردان منحنی» و «دیدار صبح» ۱۳۶۶، «در پیش‌واز صلح» ۱۳۷۶، «گزیده ادبیات معاصر» ۱۳۷۸، «هفت سفر» ۱۳۸۴، «روشنگران راه» ۱۳۸۴، «اندیشه در هدایت شعر» ۱۳۸۴، «ترجمه بنیادی مفاهیم قرآن مجید» ۱۳۷۹ اشاره کرد

در یک برداشت کلی می‌توان شعر صفارزاده را به سه دوره تقسیم کرد. سه دوره که اگرچه گاهی نزدیکی‌هایی با هم‌دیگر دارند، اما از بنیاد و اساس تفاوت‌های چشمگیری بین آنها وجود دارد.

دوره اول از ابتدای مطرح شدن او به عنوان شاعر، با کتاب «رهگذر مهتاب» در سال ۴۱ - آغاز می‌شود و تا قبل از انتشار کتاب «سفر پنجم» ادامه می‌یابد. «صفارزاده» به مانند تمام شاعران هم‌نسل خود با وزن و قافیه و شعر کلاسیک کار خود را آغاز کرد و اندکی بعد هم مجذوب شعر نیمایی شد. در این زمان آنچه در شعر صفارزاده وجود دارد، تجربه‌های فردی و احساساتی جوانی است که هنوز به هیچ چیز به صورت جدی نگاه نمی‌کند.

در این زمان شعر صفارزاده نه تنها با دیگر هم‌نسلان خود تفاوت محسوسی ندارد، بلکه از فضای اجتماعی و فرهنگی زمان خود نیز به شدت متأثر است و نشانه‌هایی از اعتراض به شرایط فرهنگی جامعه در آن زمان و یا ابراز احساسات عدالت‌جویانه به چشم می‌خورد.

گذر «صفارزاده» از شعر نیمایی به شعر بی‌وزن یکی از بزرگ‌ترین پیشرفت‌های او محسوب می‌شد و او در شعری بی‌وزن بود که توانست به زبانی مستقل دست پیدا کند. زبانی ساده بدون آرایه‌های لفظی. این زبان بزرگ‌ترین کمک را به شعر «صفارزاده» کرد؛ او با استفاده از این زبان می‌توانست آنچه را که در ذهن دارد به سادگی به شعر تبدیل کند.

شعرهای بلند برای «طاهره صفارزاده» فرصتی بود تا بتواند در شعر به اندیشه دست یابد و بدون تأثیرپذیری از دیگران مفاهیم خاص ذهنی‌اش را خلق کند. در این مرحله آرام‌آرام شعر او از کلام یک شاعر احساساتی فاصله می‌گیرد و او فرصتی می‌یابد که مفاهیم جدیدی را خلق کند.

برخی از این شعرها بسیار درخشان است، به‌ویژه آنکه زبان مناسب با منطق شاعرانه به پیوستگی مناسبی رسیده و دقیقاً آنچه خلق شده شاعرانه است. شاید حتی بتوان گفت که برخی از این شعرها نمونه‌های بسیار خوبی برای شعر بی‌وزن فارسی در دهه ۴۰ محسوب می‌شوند.

طاهره صفارزاده، استاد نمونه دانشگاه، ادیب، شاعر و مترجم، در حالی به عالم باقی کوچ کرد که سال‌ها در کسوت «خادم‌القرآن»، در رونق افزایش و روشنگری ادبیات قرآنی، قلم فرسایی کرد.



«طاهره صفارزاده درگذشت»

کوتاه ساده و چند کلمه ... به همین سادگی

این که از قدیم بر همه اهالی ادب رسم نبوده که تا زمان حیات به هم ارج نهند که به وقت مرگ بار غم کمتر شانه‌هایشان را بلرزاند؛ اما این بار شاهد رسم عجیب‌تری هم بودیم نه کسی از او کمتر سراغی گرفت و نه کسی بعد از او کمتر کلامی ...

مرحوم طاهره صفارزاده پس از دو ماه بیماری و یک ماه بیمارستان‌نشینی چشم به راهی که کشف کرده بود، سپرد.

او ساده کار کرد؛ به سادگی با ما هم‌کلام شد و امروز در کمال سادگی به آرامش رسید.

صفارزاده از نسل شاعرانی است که به آرامی و در کمال سکوت به فعالیت خویش ادامه دادند. حتی هنگامی که اثری بزرگ چون ترجمه قرآن را از خود بر جای می‌گذاشت با سادگی تنها چشم به پادشاه صاحب قرآن داشت.

حاصل سال‌ها تلاش وی برای بازشناسی همه آن چیزی که از ما از خود به فراموشی سپرده‌ایم.

طاهره صفارزاده در سال ۱۳۱۵ در سیرجان به دنیا آمد. او پس از کسب مدرک کارشناسی ادبیات از دانشگاه تهران برای ادامه تحصیل به دانشگاه آیووا رفت و پس از کسب مدرک دکتری در زمینه نقد تئوری و عملی ادبیات جهان به ایران بازگشت و در سال ۱۳۴۹ در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) به تدریس پرداخت. وی پس از اندکی به ریاست دانشکده ادبیات و دانشگاه ملی (شهید بهشتی)، پرداخت. صفارزاده در سال ۱۳۸۰ پس از انتشار ترجمه خویش از قرآن کریم به عنوان خادم‌القرآن نیز مفتخر شد. صفارزاده نخستین مترجم قرآن کریم به سه زبان زنده دنیا به شمار می‌آید.

«طاهره صفارزاده» از جمله شاعرانی است که دوره‌های متعدد شعری را تجربه کرده است؛ اما آنچه سبب شد «طاهره صفارزاده» به‌ویژه پس از انقلاب مورد توجه قرار بگیرد پیوند او با انقلاب و همسویی شعرهای او با روحیه مذهبی مردم در آن دوره بود.

از آثار مرحوم صفارزاده اجمالاً می‌توان به «سد بازوان» ۱۳۵۰، «سفر



صفارزاده از نسل شاعرانی است که به آرامی و در کمال سکوت به فعالیت خویش ادامه دادند. حتی هنگامی که اثری بزرگ چون ترجمه قرآن را از خود بر جای می‌گذاشت با سادگی تنها چشم به پادشاه صاحب قرآن داشت



می خواهد حرف‌هایی بزند که دیگر از پیچیدگی خاصی برخوردار نیستند، بلکه معنا و مفهوم ساده‌ای را می‌رسانند.

«سفر سلمان» که کتاب با آن آغاز می‌شود شعری است بلند که البته مختصات آن با شعرهای بلند قبلی او متفاوت است.

در این مرحله جای هر سطر و هر کلمه مشخص است و شاعر قصد دارد از کنار هم چیدن این پازل به یک مفهوم مشخص برسد؛ مفهوم مشخصی که از قبل در ذهن او وجود داشته است.

در «سفر پنجم» صفارزاده نشان می‌دهد که تغییرات عمیق و وسیعی در آثار بعدی او به وجود خواهد آمد. تغییراتی که شعر را یکسر متفاوت از آثار گذشته می‌کند.

«سفر پنجم» برای نخستین بار در سال (۵۶) منتشر شد. در آن سال هنوز تعداد نویسندگان و شاعرانی که بتوان گفت به ادبیات متعهد گرایش دارند چندان زیاد نبود. عده آن‌ها بسیار کم و اغلب به صورت کاملاً فردگرا و جدای از هم کار می‌کردند.

در این دوره صفارزاده زیربنای شعری خود را به عنوان

یک شاعر انقلابی - اسلامی، ساختار سازی کرد. از

این جا به بعد او شعر انقلابی خود را آغاز کرد. این

شعر ویژگی‌های خاص خود را داشت که با کل

دوران شاعری او کاملاً متفاوت بود. شعر در

شرایط انقلابی دیگر نمی‌تواند از پیچیدگی

برخوردار باشد. البته در این شعر هم شور و نشاط

تازه‌ای وجود داشت و هم بی‌پروا و گستاخ. این

ویژگی‌هایی که شعر انقلابی را می‌سازد اغلب

شعر را از ادبیات دور می‌کند و به سمت یک اسلحه یا وسیله مبارزه می‌برد.

«صفارزاده» که در سفر پنجم آرام آرام راهی را تجربه می‌کرد که از شعر

گذشته فاصله بگیرد و سعی می‌کرد شعرش محصول اندیشه و تفکر خود

باشد این ژرف‌نگری و تفکر در شعر را رها می‌کند و تا حدودی هیجان‌زده

می‌نویسد.

از این جهت بیشتر می‌توان شعر این سال‌های او را با اوایل دوران شاعری

او مقایسه کرد. شاید به همین دلیل احساسی بودن و هیجان‌زده شدن شعر

است که برخی از اولین شعرهای او نظیر «کودک قرن» به شعرهای انقلابی

او نزدیک می‌شود همانندی بسیاری پیدا می‌کند.

مسئله در اینجا است که شرایط انقلابی به سرعت ایجاد می‌شود و با

سرعت بسیار زیادی زبان و ادبیت زبانی خاص خود را خلق می‌کند. اما این

زبان به بخش کوتاهی از تاریخ مربوط می‌شود و با تغییر آن شرایط زبان هم

ذهن «صفارزاده» در این نوع شعرها، ذهنی پرسشگر و جست‌وجوگر است. او زمانی که به سراغ فرهنگ اروپایی یا آمریکایی یا حتی فرهنگ هندی می‌رود، دارای ذهنی کنجکاو است که سعی در جست‌وجوی مفاهیم دارد. او سعی دارد هر پدیده‌ای را به گونه‌ای دیگر ببیند و هر مولفه‌ای را به زبان شاعرانه توضیح دهد. در میان احساسات و بیان شاعرانه او نیز گاهی درمی‌یابیم که شاعر دچار سرگشتگی است، نمی‌تواند شکل واحدی را انتخاب کند و حتی نمی‌تواند از سوژه واحدی صحبت کند. برای همین شعرهای بلند می‌نویسد که بتواند دائماً تغییر مسیر داده و در یک شعر موضوعات متعددی را وارد کند.

البته در این میان نباید ادامه تحصیل او در خارج از کشور را فراموش کرد، چراکه برخورد او با جهان غرب و زندگی در آمریکا تأثیراتی را بر شعر او دارد که انکار ناپذیر است. شاعر در اینجا به پلی مبدل می‌شود که آنچه در جهان بیرون از او وجود دارد را به شعر منتقل کند. بنابراین مثلثی شکل می‌گیرد که یک ضلع آن شاعر است و ضلع دیگر جهان پیرامون او. ضلع سوم

یعنی شعر کامل‌کننده این وضعیت است و جایی است که

شاعر خودش را در پیوند با جهان خارج احساس

می‌کند.

«سفر پنجم» حلقه ارتباطی است بین دو

تجربه متفاوت شعر. در کتاب «سفر پنجم»،

«صفارزاده» آرام آرام شرایطی را در شعر

تجربه می‌کند که بتواند به یک شخصیت

منسجم دست پیدا کند. شخصیتی که صرفاً

مصرف‌کننده فکر نیست، بلکه تولیدکننده

اندیشه است و اندیشه‌ای را استفاده می‌کند که از رابطه او با شعر حاصل شده

است.

او در «سفر پنجم» سعی می‌کند مفاهیم را به سمت بومی شدن و

سرزمینی شدن سوق دهد. در اینجا است که او به جای آنکه از «مظاهر تمدن

غربی» در شعر استفاده کند به سراغ مظاهر مذهبی - دینی می‌رود. در واقع

چرخش او در همه زمینه‌ها است. هم اسطوره‌های ذهنی شاعر را در بر

می‌گیرد و هم دایره واژگانش را و در نهایت مفاهیمی که می‌خواهد به آن‌ها

برسد، اما همان‌طور که اشاره شد سفر پنجم صرفاً نقش یک حلقه ارتباطی را

دارد. «صفارزاده» هرچه به مفاهیم ساده بومی نزدیک می‌شود ناچار است

ساختار و ساختمان شعر را به همان اندازه ساده کند، چراکه مخاطبان او هم

آرام آرام عوض می‌شوند.

مرحله دوم شعر او اغلب افراد ساده جامعه مخاطب قرار می‌گیرند. او



مرحله دوم شعر صفارزاده اغلب افراد ساده جامعه مخاطب قرار می‌گیرند. او می‌خواهد حرف‌هایی بزند که دیگر از پیچیدگی خاصی برخوردار نیستند، بلکه معنا و مفهوم ساده‌ای را می‌رسانند

به سرعت تغییر می‌کند. در نتیجه ادبیات این دوران دارای تنهایی می‌شود. در این میان شاعرانی که با فاصله گرفتن از زبان و کلمات ویژه انقلاب و پرداختن به مفاهیم انقلاب شعر می‌سرایند، طبیعتاً شعرشان کمتر دچار فراموشی می‌شود.

دوره سوم شعر «صفارزاده» پس از شرایط هیجانی انقلاب شکل دیگری می‌گیرد. زمانی که انقلاب پایان یافته و هیجان‌ها فروکش کرده است. شاعر می‌تواند بیشتر به شعر خود فکر کند. فرصت بیشتری دارد که آن را ویرایش کند و از افتادن به دام فضاهای کلاسیک پرهیز کند. در دوره سوم مفاهیم دینی و اخلاقی را گزارش می‌کند. اما این را هم باید اضافه کرد که بیان او با دوره پیش فرق چشمگیری دارد، او بسیاری از شعرها را با دقت و وسواس زیاد می‌نویسد دیگر دچار هیجان و احساس نیست و از تکنیک‌هایی که قبلاً در شعر بهره می‌گرفت دوباره استفاده می‌کند.

صفارزاده در دوره سوم شاعری خود به نوعی آرامش می‌رسد نه بی‌قراری‌های دوره اول را دارد و نه هیجانات و احساس‌گرایی دوره دوم را. او در این دوره بیش از هر چیز به خود این اجازه را می‌دهد که منطقی باشد. با مسائل به گونه‌ای برخورد می‌کند که آن‌ها وجود دارند.

صفارزاده از جمله شاعرانی است که توانست در همان آغاز شاعری به زبان خاص خود برسد. به وجود آمدن یک زبان که تحت تاثیر کسی نباشد کمک بسیاری به او کرد، تا بتواند شاعری مستقل باقی بماند و به دنبال مسائل دیگری در شعر باشد.

صفارزاده با تکیه بر زبان خود سه دوره شاعری را براساس جست‌وجوی مفاهیم سپری کرد. شاید اگر او دارای زبان ویژه‌ای نبود و مشکل به دست آوردن زبان را داشت، این همه فرصت برای پرداختن به مفاهیم را نداشت.







چون بگو و گفتند خواننده را در درک معنا کمک می‌کند. در سراسر ترجمه قرآن مجید این معرفی به عمل آمده است. ترجمه به دو زبان آنگاه که توان مقابله دو متن فراهم شده باشد به ویژه برای خوانندگان که قدری فارسی و قدری انگلیسی می‌دانند جنبه آموزشی مسلم دارد. ولی اگر دو ترجمه که مطابقت فارسی و انگلیسی در آن رعایت نشده باشد در یک جلد گنجانده شود، نه تنها فاقد این ارزش است، بلکه اثر دو مترجم متفاوت از لحاظ درک معنا و برداشت‌های تفسیری، ممکن است در ذهن خواننده آشفتگی هم ایجاد کند.

وی ادامه می‌دهد: «ادب الهی در نوشتار در ترجمه رعایت شده، برای خداوند «فرمود» به جای «گفت» و «اراده فرمود» به جای چنین و چنان کرد و برای بندگان در خطاب به باری تعالی به جای «گفت» و نظایر اینها. (ص ۱۵۵۴)

حجت الاسلام والمسلمین «محمد رضا انصاری» در شناسنامه اجمالی که معرفی این ترجمه به اجمال برای مرکز ترجمه قرآن مجید است، این ترجمه را چنین معرفی می‌کند: «این ترجمه با رعایت اصول دستور زبان فارسی و با نثری معتدل همراه با افزوده‌های توضیحی بسیار در میان قلاب شکل گرفته است. علاوه بر توضیحات مندرج در متن ترجمه، توضیحاتی نیز به صورت پانویس

آمده است. اگر چه مترجم توضیحات درون متنی را میان دو قلاب قرار داده، ولی این تفکیک به نظر می‌رسد به طور دقیق بر سراسر ترجمه حاکم نیست و در برخی موارد افزوده‌های بدون قلاب است. روش این ترجمه متمایل به آزاد است و مترجم همین روش را در سراسر ترجمه دنبال نموده است. مهمترین نقطه قوت این ترجمه ساختار نثر آن است که هر چند یک نثر صدر در صد قوی نیست، ولی از آنجاکه سلیس و روان است می‌توان آن را نثری معتدل به شمار آورد. افزوده شدن توضیحات تفسیری و انتخاب ترجمه‌ای متمایل به ترجمه آزاد از دیگر عوامل مفهوم بودن این ترجمه است.

«ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن کریم»؛ بن‌مایه فعالیت‌های قرآنی طاهره

صفارزاده

کتاب «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» نوشته مرحوم «طاهره صفارزاده» را باید چکیده نظریات علمی وی در ارتباط با ترجمه قرآن کریم

ترجمه «طاهره صفارزاده» از قرآن کریم به سه زبان (عربی، فارسی و انگلیسی) با نام فارسی «قرآن حکیم» از سوی انتشارات «هنر بیداری» برای نخستین بار در تابستان سال ۱۳۸۰ در ۶۰۰۰ نسخه منتشر شد.



این ترجمه در سال ۱۳۸۲ به چاپ مجدد رسید، ترجمه انگلیسی صفارزاده تاکنون بیش از ۱۵ بار منتشر شده است.

این ترجمه نوعی ترجمه آزاد تفسیری است و مترجم در این ترجمه بیشتر به فهم مخاطب توجه نشان داده است تا وفاداری به متن.

صفارزاده در مقدمه ترجمه خود می‌نویسد: «در این ترجمه درصد ترجمه سجع و آرایه‌های قرآنی نبوده‌ام، چراکه فوق العاده به بافت و ساخت زبان عربی ربط دارد و در ترجمه همان جمال و کمال را ندارد. این ترجمه دارای افزودهای تفسیری است که درون ترجمه‌ای و غالباً به

کمک غلاب و پرانتز است نه حاشیه و تفسیرنویسی.

در این ترجمه تغییر عمیق لحن و موضوع قرآن برای اطلاع‌یابی خوانندگان با افزودن ستاره‌ای نشان داده شده است. هم چنین هر معادلی با معادل‌های ترجمه‌های دیگران به دقت سنجیده شده است.

تفاوت اصلی این ترجمه با ترجمه‌های موجود در فارسی و انگلیسی جایگزینی معادل برای اسماء الحسنی یا نام‌های فوق نیکوی خداوند

در ارتباط با آیات قرآن مجید است. هم چنین اصطلاحات فنی و تخصصی قرآن را که در اثر توجه به زمینه موضوع آیات به درک معادل دقیق برای آن‌ها نائل شده‌ام جایگزین ترجمه‌های تحت‌اللفظی رایج قرار داده‌ام.

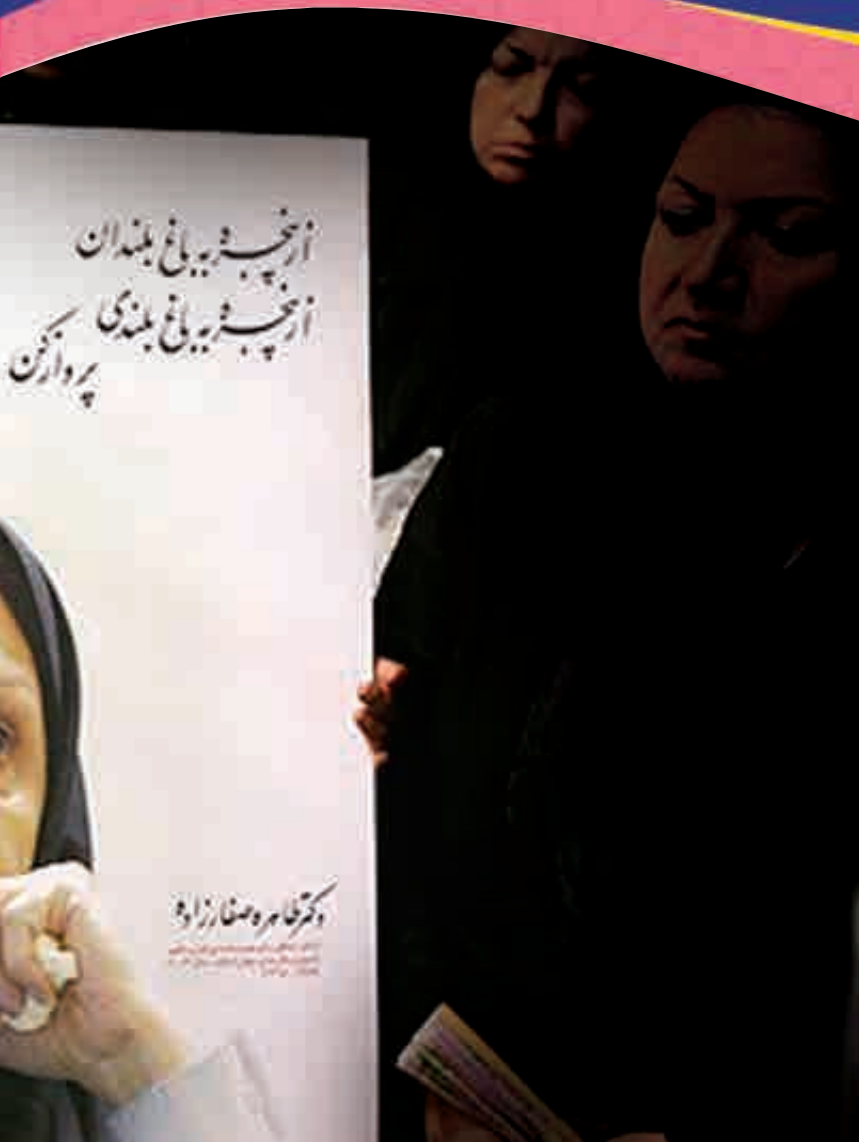
وی ادامه می‌دهد: «در باره علامات نقطه‌گذاری به دریافت‌های جدید دست یافته‌ام در آیات مربوط به هم حتی اگر هم پایان هر آیه جمله کامل شده باشد، نقطه به کار نبرده‌ام و از نقطه‌ویرگول استفاده کردم، هم چنین در صورتیکه خطاب و کلام الهی ضمن بیان تغییر کند، این دگرگونی با علامت ستاره مشخص شده است.

صفارزاده هم چنین در پایان ترجمه خود چنین آورده است: «برداشت‌ها و معلومات تفسیری مترجم اغلب مقدم در پی نویسنده در ترجمه آیه منعکس شده و گاه به صورت کلماتی در پرانتز یا قلاب قرار گرفته و این علامت به عنوان جایگاه توسعه معنی و ایجاد ارتباط بیشتر در درک مفهوم برای خواننده موثر است.

در آیاتی که گوینده دارد ولی «قل» یا «قالوا» نیامده اضافه کردن کلماتی







به زبان فارسی و انگلیسی دانست که نگاه حساس و نگران صفارزاده را به آنچه که وی ترجمه‌های متفاوت از قرآن کریم می‌داند را به روشنی تبیین می‌کند.

«ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن کریم» اثری است که اسفندماه سال ۱۳۷۶ و به قلم طاهره صفارزاده منتشر شد. این کتاب به غیر از متن اصلی خود که شامل ترجمه، شرح و تفسیر پاره‌ای از عبارات قرآن است، در بردارنده مقدمه‌ای است که در واقع مانیفست صفارزاده در رویکرد او به ترجمه قرآن به شمار می‌آید.

این مقاله را با وجود عنوان پیشگفتاری که برای خود برگزیده است، در واقع باید یک دوره عملی تحلیلی جامع در ارتباط با ترجمه قرآن دانست.

صفارزاده در این مقدمه هدف از نگارش این کتاب را پس از یادآوری تأکید قرآن کریم به دانستن معنای کامل آیات توسط مخاطبان قرآن، دوری از خلق ترجمه‌های تحت‌اللفظی پیچیده و نابسامان و نیز ترجمه‌هایی که فاقد پیوند مفهومی میان آیات و شأن نزول آن‌ها است، دانسته.

مطلب» یعنی به منصفه ظهور رساندن درک صحیح و جامع مفهوم آیات و محتوای کلام الهی لطمه‌ای وارد نشود».

صفارزاده در این مقدمه راه حقیقی خلق ترجمه قرآن کریم را کوشش در شناخت و شناساندن مفهوم کلام الهی ذکر می‌کند و تکیه صرف به ترجمه معانی الفاظ و کلام و نیز بهره‌گیری از معانی غیر مربوط از فرهنگ لغات را از نقاط ضعف این موضوع و تنها مایه سرگردانی مترجم و خوانندگان می‌داند.

صفارزاده در ادامه تأکید می‌کند: «اگر در ترجمه قرآن مجید که حاوی علم جامع و برترین کتاب مبلغ علم است، برای آموختن اصطلاحات و واژگان تخصصی در مرحله شناخت مفهوم، آگاهانه وقت صرف کنیم مسلماً شناساندن مفهوم یا معادل‌یابی مبنای بنیادین پیدا خواهد کرد. در تأسی به روش‌های علمی باید حجاب‌های اخلاک‌گر را پس زد تا حقایق آشکار شوند. به عبارت دیگر با همه ارزشی که برای

وی در این مقدمه در ارتباط با رویکرد خود به ترجمه عبارات و مفاهیم بنیادی قرآن کریم، می‌نویسد: «من از تجربه شخصی خود نه به عنوان یک

معلم ترجمه، بلکه به عنوان مسلمانی شوق ورزنده به قرآن مجید عرض می‌کنم که تنها راه قرآن‌شناسی برای یک فرد درس خوانده، روی بردن به تفاسیر است، اما بقیه باید چه بکنند؟ همراه ذکر شأن نزول برای یک آیه چندین حدیث و روایت متضاد و چندین برداشت نحوی از قرائات مختلف نقل شده که ذهن پژوهشگر جوان در مقام تصمیم‌گیری بعید است بتواند سخن برتر را انتخاب کند. به صراحت می‌گویم که صاحب مجمع هم گاهی نظر نهایی را درباره برخی از آیات به خواننده انتقال نمی‌دهد».



«من از تجربه شخصی خود نه به عنوان یک معلم ترجمه، بلکه به عنوان مسلمانی شوق ورزنده به قرآن مجید عرض می‌کنم که تنها راه قرآن‌شناسی برای یک فرد درس خوانده، روی بردن به تفاسیر است

وی سپس می‌افزاید: «برای رفع این معضل پیشنهاد می‌شود که مترجمان دلسور ضوابطی برای استفاده از معلومات تفسیری خود آنگاه که از این دانش بهره‌مند شدند، برگزینند تا در ترجمه قرآن مجید به «اصل





## اهمیت شناخت اسماء الحسنی در ترجمه آیات قرآن مجید

الغنی الحمید، الغریز الرحیم و در این شکل ترکیبی، مفاهیم خاص و متنوعی را تعلیم می‌دهند. بر اثر دقتی که خداوند منان در یادگیری و پژوهش درباره این مقدسات نصیب فرموده به طور قاطع به اطلاع می‌رسانم.

جاذبه معنایی و هدایت‌گری نام‌های فوق نیکو به حدی وسیع و جامع است که می‌توان آن‌ها را از بارزترین دلایل معجزه به شمار آمدن قرآن مجید دانست، اما افسوس که در شناخت این منابع علمی کلام خداوند به قدری کوتاهی شده که مسلماً غم غافل بودن از اهمیت آن‌ها در متن آیات پس از بررسی‌های دقیق، بر دل‌های قرآن‌دوستان سنگینی خواهد کرد. آنان که در مباحثات ادبی برای نشان دادن هنر کلام الهی در زمینه ایجاز، مکرراً به مثال «یا ارض ابعلی ماءک» رجوع می‌کنند با وجود اقیانوس نمونه‌های خداداد نام‌های فوق نیکو تنها به استفاده قطره‌ای بسنده کرده‌اند.

سه ویژگی اصلی که در اسماء الحسنی یا نام‌های فوق نیکوی الهی را فرموده شده و محدودی عقل این بنده خداوند عبارت از:

۱- ارائه برهان متقن در تبیین توحید و یگانگی مقام خالق یکتا، از طریق شناخت صفات الهی، به ویژه آن دسته که برای انسان، یعنی موجود غیر خدا به واسطه دارا بودن خصوصیات مغایر، ناممکن به نظر می‌رسند مانند: الحی القیوم زنده‌ی ابدی، الواحد القهار یگانه‌غالب بر همگان، الملک القدوس پادشاه پاک و مقدس بدون عیب و نقص. این مجموعه نامها و صفات، خاص ذات پاک احدیث است، زیرا در جامعه‌ی انسانهای کامل یعنی در جامعه پیامبر هم «زنده‌ای ابدی» «یکتای غالب بر همگان» و «پادشاه پاک و بدون عیب و نقص» یافت نمی‌شود.

البته این نام‌ها و صفات به شرطی که درست خوانده شوند و یکی از دو نام برای دیگری صفت قرار داده شود مقامات مذکور را به وسیله کلام،

متن زیر گزیده‌ای است از مقدمه بخش اول کتاب «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» - که برای نخستین بار در سال ۱۳۷۹ توسط نشر سایه منتشر شده - است. این متن نمایانگر نگاه دقیق و علمی و نیز حساسیت فوق‌العاده مرحوم طاهره صفارزاده به ترجمه قرآن کریم است.



متن این مقاله به شرح زیر است:

«وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذُرُّوا الَّذِينَ يُلْحِثُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» و نام‌های نیکو به خدا اختصاص دارد، پس او را با آن‌ها بخوانید و کسانی را که در مورد نام‌های او به کژی می‌گیرند رها کنید، زود باشد که [سزای] آنچه انجام می‌دادند، کیفر خواهند یافت. (سوره اعراف آیه ۱۸۰)

نام‌های فوق نیکوی خداوند که عموماً در انتهای آیات وارد شده‌اند، مقام مهر و امضای پای حکم هر آیه را دارند و غالباً هم به صورت زوج ظاهر می‌شوند مانند: الحی القیوم،

معنای لغوی و ساختار زبانی است و غفلت از این وظیفه همان‌گونه که در کتاب «اصول و مبانی ترجمه» یادآور شده‌ام، ترجمه تحت‌اللفظی یا کلمه در برابر کلمه را باعث می‌شود در انواع ترجمه‌های تخصصی به ویژه در زمینه متون دینی باید به وجه اخص، نوع مضمونی و فرهنگی مدنظر باشد؛ پس تنها با اصل قرار دادن موضوع و مفهوم است که این دو عامل اخلا لگر (واو عطف و کاما) در ترجمه نامها و صفات، جایگاهی برای روز نمی‌یابند.

در ترجمه‌های شماره‌های ۱ و ۲ و ۷ خطای مفهومی وجود دارد: آیا هر زنده‌ای پاینده و ابدی است؟ شماره ۳ اگر «زنده ابدی» بود به وجای «زنده پاینده» معنی کاملتر بود، چون پاییدن امری نسبی است: مدتی پاییدن تا پاییدن ابدی تفاوت دارد. شماره ۴ ترجمه نکرده. شماره ۵ از گروه استفاده نامناسب کرده و در نتیجه معنی به صورت ناقص عرضه شده. شماره ۶ زنده و ابدی را مترادف گرفته است. ترجمه‌های انگلیسی بر «ابدیت» ذات ذوالجلال تأکید ندارند و مترجمان، این دو نام مقدس را صفت‌های مترادف شناسایی کرده‌اند.

ترجمه درست: معبودی غیر از خداوند یعنی آن زنده ابدی وجود ندارد.

۲- نامهای فوق نیکو، هم مظهر صفات خداوندند، هم در عین حال نمایانگر حکم و خواست و اراده الهی و هر کدام، برای انسانهای خداجو، اسوه‌ی رفتار و مربی اخلاق به شمار می‌ورند و گاه در مقام بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده عمل می‌کنند. مثلاً قرآن می‌فرماید در برابر تقصیر و خطای دیگران، عفو گذشت داشته باشید (۱۴۹: ۴) و بلافاصله برای معرفی مقام عفو در همان آیه می‌فرماید خداوند آن عفوکننده‌ی قدرتمند است؛ یعنی در عین قدرت بر انتقامجویی، گذشت می‌فرماید و آیه مبارک با عفو قديرا مهور می‌شود. مقصد تربیتی آیه، اسوه قرار دادن اراده و خواست الهی است.

۳- سومین از سه خاصیت اصلی که در طول قرن‌ها مومنان را دلبسته ساخته، بهره‌گیری از اسماء الحسنی در دعا و توسل و اهتمام ورزیدن اهل ایمان به ذکر کثیر است (۲۸: ۱۳ و ۴۱: ۳۳). ولی این منظور هم نامفوق خواهد ماند، اگر نام‌های فوق نیکو در ارتباط با آیات قرآن و به لحاظ معنی جامع، دانسته نشوند. بر اثر شناخت واقعی مقام هر یک از این مقدسات است که شفاعت آنها هنگام توسل برای شخص دعاکننده، با مبدأ ایجاد ارتباط می‌کند و دعا به محضر باری تعالی و اصل می‌گردد.

آنگونه که باید آشکار می‌سازند: اما معلمان و مترجمان، آنها را مترادف‌هایی دیده‌اند، یا یک سلسله صفات خوب که بدون مقصد خاص دنبال هم ردیف شده و برای خداوند بی‌نیاز از تعریف، صرفاً خاصیت تعریف و تمجیدهای متداول برای انسان‌ها را دارا هستند، در نتیجه چون مقاصد الهی از طریق نگرش پرسشگرانه مورد شناسایی قرار نگرفته، این پیام‌های روحبخش و پیوسته به یکدیگر، آنچنان بی‌روح و تفننی و زینتی و در قال کلمات جدا از هم در ترجمه آیات نمودار شده‌اند که گویی اساساً حاوی مراد و مقصودی نبوده‌اند. جهت تأیید این نظر برای مثال با هم به بررسی ترجمه‌های پیام توحیدی الحی القیوم و زبان‌های فارسی و انگلیسی می‌پردازیم:

۱- آیتی: الله است که هیچ خدایی جز او نیست، زنده است و پاینده است.

۲- پاینده: .... و زنده و پاینده است.

۳- خرمشاهی: ... و زنده پاینده است.

۴- خواجه‌ی: ... حی و قیوم است.

۵- فولادوند: .... و زنده پاینده است.

۶- الهی قمشه‌ای: .... زنده و پاینده ابدی است.

۷- مجتبی‌ی: ... زنده و پاینده است.

## شرح و نقد

عوامل اصلی اخلا ل در معنی عبارت‌اند از:

استفاده ناروا از واو عطف در ترجمه‌های فارسی و کاما (،) در ترجمه‌های انگلیسی که وظیفه اولی (یعنی واو) جمع کردن نام اشیا و صفاتی است که غالباً مترادف هستند که در این آیه مبارک نامها جمع نمی‌شوند بلکه یکی از دو نام برای دیگری صفت واقع می‌شود. اگر قرار بود ناپیوسته و یا مترادف معنی شوند خداوند کلمات را چنان وحی می‌فرمود و پیامبر آنگونه می‌نوشت مانند «ولی» و «نصیر» در آیات ۱۰۷ و ۱۲۰ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره. پس قیوم برای حی صفت است یعنی به جای «زنده و پاینده» باید باشد «زنده‌ی پاینده» در انگلیسی هم «کاما» وظیفه‌اش جدا کردن کلمات و در عین حال ردیف کردن آنها و به ویژه صفات مترادف است؛ پس با جداسازی نام‌ها و صفات **the alive, the eternal** ترجمه فاقد رسایی معنای اراده شده در قرآن مجید است.

عامل دوم که منشا اشتباهات مشترک و متعدد است نادیده گرفتن اصلی‌ترین وظیفه مترجم یعنی غلبه دادن موضوع و مفهوم متن بر





## «اصول و مبانی ترجمه» عصاره اندیشه علمی صفارزاده در ترجمه قرآن

کتاب «اصول و مبانی ترجمه» به قلم طاهره صفارزاده را باید در واقع عصاره اندیشه‌ای دانست که در نهایت وی را از بعد علمی به خلق ترجمه منحصر به فرد از قرآن کریم به زبان انگلیسی راهنمایی می‌کند.



ترجمه مرحوم طاهره صفارزاده از قرآن کریم یک اتفاق نیست. این ترجمه چنان که شخص مترجم و نیز بسیاری از وابستگان به او اذعان دارند، حاصل تأملات فراوان وی در متن قرآن کریم و نیز توجه وی به زبان مبدأ و زبان مقصد در امر ترجمه است.

این توجهات نیز بی‌شک جز به صرف فعالیت‌های عملی وی در عرصه ترجمه مرتبط نمی‌شود. صفارزاده از بدو شروع تدریس در دانشگاه شهید بهشتی – در سال ۱۳۴۹ – تلاش‌های خود را برای علمی کردن جریان ترجمه در ایران به کار بست که از جمله آن‌ها می‌توان به برپایی کارگاه‌های ترجمه در دانشگاه اشاره کرد. صفارزاده در این کارگاه‌ها تمرکز خود را بر روی شناخت دو زبان فارسی و انگلیسی برای دانشجویانش می‌گذازد که شامل ترجمه متون توسط دانشجویان و دفاع از این ترجمه‌ها در حضور سایرین و نیز نقد متون ترجمه شده مترجمان مطرح کشور در آن مقطع می‌شد و از همین زاویه بود که سال‌ها بعد، انتشار ترجمه صفارزاده از قرآن کریم به زبان انگلیسی تحولی شگرف را در زمینه ترجمه قرآن با خود به همراه می‌آورد.

کتاب «اصول و مبانی ترجمه» در واقع حاصل این نگاه و فعالیت‌های عملی او در زمینه روش‌های نوین ارتباط با زبان مقصد در ترجمه است که به تشویق شاگردان صفارزاده در آن سالیان نخستین بار در سال ۱۳۵۸ منتشر شد و مؤسسه انتشارات «پارس‌کتاب» نیز به تازگی آن را مورد تجدید چاپ قرار داده است.

کتاب در دو بخش کلی اصول و مبانی ترجمه و بررسی آثار مترجمان تهیه شده است؛ در فصل اول این کتاب صفارزاده به ذکر تاریخچه‌ای از

فن ترجمه در غرب و نیز تاریخچه شکل‌گیری اصول و قواعد ترجمه و نیز شکل‌گیری نخستین ترجمه‌ها در ایران پرداخته است. وی این بحث را در مرحله دوم به ارائه تعریفی از ترجمه و بررسی اشکالات کلی در امر ترجمه تعمیم می‌دهد.

صفارزاده در فصل سوم از این کتاب با موضوع ساختار ترجمه به معرفی ترجمه تحت‌اللفظی پرداخته و دانستنی‌های لازم در این امر از جمله علامت‌گذاری‌ها، نقطه‌گذاری‌ها و نیز دلایل احتراز از ایرانی کردن مفاهیم فرهنگ بیگانه و نیز چگونگی ترجمه واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه را شرح می‌دهد. صفارزاده در پایان این کتاب نیز به معرفی نمونه‌های ترجمه موجود از نمایشنامه‌ها و داستان‌های موجود پرداخته و برخی از غلط‌های دستوری و نیز مفهومی این ترجمه‌ها را با ذکر معادل‌های انگلیسی و فارسی آن عبارات برای مخاطبان خود تشریح می‌کند.

این اثر در مجموع چنانکه از نام آن نیز پیداست تجزیه و تحلیلی عملی و علمی از فن ترجمه را به شکلی جامع در برگرفته است که با ارائه نمونه‌هایی از متون اصلی آثار ترجمه شده موجود در بازار کتاب و نیز شرح اشتباهات آن، حقانیت نظریات خود را به اثبات می‌رساند.

## «ترجمه‌های نامفهوم» تبیین عملی نظریات صفارزاده در امر ترجمه

مبنای برای این علم وضع و ارائه نمودم و با شیوه‌ای ابتکاری به تدریس و تعلیم درسی که سابقه آموزش دانشگاهی نداشت، پرداختم. همچنین در زمان مسئولیت طرح تألیف و تدوین کتاب‌های زبان تخصصی به معادل‌یابی وازگان تخصصی در کتاب‌های زبان تخصصی برای رشته‌های مختلف دانشگاهی در سمینار تألیف کتب به مؤلفان پیشنهاد کردم و شخصاً بر حسن اجرای آن نظارت داشتم».

صفارزاده در کار ترجمه مبنای نقد عبارت را برای خود بر می‌گزیند که عبارت بود از بررسی گوناگونی‌های معنا در واژگان، عبارات و جملات، معادل‌یابی جامع معنایی، معادل‌یابی ساختاری و دستور زبانی، معادل‌یابی برای اصطلاحات دوزبان و ارزیابی معادل‌ها از لحاظ بیان رسمی یا گفتاری که به تدریج در کلاس‌های ترجمه وی در دانشگاه شهید بهشتی به دانشجویان ارائه می‌شد.

کتاب ترجمه‌های نامفهوم را در واقع می‌توان ماحصل این تلاش و نیز حرکت در جهت تئوریزه کردن مبنای اندیشه صفارزاده در امر ترجمه دانست. صفارزاده در بخش اول این کتاب دانستن موضوع و نیز دوزبان را به عنوان ابزار و لوازم ترجمه بر می‌شمارد و می‌گوید: چون استفاده از منابع و مآخذ خارجی متکی به درک مطلب و یاری طلبیدن و مساعدت زبان مادری به هنگام توضیح مشکلات مفاهیم است، پس برای بهره‌گیری از استعدادها و اجتناب از هدر دادن سرمایه‌های کلان در آموزش زبان و در طرح‌های صنعتی، کار باید از سرچشمه بررسی و تصفیه شود. متأسفانه ارزش جوهر دانستن موضوع که در تعریف ترجمه آمده، شناخته نشده و اهمیت این نظریه که مترجم هر رشته تخصصی باید در خود آن رشته تربیت شود، حتی برای بعضی مترجمان محترم نیز دانسته نیست».

صفارزاده کتاب ترجمه‌های نامفهوم را با توجه به این مفاهیم در سه بخش تألیف کرده است. در بخش اول نمونه‌های متون تخصصی نامفهوم که دانشجویان رشته‌های مختلف موظف به یادگیری آن هستند ذکر شده و معانی و ترجمه‌های غیر واضح موجود در آن شرح داده شده است. در بخش دوم این کتاب نیز لغات عمومی که یک زبان دان عادی نیز آن‌ها را می‌شناسد، ولی مترجمان از ترجمه آن سرباز زده‌اند با ارائه نمونه‌هایی ذکر شده است. بخش سوم این کتاب نیز شامل معادل‌ها و فارسی‌های نارسا و تحت‌اللفظی است که گاه با وجود فارسی بودن اصطلاحات نیازمند ترجمه است.



کتاب «ترجمه‌های نامفهوم» در حقیقت تبیین‌کننده مبنای نظری طاهره صفارزاده در امر ترجمه است که با توجه به همزمانی آن با امر ترجمه قرآن به انگلیسی توسط این مترجم می‌تواند حائز اهمیت باشد.



نظریات مرحوم طاهره صفارزاده درباره امر ترجمه با توجه به اینکه همزمان با بین تئوریک به خلق یکی از گرانسنگ‌ترین آثار منتشرشده در امر ترجمه کشور که ترجمه وی از قرآن کریم به زبان انگلیسی است، بسیار حائز اهمیت است.

صفارزاده در مقدمه کتاب ترجمه‌های نامفهوم خود با اشاره به این مطلب به این موضوع اذعان می‌کند که پس از فراغت یافتن از ترجمه قرآن کریم و با عنایت به آنچه در این منظر آموخته بود، به شکل متمرکزتری به فعالیت پیرامون نظریات خود در باب ترجمه و نیز آموزش نگاه جدید نسبت به این مقوله در میان دانشگاهیان پرداخت.

وی خود در این باره می‌نویسد: «برای اهل علم راستین توجه به پیشنهادات دلسوزانه و منطقی یک وظیفه است. عدول از آن نزد خدا و بندگانش پذیرفته نیست. من دچار تواضع دروغین نیستم و آشکارا و مستند می‌توانم بگویم که بیش از همکارانم در رشته زبان‌های خارجی حق دارم در زمینه تخصص ترجمه نظر بدهم، زیرا اولین معلم زبان هستم که در دانشگاه‌های ایران «نقد علمی ترجمه» را تدریس کردم و بر مبنای آموزشی که صاحب‌نظران و نامداران جهان درباره آن به توافق رسیده بودند اصول و



# «مفاهیم قرآنی در حدیث»؛ ترجمه دوزبانه احادیث نبوی

توضیحاتی درباره پژوهش خود می‌گوید: «در مراحل ترجمه قرآن کریم هنگام درک لزوم مراجعه مجدد به تفاسیر و دیگر منابع قرآنی فارسی یا انگلیسی گهگاه با برخی احادیث و روایات درگیری ذهنی پیدا می‌کردم؛ هر جا که تعارض و تضاد با اصل کلام الهی شده بود به پیروی از توصیه پیامبر گرامی و ائمه هدی که برای اهل مطالعات قرآنی رهنمودی جان‌آشناست، از پذیرش مطلب با دلتنگی رویگردان می‌شدم؛ در عین آن‌که شناسایی و شناساندن نامأنوس‌های عقلی برایم وظیفه‌ای رغبت‌انگیز جلوه می‌کرد.

زیرا من روایات و احادیث جعلی و تأویلات غیر مستند قرآنی را که به نام بزرگان دین مکتوب شده و افرادی آن‌ها را دست‌آویزی برای اغراض شخصی و یا اعمال سهل‌انگارانه خود در زندگی روزمره قرار داده و می‌دهند از دلائل مهجور گذاردن قرآن می‌دانم؛ از طرفی سلاست و صراحت حدیث‌های صحیح به روایت «حافظان راستگو» به فرمایش علی(ع) به درک و شناخت حکمت‌های کتاب الهی کمک می‌کند».

باری در این اندیشه بودم که گروهی از احادیث اصیل نبوی را از منابع مختلف گردآوری کنم و به زبان‌های فارسی و انگلیسی ترجمه و معرفی نمایم».

صفارزاده با اشاره به ترجمه خود از «نهج‌الفصاحه» ادامه می‌دهد: «نثر عربی نهج‌الفصاحه یکدست و فشرده و از لحاظ روابط صرفی و نحوی زبان گاهی مبهم است. یکدستی به قدری است که به نظر می‌رسد متون بازنویسی شده باشد.

در ترجمه فارسی چون اشکال مهمی مشاهده نشد لازم نبود که به واسطه ایرادهای جزئی به ترجمه مجدد اقدام کنم؛ وانگهی سزاوار دیدم که برای ماندگاری نام مؤلف گرامی و به پاس زحمات و نیز بهره‌ای که از ادراک ایشان هنگام برخورد با لغات مغلق برده‌ام عین اثر حفظ شود؛ البته من ضمن برگردان انگلیسی برخی اشکالات معادل‌یابی را جبران کرده‌ام».

این کتاب در ۹۱ صفحه و با قطع رقعی، شمارگان ۵۰۰۰ نسخه در سال ۱۳۸۵ به بازار کتاب عرضه شده است.



کتاب «مفاهیم قرآنی در حدیث» عنوان یکی دیگر از پژوهش‌های مرحوم «طاهره صفارزاده» است، که در این اثر احادیث نبوی متأثر از «نهج‌الفصاحه» به دوزبان فارسی و انگلیسی ترجمه شده است.



«مفاهیم قرآنی در حدیث» با ترجمه فارسی مرحوم «ابولقاسم پاینده» و ترجمه انگلیسی زنده‌یاد «طاهره صفارزاده» از سوی نشر «پارس‌کتاب» برای نخستین بار در سال ۱۳۸۵ منتشر شده است.

«طاهره صفارزاده» که این کتاب را تألیف کرده است، در مقدمه با

## نگاهی به شناختنامه طاهره صفارزاده؛ بیدارگر علم و هنر

شده است به همراه دارد.

فصل دوم این شناختنامه با نام «همزیستی با شعر» به بررسی فضای اشعار صفارزاده اختصاص یافته است که با مقالاتی مانند «زن در ادبیات» به قلم «فرهت قائم مقامی»، «جریان تازه» به قلم «محمد حقوقی»، «راهی که با «سفر پنجم» آغاز می‌شود نوشته «علی محمد حق شناس»، «شعر تفکر برانگیز» نوشته «محمد هادی کامیابی»، «رفتن به راه می‌پیوندد» نوشته «سهیل محمودی»، «راه دشوار، راه روشن» نوشته «محمد رضا عبدالملکیان»، «بمب‌های معصوم» و «چند و چون شعر و نظرات طاهره صفارزاده» به قلم مرحوم «سید حسن حسینی» همراه است.

همچنین سه مقاله از صفارزاده با موضوع «معیارهای شعر و شاعری و نیز اندیشه در شعر صفارزاده» نیز در این فصل از این کتاب گنجانده شده است که در ادامه نیز با مجموعه‌ای از مصاحبه‌های صفارزاده با موضوع شعر دینی، شعر پالاینده، شعر بیشتاز، شعر عاشورایی که در سال‌های حیات وی با روزنامه‌های مختلف صورت گرفته، همراه شده است.

فصل سوم این شناختنامه با عنوان «علم ترجمه و زبان علم» نیز به بررسی آرای صفارزاده در موضوع ترجمه قرآن کریم می‌پردازد. در این فصل مجموعه‌ای از مقالات صفارزاده با موضوع ضرورت نیازمندی کشور به ترجمه‌های تخصصی از متون علمی، نظرات و آرای وی در ارتباط با آموزش زبان‌های خارجی در دانشگاه‌ها را در بر می‌گیرد. این فصل در ادامه مجموعه‌ای از مکتوبات صفارزاده به مسئولان وقت آموزش عالی در کشور را با همین موضوع در بر می‌گیرد.

«پژوهش در قرآن و دین» نیز عنوان چهارمین بخش این شناختنامه است که ۹ مقاله از وی را با موضوع واژگان تخصصی در ترجمه قرآن کریم، اهمیت شناخت اسماء الحسنی در ترجمه قرآن، ویژگی‌های ترجمه و معیارهای اصالت در حدیث را به همراه دارد.

این فصل در انتها نیز مجموعه‌ای از گفت‌وگوهای صفارزاده در ارتباط با ترجمه قرآن مجید را که با نشریات داخل کشور انجام گرفته را به همراه گزیده‌ای از اخبار منتشر شده درباره ترجمه وی از قرآن کریم در خود گنجانده است.

این کتاب در زمان حیات شاعر و در سال ۱۳۸۶ با شمارگان ۲۲۰۰ نسخه و توسط انتشارات هنر بیداری منتشر شده است.

«بیدارگری در علم و هنر؛ شناختنامه طاهره صفارزاده» عنوان کتابی است که با هدف گردآوری آرا، مرحوم طاهره صفارزاده در حوزه قرآن کریم و نیز شعر و مسائل عمومی درباره آن به کوشش «سید علی محمد رفیعی» گردآوری شده است.



طاهره صفارزاده در زمان حیات خود ۱۲ مجموعه شعر، ۴ گزیده اشعار و مجموعه داستان و ۱۲ اثر در حوزه ترجمه قرآن کریم منتشر کرد و بی‌شک درباره این آثار و آنچه منجر به نگارش آن‌ها شده، نیز صحبت‌های بسیاری وجود دارد که پاره‌ای از آن‌ها به زبان مؤلف و پاره‌ای نیز به زبان محققان و منتقدان عرصه ادب گفته شده است.

«سید علی محمد رفیعی» با گردآوری شناختنامه طاهره صفارزاده در حقیقت مجموعه تمامی این سرفصل‌ها را در ارتباط با مرحوم طاهره صفارزاده در قالب یک کتاب گردآورده است.

این شناختنامه در چهار بخش و با عناوین «زندگی و بالندگی»، «همزیستی با شعر»، «علم ترجمه» و «زبان علم و دین و قرآن» در واقع خواننده را به شناختی جامع از زندگی، آثار، اندیشه‌ها، خدمات، مبارزات و روحیات طاهره صفارزاده می‌رساند و او را نیز به نوعی بیدارگری هدایت می‌کند.

این مجموعه شامل تمامی مصاحبه‌ها، گفت‌وگوها و مقالات منتشر شده از جانب صفارزاده است که با نقد و نظرهای منتشر شده درباره وی و به قلم برخی از صاحب‌نظران شعر و ادب فارسی نیز همراه است. بنا بر اعلام گردآورنده این مجموعه، معیار گزینش منابع و مآخذ و یا کوتاه‌سازی آن‌ها، نبود ایراد و اشکالی اساسی در متن و نیز تکرار مشابهات و انتقال مفاهیم نادرست در آن‌ها بوده است و سعی شده از حضور نقدهایی که از نظر علمی با مشکلات عدیده‌ای در تألیف روبرو بوده‌اند، در این مجموعه جلوگیری شود.

شناختنامه طاهره صفارزاده در فصل نخست با نام «از بیداری تا بیدارگری» نگاهی کوتاه به زندگی علمی و فرهنگی طاهره صفارزاده داشته است و گزارش جامعی از سیر زندگی علمی و نیز مطالعات فرهنگی وی را در طول حیاتش ارائه می‌دهد که در ادامه با فهرست کامل مجموعه آثار وی نیز همراه می‌شود. این شناختنامه همچنین در فصل نخست خود چهار گفت‌وگوی انجام گرفته شده با وی را که با موضوع زندگی و آثار وی انجام



# «علم ترجمه در خدمت قرآن‌شناسی»

## مقاله‌ای از طاهره صفارزاده

آن رجال الهی بهره لازم نبرد، اهل علم معاصر آن پیشوایان، بیشتر در گردآوری حدیث و روایت و تقویت فن قرائت کوشیدند.

برخی‌ها نزول قرآن به زبان عربی را مدلول فصاحت این زبان می‌دانند ولی این نظر درست نیست زیرا ذات پاک احادیث منزله است از این که به ملاحظه تشویق شعرا و ظریفکاران ادبی، یک زبان خاص را هرچند دارای اهمیت باشد ظرف پیام‌های الهی قرار دهد. دین اسلام که ملت‌های دنیا نشانه‌های پیامبر و حتی نام حضرت را از مندرجات کتاب‌های آسمانی تورات و انجیل دانسته و آموخته بودند و قرن‌ها در انتظار ظهور آن بودند، می‌بایستی از سرزمینی که بیشتر به رفع کفر و شرک و ستمگری‌هایی از قبیل زنده به گور کردن فرزندان دختر و جنگل‌های تعصب‌آمیز قبیله‌ای داشت، تأثیرش را آغاز کند و از آنجا با نمونه‌هایی از انسان‌ها زنده و پیرو حق، به نقاط دیگر انتشار یابد.

لذا بنا به سنت الهی و اشاره آیه ۱۲ سوره مبارکه احقاف برای ارتباط پیامبر با آن قوم، زبان عربی، رابط پیام الهی قرار گرفت. اگرچه فتوحات اسلامی گسترش دین را به صورت قومی و سرزمینی به پیش می‌برد، اما در همین سرزمین خودمان که مردم شایسته‌ترین استقبال را در پذیرش اسلام به عمل آوردند، مطالعات قرآنی خاص عربی‌دان‌ها بود و توجه به ترجمه کتبی هم نه تنها با راه و روش اصولی همراه نبود، بلکه گاه تفاخر نحوشناسی، در میسر رساندن معنای واقعی و روشن قرآن سنگ‌اندازی می‌کرد. در نتیجه ترجمه‌ای که همگان بتوانند به سادگی آن را بفهمند و به عنوان کتاب راهنما از آن استفاده کنند و با شناخت احکام، اداره زندگی معنوی خود را همانند امور روزمره به دست گیرند وجود نداشت.

براساس آماره‌ای که در اثر سوال و جواب مستقیم با حدود دویست نفر مسلمان نمازخوان با سواد بالای سی سال نزد من فراهم شده با اطمینان می‌گویم که اکثریت مردم ما مفاد قرآن را «افواهی» و از طریق اشاره به آیات از وعظ و خطابه و منابر شناخته‌اند، یعنی حتی یک بار در عمرشان کتاب دین خود را به طور کامل نخوانده‌اند و از طریق معنا شناخته‌اند. مسلمانان تبعیدی و فطری که «مؤمن» نامیده می‌شوند، متأسفانه به جای توفیق مطالعه اصولی قرآن به روخوانی آن در ماه مبارک رمضان بسنده کرده و کسب معرفت و بینش دینی را زیر دست ثواب مفروض قرار داده‌اند.

اگرچه تلاوت قرآن به ویژه در دوران کودکی برکات غیرقابل انکاری دارد. اما حق این است که انسان‌ها به فتوای عقل و منطق و از طریق تدبر در آیات، خداشناس شوند. اگر یک فرد مسلمان بر اثر «خداشناسی

مرحوم طاهره صفارزاده در زمان حیاتش در قالب چندین نوشتار بلند نظریات خود را درباره ترجمه قرآن به زبان‌های غیر فارسی به ویژه انگلیسی مکتوب کرده است. متن زیر بخشی از این نوشتارها است که در مقدمه کتاب «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» درج شده است.



بسم الله الرحمن الرحيم

«خداوند رحمت‌گستر، قرآن مجید را به منظور هدایت انسان در کل جامعه بشری نازل فرموده است. بنابراین دانستن مطالب آن که دروس زندگی، اصول تربیتی، قوانین فردی و اجتماعی و احکام حاکم بر ملت‌ها و گروه‌ها را شامل می‌شود، برای خداپرستان روی زمین امری حیاتی است. در عصر سهولت چاپ و نشر در خدمت جمعیت روزافزون، ایجاب می‌کند که مترجمان پاسخگوی این حق معنوی مردم در هر یک از جوامع باشند و با نشر ترجمه‌های صحیح و سلیس و معنی بخش شوق فطرت توحیدی انسان‌ها را به برهان و استدلال علمی مندرج در کتاب الهی مجهز سازند.

تدبر در آیات که قرآن مجید به آن توصیه فرموده، در اثر مطالعه یک ترجمه آسان و قابل فهم و مضمون از ابهام میسر می‌شود. اگر این زمینه معلومات فراهم نکرده، گوش سپردن به خطبه‌ها و مواعظ در ساخت و ساز ایمان پایدار و متکی به منطق و برهان تأثیر لازم را ندارد.

خداوند در سوره مبارک قمر می‌فرماید: «و ما برای آنکه پند آموختن از قرآن بر همگان آسان باشد آن را به زبان بسیار ساده بیان فرمودیم» و با تکرار آیه مبارکه به عنوان آیات ۲۲، ۳۲ و ۴۰ اهمیت دانسته شدن مفاهیم الهی را به مختصصان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرآنی به تأکید خاص، مقید فرموده است. پس یک ترجمه تحت‌اللفظی مغلق و نابسامان و فایده پیوند مفهومی آیات و شأن نزول آن‌ها از عهده تحقق بخشیدن به این وظیفه الهی بر نمی‌آید.»

در مسیر کوشش مفید و مقدس ترجمه قرآن، باید به منصفه ظهور رساندن درک صحیح و صریح و جامع پیام الهی اصل قرار داده شود. به نظر من علت اولیه عدم موفقیت ترجمه قرآن مجید در طول ۱۴ قرن، بی‌نیاز بودن مردمان صدر اسلام از علم ترجمه بوده است، زیرا زبان آن‌ها عربی بود و مشکلاتی در ارتباط با ترجمه به محضر پیامبر دین حق و امامان معصوم عرضه نمی‌شد، لذا آن دقت که کاشف معنی و خاص ترجمه مکتوب است به کار طلبیده نشد، ترجمه قرآن مجید از نور بصیرت

دلسوز ضوابطی برای استفاده از معلومات خود آنگاه که از این دانش بهره‌مند شدند، برگزینند تا در ترجمه قرآن مجید به اصل مطلب یعنی به منصف ظهور رساندن درک صحیح و جامع مفهوم آیات و محتوای کلام الهی لطمه وارد نیاید. این گونه توضیح بدهم.

معلومات تفسیری بر دو قسم است: قسم اول معلومات درک شده و جذب شده‌ای است که مترجم از طریق مطالعه تفاسیر، روایات و احادیث آموخته و به کمک ادراکات باطنی به تلفیق آموخته‌ها نایل آمده و سپس به قلم خود آن را به خواننده منتقل می‌کند. نوع دوم معلومات درک و جذب نشده یا یک سلسله اطلاعات تلفیق نیافته است که از جانب مترجم در اختیار خواننده قرار می‌گیرد و گاه خواننده را مخیر به انتخاب می‌کند. پس از روشن شدن وجه تمایز بین مترجم اهل و مسئول با غیر آن، حالا اگر مترجم مسئول تنها اشکال را قید کتاب یک جلدی می‌بیند چه مانعی دارد که ترجمه قرآن به جای یک جلد، در دو جلد فراهم آید وقتی که فایده علمی آن دو جلد افزون از یک جلدی و بهای آن کمتر از تفسیرهای بالاتر از بیست جلد است.

قرآنی» زندگی‌اش را مورد مراقبه قرار ندهد و رابطه‌اش را با مردم جامعه دنیا براین اساس تنظیم نکند موجودی سست و بی‌بنیاد و بی‌انصاف و عامل ستم به خود و به دیگران خواهد بود.

من از تجربه شخصی خود نه به عنوان یک معلم ترجمه، بلکه به عنوان مسلمانی شوق ورزنده به قرآن مجید عرض می‌کنم که تنها راه قرآن شناسی برای یک فرد درس خوانده روی بردن به تفاسیر است، اما بقیه چه باید بکنند؟ وانگهی مگر چند درصد از مردم ما توان خرید یک دوره تفسیر گران‌قیمت را دارند؟ به فرض که خانواده‌ای بتواند برای فرزند علاقه‌مندش این بها را بپردازد، کار تمام نیست زیرا تفاسیر هر کدام ارجاع به مشابه خودشان می‌دهند و نیز به فرهنگ‌های دور از دسترس همگان علاوه بر این، همراه ذکر شأن نزول برای یک آیه چندین حدیث و روایت متضاد و چندین برداشت نحوی از قرائات مختلف نقل شده که ذهن پژوهشگر جوان در مقام تصمیم‌گیری بعید است بتواند سخن برتر را انتخاب کند.

من که تمام تفسیرهای صاحب اهمیت را مطالعه کرده‌ام، ولی به سبب

اصالت و جامعیت و شرح تخصصی لغات تفسیر مجمع‌البیان، تلمذ خود را از محضر این منبع فیض غافل نبوده‌ام، به صراحت می‌گویم که صاحب مجمع هم گاهی، نظر نهایی را درباره برخی از آیات به خواننده انتقال نمی‌دهد. مراد این است که با توقع دریافت پاسخ نهایی و قاطع نباید تفسیرها را گشود و با مشاهده اشکالات نباید آن‌ها را بست و کنار گذاشت. مع‌هذا هیچ پژوهشگر و منتقدی از نزد تفاسیر دست خالی برنمی‌گردد، زیرا دست مفسر در نوشتن تفسیر باز است و مانند مترجم مقید لغایت اطلاعات تاریخی، فلسفی، عمومی و دریافت‌های شخصی نیست.

مترجم گاه خود را مقید می‌داند که حتی طول جملات برابر طول آیات باشند. پس آنقدر محدود می‌شود که نمی‌تواند آنچه را که معلومات قرآنی به ویژه ماخوذ درک باطنی است در اثر خود بگنجانند و این خود یکی از علل پیدایش ترجمه تحت اللفظی است.

برای رفع این معضل پیشنهاد می‌شود که مترجمان





شده بدین وسیله اصلاح می‌شود و مسلماً از شیوع آن‌ها جلوگیری به عمل خواهد آمد.

۲- با انجام پیگیر تمرین «معادل یبایی برای واژگان تخصصی» در کتاب‌های انگلیسی «نیمه تخصصی» و «تخصصی»، قدرت فراگیری ذهن دانشجو در رشته تحصیلی‌اش به سبب دقت و تمرکز انگیزه‌دار و شوق آمیز تقویت می‌شود. همچنین استاد مسئول راهنمایی و کمک به دانشجویان در یافتن معادل مفهومی فرصت می‌یابد که به بررسی مجدد یافته‌ها و اندوخته‌های پیشین ذهن خویش در آن تخصص بپردازد. مراد از معدل مفهومی، واژه و یا عبارت معنی‌دار و مناسب برای نام بردن از عناصر یک علم است. در مسیر یافتن آن دانشجوی پژوهشگر از طریق جست‌وجو در فرهنگ لغات و استفاده از آزمایشگاه‌ها و نیز پرسشگریها، از یک مفهوم به مفهوم دیگر ارشاد می‌شود و به طور طبیعی ذهن او به استغراق در آن علم و تخصص کشانده می‌شود در نتیجه اطلاعات خام و مفروضات و محفوظات پراکنده به مغناطیس هدف نزدیک می‌شوند و به صورت معلومات جذب شده در عرصه ابتکارهای علمی نمودار می‌گردند. دانشجوی فیزیک همانقدر از این تمرین‌ها بهره می‌برد که دانشجویان رشته هنر و یا علوم انسانی مراد این است که سرانجام فارغ التحصیل در قبال صرف عمر به سرمایه تخصص نایل شود لذا باید از هر ابتکار و پیشنهادی که به این مقصد نزدیک باشد بهره جست.

این جانب از نظر خواهی‌های مستقیم و غیرمستقیم که از دانشجویان و استادانی که تمرین‌ها را در طی بیش از یک دهه انجام داده‌اند خوشبختانه پاسخی که مؤید صحت این نظریه است دریافت کرده‌ام. پس اگر حدود ۱۶ سال کنج دفتری نشستم و به واقع عمر مفید بر سر طرح و نظارت و ویراستاری کتاب‌های زبان تخصصی گذاشتم، امروز شاهد آنم که پژوهش‌ها و حرکت‌های مطلوب علمی کشور در سالهای اخیر از آن نهضت خاموش بی‌بهره نبوده‌اند، خداوند قبول فرماید.

باری اگر در ترجمه قرآن مجید که حاوی علم جامع و برترین کتاب مبلغ علم است برای آموختن اصطلاحات و واژگان تخصصی در مرحله شناخت مفهوم، آگاهانه وقت صرف کنیم مسلماً شناساندن مفهوم یا معادل‌یابی مبنای بنیادین پیدا خواهد کرد. در تأسی به روش‌های علمی باید حجاب‌های اخلاک‌گر را پس زد تا حقائق آشکار شوند به عبارت دیگر با همه ارزشی که برای متقدمان قائل هستیم، آثار آنان نباید سهم دیگران را از ژرف‌اندیشی در کلام الهی تصاحب کند، زیرا به لطف خداوند در رحمت و اسعه به روی همه جویندگان حقیقت همواره باز است پیرو این تفکر است که من از ابراز نظریه‌هایی که در اثر مجاهدت علمی به دست آورده‌ایم و پایگاه آن‌ها را حق می‌دانم، کمترین تردیدی به خود راه نمی‌دهم».

اما آن یادآوری که مستقیماً نافع به حال خود مترجمان خواهد بود عبارت از این است که در زمره شرایط معهود و مقرر شده برای مترجم قرآن، زمان آن رسیده است که مترجمان، علم ترجمه را نیز شرطی اساسی و لازم بدانند تا آن‌که پیروی از قواعد اصولی آن را برای خود تکلیف به حساب آورند. در علم ترجمه دو قاعده اصلی وجود دارد: اول «شناختن مفهوم» که مترجم از جمیع جهات برای درک و شناخت موضوع مورد ترجمه و به ویژه واژگان و اصطلاحات تخصصی قوای فکری و علمی و تجربی خود را در دو زبان به کار می‌اندازد تا خلاصه‌ی مطلب را نخست برای شخص خود مورد شناسایی قرار دهد دوم: «شناساندن مفهوم» یا کوششی به عنوان معادل‌یابی است. برای تحقق این اصل، مفهوم شناخته شده نزد مترجم برای انتقال به خواننده، به صراحت در قالب واژگان، عبارات و جملات زبان ترجمه قرار داده می‌شود.

در ترجمه‌ی قرآن مجید احترام به «وحی منزل» کوشش در شناخت و شناساندن مفهوم کلام الهی باید باشد، نه عکسبرداری از ساختار و الفاظ زبان عربی، مفسرانی که برای معرفی یک واژه چندین معنی غیر مربوط را از فرهنگ لغات به میان کشیده‌اند. جز معرفی سرگردانی خود و سرگردان ساختن خوانندگان خدمتی نکرده‌اند، زیرا اگر در مرحله شناخت مفهوم، موضوع دانشسته شده باشد، یک واژه خاص که گوینده معناست، در جای خود جایگزین می‌شود و مفهوم را بیان می‌کند.

توجه به واژگان تخصصی و مربوط به متن و پرورش قدرت تشخیص در شناخت آنها عامل تقویت کننده نیروی ذهنی پژوهنده در زمینه هر یک از علوم است. من با نظریه‌پردازی درباره اهمیت واژگان تخصصی، باب تازه‌ای در فراگیری علوم گشوده‌ام، در کلیه کتاب‌های انگلیسی تخصصی برای رشته‌های مختلف دانشگاهی و نیز در چند کتاب به زبان‌های فرانسه و آلمانی بعد از متن «درک مطلب» دو تمرین با عنوانهای «ترجمه تخصصی» و «معادل‌یابی برای واژگان تخصصی» به پیشنهاد من و قبول زحمت از سوی مولفان و متخصصان علوم که انتخاب و تهیه آن‌ها را بر عهده گرفتند، گنجانده شده است. بدین وسیله دانشجویان و استادان را به عمیق شدن در مفاهیم رشته تخصصی آنها دعوت کرده‌ام.

#### دو خاصیت عمده این دعوت عبارت است از:

۱- تربیت مترجم برای رشته تحصیلی از بین متخصصان آن برای مثال تنها متخصص شیمی حق دارد متون شیمی را ترجمه کند نه یک زبان‌دان عادی، زیرا شناخت مفهوم از عهده کسانی برمی‌آید که از الفبا محصل آن علم بوده باشند. براین اساس سوء تفاهم‌های علمی اشتباهاتی که توسط مترجمان غیرمتخصص و یا متخصصان غیرمعتوف به اصول ترجمه تخصصی در کتاب‌های دانشگاهی پیدا

## روایت دیدار با صبح

مرور مجموعه اشعار «طاهره» شعر ایران



از میان تمامی فعالیت‌های ادبی مرحوم صفارزاده، جریان ادبی‌ای که او با شعر خود پایه نهاد به‌دلیل نگاه بدیع و شناخت عمیقی که از سبک‌شناسی شعر فارسی و دور-شدن از قواعد شعر کلاسیک در بیان شعر مدرن داشت، او را متمایز از سایرین قرار داده است؛ نگاهی که از نخستین مجموعه شعر او یعنی «در رهگذر مهتاب» آغاز شد.



برای گفتن از شعر صفارزاده احتیاج به مقدمه‌چینی نیست. در شعر او ابتدایی‌ترین امر روشن بودن موضع شاعر با مخاطب است. شاعر در اولین مجموعه خودگویی دست در دستان مخاطب می‌گذارد.

دستانی که از ابتدای دفتر به‌خوبی برای همسفر آن توصیف شده است. او از نخستین سطرهای کلامش، خود را و جریان فکری خود را برای مخاطب رونمایی می‌کند. شعر او وهم و ریا نیست؛ کلامی است آمیخته با



# قدمی در قدمی در «رهگذر مهتاب» «رهگذر مهتاب»

دنبال بهانه‌جویی نیست. نگاه او به سال‌های ابتدایی شعرش و در «رهگذر مهتاب» در پی سامان دادن به دغدغه‌های اجتماعی شاعر و محکم و مشخص کردن سمت و سوی نگاهی است که او با آن به افق آینده نظر دارد.

«کودک این قرن

هر شب در حصار خانه‌ای تنهاست

پر نیاز از خواب اما

وحشتش از بستر آینده و فرداست

بانگ مادر خواهیش

آویزه‌ای در گوش این دنیاست

گفته‌اند افسانه‌ها از مهربانی‌های مادر

غمگساری‌های مادر

در برگه‌واره‌ها

شب‌زنده‌داری‌های مادر

لیک آن کودک ندارد هیچ باور

شب چو خواب آید درون دیده‌ی او

پرسد از خود: باز امشب مادرم کو

بانگ آرامی برآید:

چشم بر هم نه که مادرت اینجاست

پشت یک میز

زیر پای دودهای تلخ سربی‌رنگ

در میان شعله‌های خدعه و نیرنگ

در تلاش و جست‌وجوی بخت!

در مجموعه شعر رهگذر مهتاب با این‌که شاعر در تلاش شناساندن مجموعه‌اندیشه‌های خود که شاید به نوعی شکل نیافته نیز هستند، به مخاطب است، اما به خوبی می‌توان به دغدغه‌های اجتماعی شعر او و آنچه که در طول حیات شعری خود سعی در القای آن داشت، پی برد. نگاه‌های منتقدانه و پرسشگرانه به اجتماعی که او سعی می‌کرد از پوسته آن خود را رهانده و مخاطب خود را با جهانی تازه کشف کرده خود همراه کند.

صمیمیتی گرم که خواننده را بر مسیری معین به هدفی معلوم رهسپار می‌کند.

«اینک منم که از پس دروازه‌های هجر

بر شهر دلفریب رخت بوسه می‌زنم

اینک منم که از تن ناپایدار عمر

رخت گریز و جامه تردید می‌کنم

یا مرگ یا شکستن پیمان‌ه سکوت

اندیشه‌ام به اوج دوراهی رسیده است

درهای و هوی یاد تو پرسم زخویشتن

آیا ندای قلب مرا او شنیده است؟»

شعر صفارزاده درصدد این نیست تا از قبل بازنمایی احساس خوانندگان

خویش، شاعر را به تعریفی جدید از خویش رهنمون سازد، بلکه شاعر در نظر

دارد تمام سؤالات خویش را که ناشی از دیده‌تردید نگاه کردن به جایگاه از پیش

تعریف‌شده‌اوست، با مخاطب خویش در میان بگذارد و با نوعی سلوک درونی،

او را با خود همراه سیری در خویشتن خویش کند.

«من آتشگاه احساسم

تو را ای توده برف ریا در خود نمی‌گیرم

چه می‌ترسم که خاموشم کنی

از یاد انسان‌ها

من آن انسان تنهاییم که می‌فهمم

غم و حرمان تنها را

سکوت صبرداران و خروش خشم‌داران را

ولی هرگز تو را ای کودک نادان شادی‌ها نمی‌فهمم»

او در کلام خود ساده و صریح است؛ مبهم نیست. بی‌هیچ کاستی و

به‌دور از هرگونه رجوع به مفاهیم مدرن، مفاهیمی که به دیده شاعر دچار

فراموشی در یاد انسان‌ها شدند را با درون مایه‌ای کلاسیک و به سبکی نو

با مخاطب خود در میان می‌گذارد.

نگاه اجتماعی صفارزاده نگاه‌یست

رو به آینده؛ او در شعر به



این کتاب در دو مجموعه مجزا به گفت‌وگو با مخاطب پرداخته است. پنج شعر ابتدایی کتاب گزیده‌های است از مجموعه‌ی «چتر سرخ» که در آمریکا از طرف بخش نویسندگان بین‌المللی دانشکده ادبیات «آیووا» به چاپ رسیده و شعرهای بعدی این مجموعه منتخبی است از اشعار او که از لحاظ برقراری ارتباط، خواننده باید با سعه‌صدر بیشتری با آن روبرو شود.

مرحوم «طاهره صفارزاده» در دومین مجموعه شعری خود، «سد بازوان» مسیر فکری و ذهنی خود را شامل چارچوب‌بندی خاصی کرده است و مخاطب به تدریج می‌تواند نگاه اجتماعی و دغدغه فکری او را بیشتر لمس کند و با انسان دیگری در این کتاب آشنا شود.



دومین مجموعه شعر مرحوم صفارزاده، «سد بازوان» نام دارد. او در

# آشنایی با انسان در «سد بازوان»

تنها با نگاه حسرت‌بار ناشی از دوری از تمامی این داشته‌ها در ذهن شاعر می‌نشیند و با زبانی بدون استعاره، تنها به ساده‌ترین زیبایی‌هایی که از خود دریغ کرده‌ایم بشارت‌مان می‌دهد.

«وقت مال من است

من وقت دارم برای دست‌های تنبل قلوه‌سنگ جمع

شاعر در پی همراهی با آنچه مخاطب می‌پسندد نیست،

و ماه را که سال‌ها در صفحه‌ی دوم کتاب

جغرافی‌ام خفته است

به بیداری باز آورم

بیچاره معلم ما گمان

می‌کرد

اقیانوس‌ها و کوه‌هایند

که میان مردم و سرزمین‌ها

تفرقه می‌اندازند

در راهروی دراز

همکارانم در جازنان به هم

می‌رسند

با آنها پنجره‌های بسته و هوای ۲۰ تا ۲۵ درجه را

شریک بوده‌ام

همکارانم در جازنان به هم می‌رسند و می‌گویند

او از این پس چگونه زندگی خواهد کرد

بدون مرخصی سالانه

بدون قهوه ساعت ۱۰ صبح

بدون رئیس»

تخیل حاضر در شعر صفارزاده صمیمی و گشاده

است، همراه با عینیتی باز و سرشار که بر محور شاعر و

در میان زوایای نگاه او با ما ارتباط می‌گیرد.

«سد بازوان» در سال ۸۶ توسط انتشارات «هنر

بیداری» به چاپ چهارم رسیده است.

حرکت شعری شاعر در این مجموعه، ادامه منسجم و شکل‌یافته‌تر کتاب «رهگذر مهتاب» است و دغدغه‌های شعری شاعر در مواجهه با مخاطب شکل یافته‌ترند. کلام شاعر در این مجموعه نوعی درون‌نگری و خودنگری است که می‌تواند به نوعی صمیمیت متقابل ایجاد کند.

اما با زبانی نرم و به آهستگی دریچه‌ای نو به روی

مخاطب گشوده و در جایی نیز به او تلنگر

می‌زند.

دلمان تنگ شده است

برای خاکی که خوب

می‌شناسیم

برای قلبی که خوب

می‌شناسیم

نان،

نان خودمان

تعارف،

تعارف خودمان

هوا هوای صبحگاهی خیابان‌های تنگ

دیروز خودمان

خواهرم می‌نویسد کارت پستال‌های زیبا به مقصد

نمی‌رسند

اما امنیت‌نامه‌ی سفارشی هم غم‌انگیز است

ما باید به خانه‌ها مان برگردیم

و چهره‌های شاد را بر صفحه‌ی تلویزیون تماشا

کنیم.

در کلام شعری صفارزاده در این کتاب اندک‌اندک ما

می‌توانیم با دغدغه‌های شکل‌گرفته ذهن شاعر روبرو

شویم، با آرزوها و اندیشه‌هایی که به دور از عصیان و



شاعر در پی همراهی با آنچه مخاطب می‌پسندد نیست،

اما با زبانی نرم و به آهستگی دریچه‌ای نو به روی

مخاطب گشوده و در جایی نیز به او تلنگر می‌زند



## «دفتر دوم»؛ ظهور تدریجی انسان

«دفتر دوم» سومین مجموعه از مجموعه شعرهای «طاهره صفارزاده» است؛ در این مجموعه نگاه شاعر به مفاهیم معنوی و انسان‌شناسی دارای مرزبندی‌های مشخص شده و شروع نگاهی جدید از سوی شاعر به مفاهیم معنوی به چشم می‌آید.



«دفتر دوم» (سومین مجموعه شعر طاهره صفارزاده) مجموعه‌ای از اشعار سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۷ این شاعر است. این مجموعه اشعار در خلال سالیانی سروده شده که مجموعه «سد بازوان» نیز از آن بیرون آمده است. زبان شاعر در این مجموعه شعر به شدت به آنچه که او

می‌اندیشیده نزدیک است و توانسته که درون‌مایه ذهنی

او را به دور از تمامی دغدغه‌های روزمره و به دور از

هرگونه ایهام و ابهام منتقل کند. رجعت شاعر به

داشته‌های فرهنگی خود و هرآنچه که خود را

بی‌شک صاحب آن می‌داند و برای دوری از آن

ناشکیبا است، «در سد بازوان» انفرادی نیست.

آهنگ موزون اشعار در این مجموعه

به خوبی خواننده را با خود همراه می‌کند و این

توازن در انتقال مفاهیم به خوبی توانسته

مشکلات درک مفاهیم ذهنی شاعر را از پیش روی مخاطب باز دارد:

«من از مداومت پنجره

دریچه و در

میان شعر زمانم به تنگ آمده‌ام

چقدر آیینه

چقدر ماهی

چقدر مصلوب

مگر فضای این همه تنهایی کافی نیست

که من چنان برهنه شوم

که هیچ آیینه نتواند دیدن

و چنان فریاد شوم

که هیچ پنجره نتواند شنیدن»

شاعر در این مجموعه به نوعی تمام حس و اندوخته‌های عاطفی خود را

که در خلل زمان کسب کرده است با ما به اشتراک می‌گذارد. تمام دارایی‌هایی

که در واقع مشترکات همه ما در همه مکان‌هاست و شاید غبار فراموشی آن

را از میان زندگی ما به کناری زده است و شاعر با کلامی موزون ما را به تمام

این داشته‌های فراموش شده‌مان رجعتی دوباره می‌بخشد:

«صدای ناب اذان می‌آید

صدای ناب اذان

صفیر دست‌های مومن مردی است

که حس دور شدن، گم شدن، جزیره شدن را

ز ریشه‌های سالم من برمی‌چیند

و من به سوی نمازی عظیم می‌آیم

و ضویم از هوای خیابان است

و راه‌های تیره دود

و قبله‌های حوادث در امتداد زمان

به استجاب من هستند»

نگاه شاعر در این مجموعه ما را به سمت تولدی جدید نوید می‌دهد،

تحوالی آرام به سمت رویش جانی تازه در روح انسان سرگشته‌ای که شاعر آن

را به وفور در اطراف خود می‌یابد. در دفتر دوم انسان مطلوبی که از نگاه

شاعر همه ما از آن دور افتاده‌ایم با ترسیم سیاهی‌های حاصل از آنچه که او

در ما نمی‌بیند به همه مخاطبان گوشزد می‌شود.

«ما تولد صدایی را منتظر بودیم

نبض سکوت را شکستیم

و مرگی را بر تابوت لحظه‌ها پیشگویی می‌کردیم

شب، قلب دوزخ و وهم را با باکندی می‌شکافت



شاعر در پی همراهی با آنچه مخاطب می‌پسندد نیست،

اما با زبانی نرم و به آهستگی دریچه‌ای نو به روی

مخاطب گشوده و در جایی نیز به او تلنگر می‌زند

نبض گنگی ست  
بر اندام سبک خیز اجابت  
تو نمی آیی و من  
مثل یک میوه کال  
و نخستین دم یک دیدار  
به سرانجام می اندیشم»

نه تولدی نه مرگی  
و دستهامان  
از دو سوی سیم‌ها  
سنگینی غرور را  
اقرار می‌کردند»

کلام صفارزاده در دفتر دوم، کلامی سیاه و تهی از امید نیست؛ بلکه آوایی است که از سر مهر با خواننده به تکلم بر می‌خیزد و سعی دارد با نهیبی ملایم او را بر آنچه در او می‌بیند زنهار دهد:

«گیاه جواب داد به باران  
گیاه جواب داد به خاک  
گیاه روید  
روید  
تو زندگانی را  
نور بودی  
باران بودی  
کدام ریشه را کد هستی اکنون  
چرا نمی‌روی  
چرا نمی‌رویانی»

در مجموعه دفتر دوم از طاهره صفارزاده همچنین خواننده به رگه‌هایی از ظهور تفکراتی بالاتر از درگیری و تفکر در باره مسائل روزمره انسان‌ها برمی‌خوریم. به مسائلی عالی و به‌اندیشه‌هایی که می‌کوشد اذهان همراه با خود را به بستر و فضای بالاتر هدایت کند:

«تو نمی آیی و قلب کوچه  
پاسبانت تنهاست  
و سکوتی عایق  
به لب پنجره‌هاست  
تو نمی آیی و شب  
می‌گدازد آرام  
تو نمی آیی و ذهن پله  
می‌تراود خمیازه ادب  
و در خانه ما





## «طنین در دلتا» فریاد دوباره یک شاعر

«طنین در دلتا» عنوان چهارمین مجموعه شعری مرحوم «طاهره صفارزاده» است که در آن با تولد دوباره شاعر و رهایی او از سرگشتگی در بیان موضوع‌های شعری روبه‌رو هستیم.



«طنین در دلتا» چهارمین مجموعه شعری طاهره صفارزاده است که اشعار وی را در خلال سال ۴۹ و ۵۰ دربرمی‌گیرد. در این مجموعه شعر، صفارزاده در حقیقت موضع خویش را در ارتباط با شعر به‌طور شاخصی ارائه می‌کند. او در این کتاب مسأله وزن در اشعار نیمایی را امری دست‌پاگیر می‌داند که همانند سایر اشعار سنتی برای شاعر در ایجاد یک متن شعری مشکل‌زاست و می‌گوید: «اگر کسی صرفاً به علت آشنایی با وزن شعری، آن را غیر مزاحم تشخیص دهد به نظر من بزرگترین دروغ ادبی را گفته است»

طنین در دلتا در واقع فریاد دوباره شاعر در بیان نکاتی است که به عقیده او اجتماع اطرافش بر آن غباری از فراموشی را پاشیده است.

صفارزاده در این کتاب به‌طور مشخص و با شخصیت‌هایی مستقل استعاره و تشبیه را عرضه می‌کند و عاملیت «پرواز ذهنی» آن‌ها را به‌گونه‌ای به عهده می‌گیرد که خواننده در مواجهه با شعر او در عین وابستگی هر قطعه به قطعه قبل و بعد خود می‌تواند به‌صورت تصویری مستقل نیز به آن شعر نگاه کند. نگاهی بسیار در هم آمیخته با هم‌سو با همه قطعات شعری که به‌سادگی امکان تفکیک را به خواننده نمی‌دهد.

در «طنین در دلتا» به‌روشنی شاهد بروز یک تولد هستیم. یک شعر و یک شاعر

شاعری که تمامی بایدها را به هست رسانده است.

صفارزاده در این مجموعه به‌خوبی برای مخاطبانش حرکت و انرژی را باز معنی می‌نماید و منطق خاص خودش را از زندگی اندک‌اندک به فضای شعری خود وارد می‌کند.

در منطق شعری صفارزاده که از طنین در دلتا آن را در گوش تمامی مخاطبان شعری او نجوا می‌کند، شعر امری است پلاینده و سازنده، شاعر و انسان که ضمن ساختن وجود او، وی را پلایش می‌کند و در این



پلایش است که ارزش‌ها و ناخالصی‌ها خود را نمایان می‌کنند. او برای شعر ارزشی دوسویه قائل است که ضمن ساخته شدن توسط شاعر خود نیز سازنده شاعر است.

«خورشید دارد غروب می‌کند

نشانی از بادبادک‌های من در آسمان نیست

حالا که می‌توانم آن‌ها را به شبهایم وارد کنم

حالا که در پاشنه کفشم رشد کرده‌ام

حالا که امضایی دارم

و می‌توانم تقاضای مهاجرت بنویسم

بادبادک‌های من هرگز آن سوی غروب پرواز نکردند

و گرنه دستهای مرا با خود می‌بردند



وگرنه دستهایم با نخ‌های کشنده‌شان می‌رفتند

همیشه صدایی بود که نمی‌گذاشت که فرمان می‌داد

بیا پایین دختر

دم غروبی

از لب بوم»

مجموعه اشعار طنین در دلتا دارای جملاتی طولانی است که در عین حفظ وزن به تمامی سعی دارد در قالب نوین سپید به برداشت‌های جدیدی از مسائل درونی شاعر بپردازد.

در مجموعه طنین در دلتا، با مجموعه‌ای تحت عنوان «کانکریت» روبه‌رو هستیم که در واقع تکراری است از کلماتی معین که نوع نوشته

شدن و ارائه آن‌ها به شاعر است که ما را به موضوعی معین می‌رساند.

مخاطب طنین در دلتا همه جامعه‌اند. همه کسانی که زنده‌اند و می‌توانند بیان‌دیشند و در واقع روح اصلی این مجموعه در اندیشیدنی است که شاعر در صدد است در مخاطب خویش ایجاد کند.

طنین در دلتا را انتشارات هنر بیداری برای مرتبه پنجم که در واقع نخستین مرتبه چاپ از سوی ناشر است، در فروردین ۱۳۸۶ به چاپ رسانده است. در این دفتر شعری همچینین دو گفت‌وگو با صفارزاده با عناوین: «ویژگی‌های شعر طنین در گفت‌وگو با محمد حقوقی» و «شعر پلاینده، شعر سازنده در گفت‌وگو با «محمدعلی اصفهانی» به چاپ رسیده است.



## «از جلوه‌های جهانی»؛ تصویری روشن از جهان امروز ما

آخرین مجموعه شعر «طاهره صفارزاده» از حیث مضامین با دنیای امروز خوانندگانش نزدیکی بیشتری دارد و او می‌تواند به‌سادگی تمام جریانی که ذهن سیال شعر برای او می‌سراید را در اطراف خود مشاهده کند و این مهم‌ترین عاملی است که نشان از پویایی دائمی شاعر دارد.



«از جلوه‌های جهانی» عنوان آخرین مجموعه شعر طاهره صفارزاده است که در فاصله سال‌های ۸۲ تا ۸۵ سروده شده است. با نگاهی به اشعار این کتاب با توجه به نوع انتخاب مضامین می‌توان دریافت که نگاه شعر صفارزاده هم‌چون گذشته به جهشی متناسب با تغییرات جامعه دست زده و دغدغه او یافتن گم‌شدن درونی انسانی است که او امروز می‌بیند. انسانی که در گذر زمان و تغییرات امروز خود را به‌نوعی دیگر در محیط خویش مسخ کرده و گم شده است، امروز او شاید همان مفاهیم ساده‌ای باشد که شاعر سالیان زیادی آن‌ها را نشر داده و امروز در لوای هزار رنگ جهان مدرن اندک‌اندک غبار فراموشی را بر خویش نشسته می‌بیند.

«کلام در مقاصد جهان وطنی

لحن قساوت دارد

به سرزمین مخاطب می‌گوید

مال خودم از خودم

مال تو هم از من

هویت من غالب

هویت تو مغلوب»

نگاه صفارزاده در این مجموعه نماینده بارز ذهن جوشنده و آگاه فرهنگی است. نمادی از فکر یک مسلمان که هرگونه اتفاقی در اطراف او، حتی یک برنامه ساده تلویزیونی، نه تنها شعور او را به سخره نمی‌گیرد که او را بیدار و هوشیار به کاوش در آن راهنمایی می‌کند.

نگاه صفارزاده در واپسین مجموعه شعری خویش نگاهی کلان

است که در عین دید عام او به پدیده‌های عالم بسیاری از پدیده‌های جزئی و داخلی محیط زندگی خویش را نیز فراموش نکرده و در نقد و اعتراض به فرنگی روزگار خود، اصول را به خواننده‌اش یادآوری مجدد می‌کند.

«هنر نمایش

شایع‌ترین هنر روز است

اما برترین هنر

ای انسان

در سراسر دنیا

هنر توست

هنر بی‌سپاس

هنر بی‌جایزه

که زنده هستی

نفس می‌کشی

بی‌نان و آب

بی‌سرپرست

بی‌سرپناه»

درون مایه‌های ذهنی شاعر در آخرین مجموعه شعر خویش نیم‌نگاهی به دغدغه‌های فلسفی او نیز دارد. شعر «ذهن و فطرت» و یا «ترس بزرگ»، «دشمن‌ها» و «از صوت و لحن» از جمله این اشعار به شمار می‌آید.

اشعاری که به واقع نهبی است بر انسان برای دیدن درون غیر مادی خود آنجا که می‌گوید:

«ترس بزرگ اما / شکنجه دیدن روح است»

یکی از بزرگترین ویژگی‌های آخرین مجموعه شعر صفارزاده نزدیکی بسیار زود شعر او به بطن حوادث اجتماعی است. آنجا که او و شعرش به یک حادثه در روزنامه و یا یک انیمیشن در تلویزیون آن چنان می‌نگرد که هر خواننده‌ای بی‌شک پس از مرور این اشعار به ارتباط و جهان‌شناسی خود از این موضوعات که به روشنی تماس خویش را با آن درک کرده است، نگاهی مجدد و از سر جستجوگری و انتقاد می‌اندازد.

شعر صفارزاده در تمام دوران حیات مادی او با او جوشید و بزرگ شد. با او سفر کرد و تمام آیه‌های خداوند را بر روی زمین با او لمس کرد. شعر او شعر یک شاعر نیست. نوای انسان گم‌شده در خویش است. نوایی که هر دم آدمی را به خود می‌خواند؛ حتی همین حالا...

## «مردان منحنی»؛ بازگشت دوباره انسان به فطرت الهی خویش

«مردان منحنی» در میان مجموعه اشعار «طاهره صفارزاده» به عنوان یک نقطه عطف به شمار می‌آید. او در این کتاب روند حرکت بازگشت انسان به معنویت و معصومیت از دست‌رفته را با نگاهی جهانی با او در میان می‌گذارد و درصد بازنمودن دریچه‌ای به سوی فطرت حقیقی اوست که این عمل با نفی آنچه امروز او را تشکیل داده به او منتقل می‌شود.



«مردان منحنی» عنوان پنجمین مجموعه شعر منتشرشده از طاهره صفارزاده و شامل اشعار او در سال‌های ۴۹ تا ۵۷ است. در این کتاب، شاعر ما را با خود از عمق تجربه‌های بدیع به شعری استوار، قاعده‌مند و دارای سبک ادبی مشخص هدایت می‌کند.

نگاه شعری و دید اجتماعی صفارزاده در این مجموعه شعر، با هم یکسان شده است و خوانندگان به خوبی می‌توانند با دیدگاه‌های اجتماعی او نیز روبرو شوند. روحیه دوری جویی شاعر از هرگونه روزمرگی و مرارت‌های روزانه در این مجموعه شعر به شکل مشخصی به مخاطب عرضه می‌شود.

در این مجموعه نگاه اعتراض‌آمیز شاعر متوجه انسان‌های مسخ شده در روزگار خویش است، انسان‌هایی خم شده و منحنی در برابر پول، آدم‌هایی فارغ از قیود انسانی که با تعبیر حشرات کتاب‌خوان در شعر «آوار زلزله» از آن‌ها نام به میان می‌آید.

«در شهر من

گوش ددان به فتنه و شر برخواست

ددان دست‌نشانده

ددان دست‌آموز

ددان مانده‌خوار عقابان

اشاره‌ای کردند

و ابر تیره برآمد ز سایه‌های هجوم

و چشم، چشم نمی‌دید و

وزوز حشرات کتاب‌خوان

عبور جیغ‌های شکنجه

در سیم‌های رابطه

نسوج خواب مرا می‌درید

بیداری‌ام یگانه یاور من بود»

«مردان منحنی» شروعی است تازه و بدیع بر استقرار صفارزاده در فرهنگ اسلامی‌که بعدها در سایر آثارش به اوج رسید. این استقرار و بازگشت حرکتی است که شاعر به واسطه دردمندی و سال‌ها دیدن جوامع گوناگون معترف به رسیدن مجدد به آن است و رویکردی غیر فطری دارد. نگاه اجتماعی صفارزاده با وجود اینکه بسیار شرقی است، اما در هیچ‌یک از چهارچوب‌های شرقی نمی‌گنجد، نگاه او جهانی است و درد را از منظر انسانی بدون مرز نگاه می‌کند. انسان مخاطب او موجود فراموش شده‌ای است در همه زمان‌ها و مکان‌ها که برای انسان معاصر کشورش به زبان استعاره و در شمایل او باز تولید می‌شود.

این کتاب در سال ۸۶ برای دومین مرتبه از سوی انتشارات «هنر بیداری» عرضه شده و علاوه بر منتخبی از اشعار او در بردارنده گفت‌وگوی او با روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۵۹ است که او در این گفت‌وگو شکل‌گیری شخصیت خویش را در قالب مسائل و مشکلات سال‌ها اقامتش در خارج از کشور به تفصیل شرح داده است.





## «بیعت با بیداری» استوارى شعر و استحکام نگاه

نگاه دینی صفارزاده در این کتاب با شکل‌گیری و جهت‌یابی صریح و بی‌پرده به زمانه خود مستقیماً نهیب می‌زند و نگاه انتقادی او مشخصاً به تمامی انسان‌هایی که در برابر این کنش‌ها منفعل هستند، جهت می‌یابد.

«چشم‌ت چو باز شد

دیگر مخواب

که خواب تو را باز می‌برد

در تیره راه خواب

سقف اتاق لانه تردید است

چشم‌ت چو باز شد

«بیعت با بیداری» روند نگاه انتقادی و

دینی «طاهره صفارزاده» را به مصائب زمانه خویش

تکمیل و به کمال رسانده است. او در این کتاب با کمال صراحت و با استواری،

شعر خود را هم‌سو با مردم و انقلاب اسلامی قرار می‌دهد و به آنان مژده می‌دهد

که به آن‌چه حق آنان است، نزدیک شده‌اند.



«بیعت با بیداری» سرآغاز نگاه مستقیم شعری طاهره صفارزاده به

دلبستگی‌ها و دغدغه‌های دینی و اعتقادی است که شاعر آن را در بطن

جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی خویش قرار داده است.

می‌گذرد با اشاره به تفسیر شاعر از شهید و شهادت، فرا می‌خواند.

«همیشه از بیداری می‌گویم  
تا بازوان عشق زیر سرماست

باید بیدار بود

باید ز خواب هراسید

و آمدن شب را

ندیده گرفت

و این پیام جهاد است

پیام تو

تویی که در دل هر شب

نماز دیدارش را

بر بام خانه ات برپا می‌داری»

شعر صفارزاده در «بیعت با بیداری» در برهه‌های پس از سال ۵۸ نگاه امیدوارانه و همگام و همسو با انقلاب اسلامی به خود می‌گیرد و مخاطبان خود را با جریان جامعه خویش همراه می‌سازد. نگاه شاعر در این مجموعه نگاهی است مردم‌گرا. نگاهی به تمامی کسانی که به عین و قطع تمامی وجود خویش را در راه اصلاح جامعه به کار بردند و اینک وارثان حقیقی انقلاب‌اند.

«شما که وارثان زمین‌اید

قدم بردارید

و عزل واژه جدایی را بنویسید

و بالایی سکونت انسان باید

هم‌قامت بلندی حق

هم‌قامت بلندی تقوا باشد

اگر سواد ندارید

با حرف

با نگاه

با قدم بنویسید

قسم به توده‌های صف‌آرا

نصر خدا

فتح خدا

فتح شما فرارسیده است»

از سقف چشم بردار

برخیز

بیرون بیا

فصلی به انتظار نشست هست»

نگاه سیاسی و اجتماعی صفارزاده به زمانه‌ای که در آن مشغول به زندگی است، در بیعت با بیداری مستقیماً به مصادیق حاضر در بطن مردم زمانه‌اش اشاره دارد. ایهام شعری و استعاراهای دینی و قرآنی شاعر، کلام او را مستقیماً در مقابل همه آنچه که او به مقابله با آن پرداخته جای می‌دهد و این استقرار با توجه به استواری کلام شاعر و انتخاب دقیقی که او از ناهنجاری‌های اجتماعی داشته است، قرار می‌دهد.

از سوی دیگر در این کتاب کلام شاعر درعین تند و تیزی با ناهنجاری‌ها، خود را به نیکی به پشتوانه‌ای قوی برای تمام کسانی که خود را وقف مبارزه با این سیاهی و بیعت مجدد با بیداری قرار داده‌اند، قرار می‌دهد.

«تابوت‌ها گل داده‌اند

شکوفه داده‌اند

گل‌های بی‌کفن و غسل

اینجا بهشت است

از زیر سایه درختان

صدای آفتاب شیون می‌آید

صدای غرش بغض»

شعر بلند «سفر بیداران» که در دی ماه ۵۷ سروده شده است، به روشنی تمام نگاه و حرکت اجتماعی و سیاسی شاعر را به چشم می‌آورد. استفاده‌ای به جا و زیبا از تعبیری قرآنی چون «صدای دعوت قم می‌بارد» که در آن کلمه «قم» اشاره‌ای است به سوره مبارکه «مدثر» و یا «دوباره با هم برمی‌خیزیم در روز فصل» که استعاره‌ای است از آیه ۱۷ سوره نبأ (إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا. «قطعاً وعده‌گاه [ما با شما] روز داوری است)، شعر صفارزاده را به بیعتی جاودان با بیداری مبدل کرده است.

صفارزاده در سفر بیداران تمام انسان‌ها را بازبینی هدف خویش از حیات و بازکاوی درون خویش از آنچه بر او



## «در پیشواز صلح»؛ دعوت انسان به بازنگری در خود

سیمای عبرت است  
آن روز  
فرصت عبرت نیست  
آن زلزله نهایت راه است»

صفارزاده در مجموعه «در پیشواز صلح» علاوه بر نگاه اجتماعی خاص خود، بار دیگر خواننده را با خود به عمق تابناک تاریخی که افتخار مسلمان بودنش را در آن معنی می‌نماید، رهسپار می‌کند. به صدر اسلام و مرارت‌هایی که مسلمانان برای ودیعه‌ای که اینک در نزد اوست، متحمل شدند.

بازخوانی شاعر از این مفاهیم علاوه بر آنکه مروری است بر دانسته‌ها و ندانسته‌های مخاطب از تاریخ او را بازکاوی خویش در راه خویش که تاریخ او برای او بیان شده است، می‌خواند.

در ادامه قطعه‌ای از شعر بلند علی(ع) از مجموعه «در پیشواز صلح» را مرور می‌کنیم:

«او می‌دانست  
که خوبی خرد جاهلی  
تن در نمی‌دهد  
به معرفت‌الله  
خم می‌شود گاه به رکود  
خم می‌شود گاه به سجود  
اما دلیل راه خدا  
و عالم علم کتاب را  
خم می‌کند  
به زیر بار بی‌عدالتی و زور  
و کور باطن  
مدام در طلب ملموس است  
بهانه می‌جوید  
حرص چشیدن و دیدن دارد  
من و سلوی مسیره‌های بهانه است  
xxxxx  
و جاهلیت شرک  
در هر زمان که باشد  
هرگز نمی‌پذیرد  
به مصدر تعقل  
به مصدر تسلیم  
به محو شدن در ناپیدا  
مدام در پی حس پا بر می‌دارد  
مدام با خود می‌گوید  
باید دید  
باید چشید  
وگرنه باور نمی‌کنم»

«در پیشواز صلح» در میان آثار مرحوم «طاهره صفارزاده» به دلیل بسط‌دادن نگاه دینی او به عالم هستی و دعوت شاعر از نفس تمامی انسان‌ها به بازشناسی خود، فارغ از محدودیت‌های جغرافیایی و سیاسی و با نگاهی مجدد به اهداف خلقت آن‌ها و درس آموزی از تمامی پدیده‌های عالم حیات، اثری درخور توجه است.



«در پیشواز صلح» عنوان ششمین مجموعه مستقل شعری طاهره صفارزاده است که اشعار وی را در خلال سال‌های ۱۳۶۸ تا ۷۴ در برمی‌گیرد. در این مجموعه نگاه اجتماعی شاعر که پیوند عمیقی را با مفاهیم و مضامین دینی داشته و توانسته در درون بیدار شاعر خود را درونی کند و به‌گونه‌ای تازه و نو و از زاویه‌ای که نگاه‌ها و پرسش‌های امروز جامعه را پاسخ می‌دهد در ارتباط با مخاطب خویش است.

جهان شمولی و خروج از دایره بسته‌ای که تمایل دارد تمامی رویدادهای پیرامون انسان را از دریچه دنیا معنی کند و بازخوانی آن‌چه خداوند با رحمت خویش در دسترس تمامی موجودات و آدمیان قرار داده است. دعوت دوباره انسان‌ها به نگاه به خود و رویدادهای زندگی از منظر ارتباط انسان با خداوند و پیام‌هایی که او برای انسان در طول سال‌ها به‌ویژه به واسطه قرآن مجید فرستاده است و دعوت به بازخوانی مجدد این پیام‌ها شالوده اصلی این دوره شعری صفارزاده را تشکیل می‌دهد:

«خیل عظیم جهانی  
جهان میلیون‌ها در میلیون  
مخلوق صرف مانده  
در جازده  
چراکه  
توفیق بندگی حق را پیدا نکرده‌است  
و این‌گونه است  
که در محاصره تنهاییها  
و در مدار قهر و جداییها  
درمانده مانده است  
صلحی که اندرون بشر می‌جوید  
در مامن شناخت اوست  
سردرد نیست  
که سوی قرص و دواخانه رو کند»

صفارزاده در این مجموعه سعی دارد انسان را به این موضوع که هرچه در اطراف او در جریان است، همگی پیام و اشاره‌ای است از جانب خداوند که او را تذکر می‌دهد به بازخواهی از خود و محاسبه نفس خود. نهیب شعر او به مخاطب خاصی نیست، بلکه او سعی دارد شعر را به مقام بشارت و انداز نزدیک کند. به جایگاهی که مخاطب او همه آدمیانی باشند که در سراسر گیتی فطرت حق جوی خویش را از یاد برده‌اند.

«امروز زلزله

ویژگی سبک شعری و ترجمه قرآن صفارزاده  
در نگاه مسئولان فرهنگی و قرآنی





## نامی زبانه‌ز برای اهالی فرهنگ و ادب

اما تخصص او چنان بود که حتی رژیم گذشته مجبور شد که کرسی ایشان را در دانشگاه دوباره برقرار کند، که به موجب آن دانشجویان بسیاری دست‌پروده‌ی این بانوی ارزشمند جهان اسلام شدند.

صفا هرندی ادامه داد: صفارزاده یک خادم بزرگ قرآن کریم بود؛ بانوی بزرگی که در جهان اسلام هم به مانند میهن خود شناخته شده و برای دعوت از او در مجامع جهانی سرودست می‌شکستند و او بسیاری از اوقات به دلیل نداشتن فرصت نمی‌توانست در این جلسات شرکت کند. در حقیقت صفارزاده به‌عنوان اسوه و انگیزه‌ای برای روشنفکران مسلمان متعهد به‌ویژه در جامعه بانوان کشور پیش‌روی زنان و مردان میهن اسلامی است.

او در پایان تصریح کرد: در دوران انقلاب حضور صفارزاده و شعرهای الهام‌بخش ایشان برای انقلابیون راهبر و یکی از شخصیت‌های چندگانه فرهنگی، هنری و ادبی جامعه ما در سال‌های نخست انقلاب بود و بنابراین آنچه که از ایشان در اذهان جامعه ما باقی خواهد ماند، شخصیت استوار است که در اشعار و ترجمه قرآن حکیم ایشان انعکاس پیدا کرده است.

نام صفارزاده همیشه برای ما زبانه‌ز و چهره شاخص فرهنگ و ادب کشور ایران مرهون ایشان است.

«محمدحسین صفارزاده» وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان این مطلب گفت: مرحوم صفارزاده با استفاده از تبحری که در زبان فارسی، عربی و انگلیسی داشت، کار ترجمه قرآن کریم به دوزبان فارسی و انگلیسی را در دست گرفت و به‌خوبی و شایستگی آن را به پایان رساند. او ادامه داد: مرحوم صفارزاده از چهره‌هایی است که شخصیت او به‌درستی در جامعه ما شناخته نشده، دلیل آن هم این است که خود ایشان از اینکه بخواهد به‌عنوان یک چهره در جامعه مطرح شود، دامن می‌کشید. با مرور تاریخ روزهای اول انقلاب خواهیم دید که مرحوم صفارزاده جزء چند شخصیت برجسته فرهنگی آن روزگار است، نام او همیشه برای ما زبانه‌ز و چهره شاخص فرهنگ و ادب کشور ایران مرهون ایشان است. او ادامه داد: صفارزاده شخصیتی بود که از عمر خود به‌خوبی استفاده کرد، بخشی از دوران زندگی او همراه با مبارزه فکری و استواری علیه طاغوت شد، که محدودیت‌هایی را هم برای او در رژیم گذشته ایجاد کرد،





## شخصیتی که محصور در مرزهای کشور نشد

صفارزاده شخصیتی بین‌المللی بود و هیچ‌گاه خود را محصور در مرزهای کشور ندید.



رحماندوست هم چنین گفت: از دست دادن چنین بزرگواری ضایعه بزرگی است و تنها می‌توان امیدوار بود که شاگردان او جای این بزرگزن فقید را پر کنند.

وی در پایان گفت: او شخصیتی بین‌المللی بود و هیچ‌گاه خود را محصور در مرزهای کشور ندید. به همین جهت شعرهای او که اکثراً در قالب آزاد سروده شده بود نیز برای مرزهای ایران بود. نوع کار، تلاش، مخاطب‌سنجی و حضور او در عرصه‌های علمی نیز بین‌المللی و جهانی بود و اگر به شعر مقاومت می‌پرداخت نیز با رویکرد جهانی به این هدف می‌اندیشید و باید او را یکی از

پیشتازان این عرصه تلقی کرد. شاید همین ویژگی‌ها بود که سبب شد دو سال پیش به‌عنوان یک بانوی برگزیده جهان اسلام انتخاب شود.

«مجتبی رحماندوست»، مشاور رئیس‌جمهور در امور اینارگران، با بیان این مطلب گفت: «طاهره صفارزاده» در عرصه فعالیت‌های خود بی‌نظیر است. البته ممکن است در عرصه فعالیت‌های سیاسی و انقلابی زنانی مانند «مرضیه دباغ» را بتوان نام برد، اما در عرصه علم، ادبیات، ترجمه دقیق قرآن کریم و انتشار قرآن به زبان‌های دیگر به‌واقع در میان زنان بدون مشابه است.

وی افزود: او در فضای علمی تلاش‌های خود، هرگز روح تعبد خود را از دست نداد و همواره انسانی، متعبد، متدین، معتقد و ارزشی بود که محبت اهل بیت(ع) و خدمت به حرم امام رضا(ع) را ترک نمی‌کرد؛ ضمن این‌که جنبه علمی او قوی و غیرتقلیدی بود.

این ایستادگی با کمک قرآن کریم و الهام گرفتن از سیره نبوی در وجود مرحوم «طاهره صفارزاده» شکل گرفت. او در نشر، نظم و حتی کلام خود در کلاس‌های درس آنچه را که از یک زن مسلمان برای ارشاد و کمک به جامعه انتظار می‌رود، نشان داد

# ترجمه صفارزاده

## ترجمه‌ای محققانه



انجام داده بود و مقالاتی نیز در این زمینه منتشر کرده که متأسفانه کم‌تر در محافل علمی مورد توجه قرار گرفت.

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «طاهره صفارزاده» جزء پیشکسوتان عرصه شعر و ادب بود و در حوزه شعر به‌عنوان چهره‌ای شناخته‌شده مورد احترام و قبول عموم شعرای امروز بود.

او افزود: همچنین او در سال‌های اخیر اهتمام ویژه‌ای نسبت به پژوهش در قرآن کریم انجام داد و مخصوصاً در ترجمه‌های قرآن به زبان‌های فارسی و انگلیسی پژوهش‌های قابل توجهی انجام داده بود و مقالاتی نیز در این زمینه منتشر کرده بود و نهایتاً با توجه به تسلطی که به زبان انگلیسی داشت به چاپ ترجمه دوزبانه قرآن کریم همت گمارد که پشتوانه سالیان متمادی تلاش و کوشش را داشت و جزو ترجمه‌های خوب قرآن کریم به زبان انگلیسی به‌شمار می‌رود.

پرویز ادامه داد: هنرمندانی در این رده، چندان نیازمند این نیستند که مسئولان برایشان کاری انجام دهند. صفارزاده و هنرمندان هم‌رده‌اش بسیار مورد اقبال مردم هستند و هر کجا سخن از تجلیل از اهل هنر به میان می‌آید، «طاهره صفارزاده» از نام‌هایی بود که در ابتدا به ذهن خطور می‌کرد.

او همچنین گفت: صفارزاده از نظر مادی نیز نیازمند تجلیل نبود و خود او نیز به‌شدت از پذیرش چنین تجلیل‌هایی پرهیز داشت و به‌گمانم او در طول حیات به قدر کفایت مورد احترام بوده است.

او در پایان گفت: تلاش‌های فاخر مرحوم «طاهره صفارزاده» می‌تواند به‌عنوان نمونه و الگو بیش از پیش در جامعه مطرح شود.

ترجمه قرآن «طاهره صفارزاده» یک ترجمه محققانه و پژوهشی است که مدت زمانی طولانی وقت صرف آن شده است.



«محسن پرویز»، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با بیان این مطلب گفت: صفارزاده سعی کرد با پرهیز از مشکلات ترجمه‌های دیگر به ترجمه قرآن خود پردازد و از این بابت ترجمه او شایسته تقدیر است.

این مسئول فرهنگی گفت: او برای ترجمه خود نوعی کار محققانه انجام داده است و قبل از چاپ ترجمه قرآن اقدام به چاپ کتابی شامل چند مقاله در رابطه با بررسی ترجمه‌های قرآن کریم کرده و مراجعه به آن مشخص می‌کند که اقدامی که در ترجمه قرآن صورت گرفته، اقدامی محققانه و دقیق بوده است.

او ادامه داد: طاهره صفارزاده برای ترجمه قرآن خود زحمات بسیاری کشیده، یکی از این اقدامات و زحمات بررسی نقادانه ترجمه‌های دیگر از قرآن است.

پرویز تصریح کرد: ترجمه صفارزاده به‌لحاظ ادبی ترجمه خوب و روانی بوده و برجسته‌ترین نکته در آن پرهیز از اشتباهات و اشکالات دیگر ترجمه‌هاست، این ترجمه یک ترجمه صرف نبود در واقع پژوهشی در ترجمه محسوب می‌شود.

پرویز افزود: «طاهره صفارزاده» در سال‌های اخیر اهتمام ویژه‌ای نسبت به پژوهش‌های قرآنی و ترجمه‌های قرآن به زبان‌های فارسی و انگلیسی



## «صفارزاده» در ترجمه قرآن نیز به مانند ادبیات خوش درخشید

رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم معتقد است که «طاهره صفارزاده» در ترجمه قرآن نیز به مانند ادبیات خوش درخشید و توانست اثری مناسب منتشر کند.



حجت الاسلام والمسلمین «محمدصادق یوسفی مقدم» – رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم – با بیان این مطلب گفت: خوشبختانه در حوزه ترجمه قرآن پس از انقلاب فعالیت‌های بسیاری صورت گرفته است، البته در عین حال که با رشدی موفق روبرو بوده‌ایم، هنوز خلاءهای بسیاری هم وجود دارد که باید پر شود.

وی افزود: مرحوم «محمد مهدی فولادوند» از جمله مترجمانی است که به دلیل ساده‌نویسی و علمی بودن نقش مهمی در زمینه ترجمه ایفا کرد، «علی موسوی گرمارودی» و مرحوم «طاهره صفارزاده» نیز از جمله مترجمانی هستند که در ترجمه قرآن پس از انقلاب نقش مهمی ایفا کردند.

یوسفی مقدم تصریح کرد: مرحوم «طاهره صفارزاده» از جمله افرادی است که در عرصه فعالیت‌های قرآنی تلاش‌های بسیاری قبل از انقلاب و پس از انقلاب انجام داده است. وی در عرصه ترجمه قرآن نیز به مانند ادبیات خوش درخشید و توانست ترجمه‌ای نسبتاً خوب ارائه کند.

این قرآن‌پژوه با بیان این مطلب که بررسی اجمالی از ترجمه صفارزاده

داشته است، گفت: کارشناسان مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم در دقت‌ها داشته است.

حوزه ترجمه، پس از بررسی کارشناسانه، ترجمه ایشان را مثبت و از نمونه‌های موفق ترجمه قرآن ارزیابی کرده‌اند و در کارهای پژوهشی و تحقیقی خود از آن استفاده می‌کنند.

وی افزود: ما در زمینه ترجمه قرآن کریم مباحث مهم و لازمی برای پژوهش داریم و باید با احترام به ترجمه گذشتگان و توجه به نیاز روز وارد عرصه فعالیت شویم. ترجمه‌های قرآن پس از تحولی که چنددهه پیش با ورود ترجمه‌هایی مانند ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای برای آن رخ داد، همواره حرکتی رو به جلو و در راستای رفع کاستی‌ها و افزودن بر



ما در زمینه ترجمه قرآن کریم مباحث مهم و لازمی برای پژوهش داریم و باید با احترام به ترجمه گذشتگان و توجه به نیاز روز وارد عرصه فعالیت شویم



# صفارزاده

## و پاسداری از معارف ملی



انگلیسی ترجمه شده و هم‌چنین برخی از کشورهای امریکای لاتین با او و آثارش آشنایی قابل توجهی دارند و او با بسیاری از ادیبان بزرگ کشورهای دیگر بارها مورد مقایسه قرار گرفته است.

مسجدجامعی بیان کرد: صفارزاده تمام ثروت خود را که رقم قابل توجهی نیز بود وقف کرد و امیدوارم که مدیریت شهری بتواند در راه بهره‌برداری هرچه بهتر از این سرمایه نقش به‌سزایی داشته باشد.

وی در مورد شخصیت فرهنگی صفارزاده تصریح کرد: «طاهره صفارزاده»، شخصیتی کامل و چند بعدی داشت و در تمام عرصه‌هایی که در آن فعالیت می‌کرد، یعنی ترجمه، تالیف، تحقیق و شعر سرآمد بود. او در تمام این عرصه‌ها از خود آثار درخشانی برجای گذاشته است.

وی ضمن بیان اینکه صفارزاده یکی از کسانی بود که در دوره معاصر معارف دینی را تقویت و غنا بخشید، گفت: البته این نکته تنها معطوف به ترجمه قرآن و متون مذهبی نبود.

مسجد جامعی همچنين ظرفیت و قابلیت بالای شعر صفارزاده گفت و افزود: بسیاری از منتقدان عرب، شعرهای او را با شعرشاعران نامی عرب مقایسه کرده‌اند.

وی یادآور شد: صفارزاده به واسطه تسلطی که به مفاهیم قرآنی داشت، در شعر

فارسی حرکت جدیدی بوجود آورد که این حرکت شاعران نسل‌های بعد را با خود همراه کرد، به گونه‌ای که بسیاری از او به عنوان یکی از برجسته‌ترین شاعران انقلاب و متعهد یاد می‌کنند.

زنده‌یاد صفارزاده معرف ادبیات ما و حوزه‌هایی چون شعر و کلام بود و از سوی دیگر نیز به پاسداری معارف ملی پرداخت.



«احمد مسجدجامعی»، عضو شورای اسلامی شهر تهران، با بیان این مطلب گفت: مجموعه تلاش‌های صفارزاده نشان‌دهنده آن است که او شخصیتی ویژه و استثنایی داشت و آثار او نیز در همه زمینه‌ها تاثیرگذار بوده است.

او ادامه داد: صفارزاده شخصیت جامع‌الطرافی بود و در حوزه‌های مربوط به زبان، ادب، معارف دینی، ترجمه، تعلیم و تحقیق آثار ارزشمندی از خود به جای گذاشت.

عضو شورای اسلامی شهر تهران افزود: شعرهای ارزشمند «طاهره صفارزاده» در سراسر جهان شناخته شده است و وراثت‌های ایران سیر می‌کرد و بسیاری از آثار او به برخی از زبان‌های زنده دنیا از جمله عربی و



مهم‌ترین نکته در این باره، انجام ترجمه انگلیسی زبان قرآن به وسیله یک بانوی ایرانی است که تأثیری شگرف در نیمی از جوامع انسانی معاصر بر جای گذاشت

# باید زمان ها بگذرد تا صفارزاده دیگری پدید بیاید



باید زمان بگذرد تا فولادوندها و صفارزاده‌ها به وجود آیند، چقدر دنیا باید به هم بیچد تا قلمی همانند صفارزاده بنگارد.



رئیس سابق مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی کشور با بیان این مطلب گفت: مرحوم «طاهره صفارزاده» یکی از بهترین مترجمان در ایران است، ترجمه وی از قرآن در هر دو زبان فارسی و انگلیسی دارای ویژگی‌های شاخصی است.

وی ادامه داد: مرحوم صفارزاده با ترجمه خود، ساده‌نویسی را رواج داد و این را می‌توان مهمترین ویژگی این ترجمه دانست، هم چنین وی در عین حال که دقت کرد از معانی اصلی خارج نشود، روانی ترجمه را نیز لحاظ کرد که این روانی ارزش ترجمه را به مراتب بالاتر برده است.

خواججه‌پیری در اشاره به نقاط ضعف ترجمه صفارزاده از قرآن گفت: این ترجمه از قرآن نیز به مانند هر ترجمه‌ای دیگر خالی از اشکال نیست، هر ترجمه‌ای دارای ایراد است، چراکه هر مترجمی با سلیقه‌ای خاص به سراغ ترجمه قرآن می‌رود. بنابراین

علی‌القاعده هیچ ترجمه‌ای از قرآن کامل نیست.

وی در توضیح مطلب فوق گفت: با وجود اینکه ترجمه صفارزاده پرمحتوا و از سوی یکی از مترجمان برجسته تألیف شده، است، در برخی موارد معادل‌ها و لغاتی برگزیده شده که چندان مورد قبول همگان نیست. البته در مواردی هم برداشت نادرستی از آیه را موجب می‌شود، ولی در مجموع می‌توان گفت، این ترجمه، قابل اطمینان است.

خواججه‌پیری در پاسخ به این پرسش که ارزیابی شما از دیگر فعالیت‌های قرآنی مرحوم صفارزاده مانند فعالیت‌های شعری و ادبی ایشان چیست، گفت: من چندان در جریان فعالیت‌های ادبی صفارزاده نیستم، و بیشتر با

ترجمه وی از قرآن و نهج البلاغه آشنا هستم، ترجمه وی از نهج البلاغه نیز به مانند ترجمه قرآن دارای نکات برجسته ادبی و روانی کلام است و می‌توان گفت، این دو از نمونه‌های موفق آثار تولید شده در عرصه فعالیت‌های قرآنی هستند.

رئیس سابق مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی کشور در اشاره به ویژگی‌های شخصیتی صفارزاده گفت: در این وانفسای زندگی، اساتیدی مانند آذریزدی، فولادوند و صفارزاده که بدون چشم‌داشتی به زندگی زاهدانه پرداختند، بسیار کم دیده می‌شوند.

رئیس سابق نمایشگاه قرآن در این مراسم با بیان این مطلب که معمولاً قدر

بزرگانی مانند صفارزاده، فولادوند و آذریزدی دانسته نمی‌شود، می‌افزاید: چقدر باید زمان بگذرد تا فولادوندها و صفارزاده‌ها به وجود آیند، چقدر دنیا باید به هم بیچد تا قلمی همانند صفارزاده بنگارد.



این ایستادگی با کمک قرآن کریم و الهام گرفتن از سیره نبوی در وجود مرحوم «طاهره صفارزاده» شکل گرفت. او در نشر، نظم و حتی کلام خود در کلاس‌های درس آن‌چه را که از یک زن مسلمان برای ارشاد و کمک به جامعه انتظار می‌رود، نشان داد

# تأثیری شگرف در نیمی از جوامع انسانی با ترجمه قرآن از بانوی ایرانی

مطرح است و جمعیت میلیاردي در جهان به این زبان صحبت می‌کنند که تمدن غرب را با جوامع مختلف تشکیل می‌دهند.

وی تصریح کرد: اقدام به ترجمه قرآن و کلام وحی به زبان انگلیسی، کاری بسیار دشوار است. صفارزاده در این ترجمه گاه برای یک واژه قرآن، ۲۱ لغت را بیان کرده است تا بتواند معادلی مناسب برای واژه مورد نظر بیان کند. این موضوع؛ سختی، دقت و راز و رمز کار این بانوی فرهیخته را آشکار می‌کند.

حجت‌الاسلام نوراللهیان، از صفارزاده به عنوان ادیب، شاعر، دانشمند و قرآن‌پژوه ایرانی یاد و اظهار کرد: آثار و سروده‌های وی در عرصه شعر متعهد، به خوبی جای خود را در دهه‌های سال ۵۰ به بعد باز کرد.

وی از ترجمه قرآن صفارزاده به عنوان اثری که با هیچ یک از دیگر آثار وی قابل مقایسه نیست، یاد کرد و گفت: این ترجمه مورد ستایش بسیاری از انگلیسی‌زبان‌ها و همچنین انتقاد آنان قرار گرفت، که توجه به این موضوع از نکته‌های ارزشمند به شمار می‌آید.

مشاور و دستیار ویژه دفتر مقام معظم رهبری در امور تبلیغی و آموزشی خارج از کشور، ضمن تقدیر از شخصیت فرزانه صفارزاده، ادامه داد: مهم‌ترین نکته در این باره، انجام ترجمه انگلیسی‌زبان قرآن به وسیله یک بانوی ایرانی است که تأثیری شگرف در نیمی از جوامع انسانی معاصر بر جای گذاشت.

وی در پایان اظهار امیدواری کرد که شخصیت‌های فرهنگی کشور عظمت این ترجمه بزرگ را درک کنند و معرفی آن در همه جهان با همکاری سازمان گردشگری و ایرانگردی، میراث فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان فرهنگ، هنر و ارتباطات، به ترویج آن در جهان اقدام کنند.



حجت‌الاسلام والمسلمین «محمدرضا نوراللهیان»، از ترجمه انگلیسی زبان مرحوم «طاهره صفارزاده» به عنوان سرمایه‌ای بزرگ ایران یاد کرد و گفت: مهم‌ترین نکته در این باره، انجام ترجمه انگلیسی‌زبان قرآن به وسیله یک بانوی ایرانی است که تأثیری شگرف در نیمی از جوامع انسانی معاصر بر جای گذاشت.



حجت‌الاسلام و المسلمین «محمدرضا نوراللهیان»، مشاور و دستیار ویژه دفتر مقام معظم رهبری در امور تبلیغی و آموزشی خارج از کشور، با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی و آثار مرحوم طاهره صفارزاده با بیان مطلب فوق افزود: مرحوم طاهره صفارزاده از سرمایه‌های بزرگ حوزه قرآن در عصر حاضر بود که ترجمه انگلیسی وی از

قرآن به عنوان یک شاهکار قرآنی در میان جمعیت میلیاردي مسیحیان درخشید.

حجت‌الاسلام نوراللهیان، به ترجمه انگلیسی این بانوی ایرانی از قرآن اشاره کرد و ادامه داد: زبان انگلیسی امروز به عنوان زبان بین‌المللی جهان







## الگویی برای تمام بانوان قرآن پژوه

رئیس فراکسیون قرآن و عترت مجلس شورای اسلامی با بیان این مطلب که مرحوم صفارزاده خدمات بی‌شائبه‌ای به ادبیات قرآنی کشور کرده است، گفت: صفارزاده الگویی برای تمام بانوان قرآن‌پژوه در جهان اسلام است.

ماندگاری از خود بر جای بگذارد.

افتخاری تصریح کرد: این بانوی مسلمان نقش الگویی برای زنان مسلمان دنیا دارند. وقتی که هنر، تخصص و ادبیات با نگاه دینی، قرآنی، ارزشی و هدف‌مند دنبال شود، ارزشمند می‌شود، و هر کدام بسته به اهمیت موضوع در عمل به احکام قرآن، تبری جستن و... با ارزش است.

وی ادامه داد: اینکه انسان قرآن را ترجمه کند و پیام‌های قرآن را در قالب الفاظ به صورت نثر و شعر بیان کند بسیار ارزشمند است، نوعی عبادت محسوب شده و زندگی انسان را رنگ قرآنی می‌دهد. بنابراین صفارزاده به عنوان یک الگو برای همه

بانوان جهان اسلام به ویژه بانوان قرآن‌پژوه است، چراکه همه توان خود را با اخلاص در خدمت قرآن به کار بست.

«لاله افتخاری» رئیس فراکسیون قرآن و عترت مجلس

شورای اسلامی با بیان این مطلب گفت: مرحوم صفارزاده شخصیتی علمی و قرآنی بود که توان، دانش و ارادت خود را نسبت به قرآن به کار بست و در این زمینه موفقیت بسیار کسب کرد.

وی ادامه داد: ارزش کار صفارزاده در زمینه ترجمه قرآن و سایر آثار ادبی‌اش به چند نکته وابسته است، اول اینکه کار ادبی ماندگاری در خدمت قرآن ارائه کرده است، دوم اینکه نشان داد همت والای زن

مسلمانی که در پرتو حمایت قرآن قرار گیرند، تا چه اندازه است و زن مسلمان چگونه می‌تواند در عرصه فرهنگی کشور تأثیرگذار باشد و آثار

ارزش کار صفارزاده در زمینه ترجمه قرآن و سایر آثار ادبی‌اش به چند نکته وابسته است، اول اینکه کار ادبی ماندگاری در خدمت قرآن ارائه کرده است

## بنیانگذار نظریه



صفارزاده در کتاب «ترجمه بنیادین مفاهیم قرآن» با بیان این مطلب گفت: ترجمه مرحوم صفارزاده از لحاظ نظریه‌های خوبی درباه ترجمه قرآن مطرح کرد، هر چند که برخی از آنها به عنوان یک نظریه قابل مناقشه است، اما به این لحاظ که برخی از موارد برای نخستین بار مطرح می‌شدند شایان توجه است.



وی ادامه داد: مرحوم «طاهره صفارزاده» از نویسندگان و شاعران قرآنی برجسته کشور به حساب می‌آید که در عرصه ترجمه قرآن نیز تا حدودی موفق بوده است.

«کریم دولتی»، مدیر بخش خادمان قرآن هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم،



# های جدید در ترجمه قرآن

دولتی تصریح کرد: شعرهایی که از مرحوم صفارزاده در زمینه مسائل قرآنی منتشر شده، توجه بسیاری را به حوزه شعر قرآنی جذب کرده است. وی افزود: «طاهره صفارزاده» با توجه به سبقه‌ای که در زبان انگلیسی داشته و آثاری که ترجمه کرده، در زمینه قرآن نیز ترجمه قرآن قابل قبولی ارائه داده است. اما این به این معنا نیست که ترجمه ایشان خالی از ضعف باشد.

رئیس دانشکده علوم قرآنی تهران افزود: هر چند که مطابقت این دو ترجمه نشان می‌دهد که ترجمه فارسی و انگلیسی هم‌گام با هم نیست، اما به لحاظ اینکه این دو ترجمه کنار هم آمده و از لحاظ آهنگ و روانی متن در درجه‌ای خوب قرار دارد، این نبود مطابقت چندان به چشم نمی‌آید.

دولتی در اشاره به دیگر ویژگی‌های صفارزاده در ترجمه قرآن گفت: صفارزاده در کتاب «ترجمه بنیادین مفاهیم قرآن» نظریه‌های

خوبی درباره ترجمه قرآن مطرح کرد، هر چند که برخی از آنها به عنوان یک نظریه قابل مناقشه است، اما به این لحاظ که برخی از موارد برای نخستین بار مطرح می‌شدند شایان توجه است.

این نویسنده قرآنی در اشاره به ضعف دیگر ترجمه قرآن صفارزاده گفت: برخی از نظریه‌هایی که صفارزاده در کتاب «ترجمه بنیادین مفاهیم قرآن» مطرح کرده است، در ترجمه قرآن وی لحاظ نشده است، این نشان می‌دهد که انسان با عمق مطالب قرآن تا هنوز فاصله دارد و بهترین مترجمان هم در برخی از نقاط دچار غفلت می‌شوند. وی در پایان اظهار امیدواری کرد که مترجمان قرآن به دنبال رفع نقاط ضعف ترجمه‌های گذشتگان در ترجمه خود باشند.

ترجمه مرحوم صفارزاده از لحاظ مطابقت با معنای کلام الهی در پاره‌ای موارد دچار ضعف است، اما در کنار این نقاط ضعف ویژگی‌هایی هم دارد

برخی از نظریه‌هایی که صفارزاده در کتاب «ترجمه بنیادین مفاهیم قرآن» مطرح کرده است، در ترجمه قرآن وی لحاظ نشده است



## جلودار قافله بانوان ایرانی و غیر ایرانی زمان خود

حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی، ترجمه «طاهره صفارزاده» از قرآن کریم را ترجمه‌ای مطلوب عنوان کرد و افزود: صفارزاده جلودار قافله‌ای از بانوان ایرانی و غیر ایرانی زمان خود بود و ترجمه وی از کیفیتی بالاتر از ترجمه الهی قمشه‌ای برخوردار است.



حجت الاسلام والمسلمین «ابراهیمی»، قرآن‌پژوه، درباره ترجمه مرحوم «طاهره صفارزاده» از قرآن کریم، گفت: رشته تحصیلی صفارزاده ادبیات بود و همین موضوع زمینه تسلط بیشتری را برای ترجمه قرآن فراهم کرده بود. وی با بیان این مطلب افزود: صفارزاده می‌تواند برای بانوان پس از خود الگو باشد تا آنان نیز همانند وی در عرصه‌های مشابه و زمینه‌های دیگر جلودار باشند.

به عقیده حجت الاسلام ابراهیمی، ترجمه صفارزاده با ترجمه‌هایی چون ترجمه قرآن استادولی و ترجمه آیتی از نظر کیفیت در یک سطح قرار گرفته‌اند.

این قرآن‌پژوه با اشاره به این که با ترجمه این بانوی فرهیخته آشنایی دارد، از رشته تحصیلی صفارزاده یاد کرد و ادامه داد: رشته تحصیلی صفارزاده ادبیات بود و همین موضوع زمینه تسلط بیشتری را بر متون قرآن و موفقیتش را در این

عرصه فراهم کرده بود. وی معتقد است: ترجمه صفارزاده از ترجمه‌های خوب عصر خود به شمار می‌آید و از بسیاری از ترجمه‌های هم‌عصر و پیش از خود، پرمحتواتر است، ولی در سطح ترجمه «بهاء‌الدین خرمشاهی» و «سیدعلی موسوی گرمارودی» و «آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی» نیست؛ زیرا ترجمه‌های آنان از ادبیات و ویراستاری مناسب‌تری برخوردارند.

حجت الاسلام ابراهیمی با یادآوری این‌که صفارزاده یک بانوی قرآن‌پژوه و مترجم بود، تاکید کرد: ترجمه این بانوی قرآن‌پژوه از گویایی و ویراستاری مناسبی برخوردار بود، ولی در واژه‌یابی و ارائه معادل برای واژه‌ها، چندان مناسب عمل نکرده است.

وی با تاکید بر این که قرآن زبان مبدأ در ترجمه محسوب می‌شود، تصریح کرد: مترجم باید برای ترجمه قرآن به زبان مقصد، توانایی انتقال مطلب را داشته باشد و به هر دو زبان مبدأ و مقصد تسلط داشته باشد.

این قرآن‌پژوه همچنین توصیه کرد: مترجمان قرآن به زبان‌های دیگر باید متوجه این نکته باشند که قرآن جزو متون دینی است و ترجمه‌اش با آثار دیگر ولو به یک زبان متفاوت است و دقت بیشتری را می‌طلبد.



## روشنفکری که تعلق خاطر خاص به امام و شهدا داشت

صفارزاده تعلق خاطر خاصی به انقلاب و شهدا داشت و شعرهای بزرگی هم در این باره سروده است که نشان‌دهنده اوج مقاومت در برابر رژیم شاه است.



«عباس خامه‌یار» گفت: مرحوم

صفارزاده در سال ۱۳۸۴ از سوی کنگره ملی «تجلیل از ایثارگران» مورد تقدیر قرار گرفت و «تندیس ایثار» را دریافت کرد، همین امر موجب شد تا ما بیشتر با خانم صفارزاده آشنا شویم.

او ادامه داد: در پی این آشنایی‌ها روزی مرحوم صفارزاده تماس گرفت و ما خدمتشان رسیدیم؛ در این جلسه خانم صفارزاده از شهدا نام برد و بسیار اشک می‌ریخت و به ما توصیه می‌کرد در رسیدگی به خانواده شهیدان و ایثارگران کوشا باشیم، یکی از نکاتی که ایسان بسیار بر آن تأکید داشت ایجاد طرحی برای حمایت از آموزش و پرورش فرزندان نخبه شهدا و ایثارگران بود و قصد داشت تا بنیادی را برای آموزش و پرورش این نخبگان فراهم کند.

خامه‌یار در توضیح مشکلات حقوقی این طرح گفت: اختلافی بر سر این ملک بود که نیاز داشت تا مراجع قانونی وارد عمل شوند، البته هنوز هم پیگیر این طرح هستیم تا خواسته قلبی مرحوم صفارزاده که بسیار بر آن اصرار داشت و وکیل و اقوام نزدیک وی نیز در جریان آن بودند، محقق شود.



«طاهره صفارزاده» یک روشنفکر مذهبی بود که تعلق خاصی به انقلاب و شهدا داشت و شعرهای بزرگی هم در این باره سروده است که نشان‌دهنده اوج مقاومت در برابر رژیم شاه است

معاون پژوهشی بنیاد شهید و امور ایثارگران درباره شخصیت مرحوم صفارزاده گفت: «طاهره صفارزاده» یک روشنفکر مذهبی بود که تعلق خاصی به انقلاب و شهدا داشت و شعرهای بزرگی هم در این باره سروده است که نشان‌دهنده اوج مقاومت در برابر رژیم شاه است. صفارزاده کار ارزشمند بزرگی هم در زمینه ترجمه قرآن انجام داد و همیشه تلاش داشت تا تواضع خود را حفظ کند.

خامه‌یار تصریح کرد: مرحوم صفارزاده در شیراز ملکی را در اختیار داشت که تأکید می‌کرد این مرکز را در اختیار بنیاد قرار دهد تا ما از این ملک



# عنایت ویژه مقام معظم رهبری به خواسته‌های صفارزاده



من به پیشنهاد سردبیر آن زمان روزنامه اطلاعات، «بهرام قاسمی» به همراه هم به خانه صفارزاده رفتیم تا از او برای همکاری در مؤسسه اطلاعات دعوت کنیم. در آن دیدار بود که فضای خانه او مرا شدیداً تحت تأثیر قرار داد. البته ما موفق به همکاری با او نشدیم اما در تمام این سال‌ها مشورت‌های خوبی از جانب او به ما می‌رسید.

او افزود: تا این که یک روز «طاهره صفارزاده» از من خواست تا از امام (ره) برای او وقت ملاقات بگیرم. می‌گفت که حالتی را پیدا کرده که باید برای ادامه دادن یا ندادنش با یکی از بزرگان مشورت کند. حالتی که مانند کشف و شهود اولیاء‌الله بود.

دعایی همچنین گفت: روزی که برای زیارت امام به جماران رفتیم، او با در و دیوار و درخت‌های جماران سخن می‌گفت و به آن‌ها تبریک

می‌گفت که در چنین مکان مقدسی هستند. وقتی به حضور امام رسیدیم، من برای معرفی او شعر «سروش قم» را خواندم و در میانه شعر بود که او بسیار منقلب شد و به حدی می‌گریست که شانه‌هایش می‌لرزید.

«طاهره صفارزاده» در سال‌های اخیر، هر از چندی به واسطه من و به فراخور مسائل اجتماعی کشور از مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) درخواست‌هایی می‌کرد و من شاهد بودم که مقام معظم رهبری به او و خواسته‌هایش عنایت ویژه‌ای داشتند.



حجت‌الاسلام و المسلمین «سید محمود

دعایی»، رئیس مؤسسه اطلاعات با بیان این مطلب گفت: من پیش از انقلاب در ایران نبودم اما به دلیل دغدغه‌ای که نسبت به مسائل میهن داشتم، تمام تولیدات فرهنگی و انقلابی را پی‌گیری می‌کردم و اولین بار در همان زمان با اثری انقلابی، فرهنگی از «طاهره صفارزاده» مواجه شدم که به مناسبت شهادت علی شریعتی سروده شده بود.

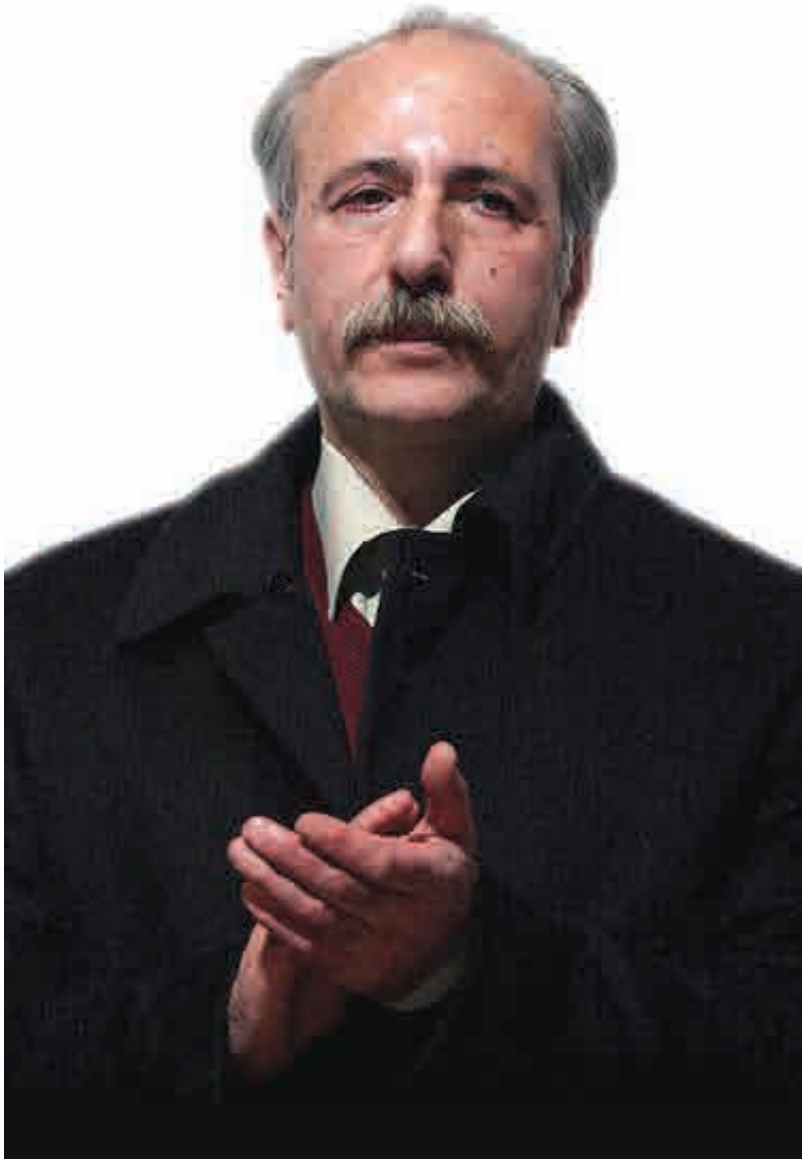
او افزود: چندی بعد نیز زمانی که با امام خمینی (ره) در پاریس بودیم، هدیه دیگری از او رسید که همان شعر «سروش قم» بود که در آن صفارزاده به قیام امام پرداخته بود. رئیس مؤسسه اطلاعات ادامه داد: تا این که انقلاب پیروز شد و



روزی که برای زیارت امام به جماران رفتیم، او با در و دیوار و درخت‌های جماران سخن می‌گفت و به آن‌ها تبریک می‌گفت که در چنین مکان مقدسی هستند



ترجمه قرآن صفارزاده  
در دیدگاه قرآن پژوهان



«بهاءالدین خرمشاهی» با بیان این‌که ترجمه انگلیسی صفارزاده از قرآن در خارج ایران بیش از ۱۲ بار به چاپ رسیده است، ترجمه وی را از ترجمه‌های برتر به دو زبان انگلیسی و فارسی دانست.



«بهاءالدین خرمشاهی»، مترجم قرآن گفت: ترجمه صفارزاده از قرآن متن عربی و انگلیسی قرآن را در کنار هم دارد و به طور خلاصه می‌توان گفت که ترجمه وی جزو ترجمه‌های خوب و برتر به دو زبان انگلیسی و فارسی است.

وی به ترجمه دو زبانه «طاهره صفارزاده» به زبان انگلیسی و فارسی اشاره کرد و گفت: در کتابی با عنوان «بررسی ترجمه‌های امروزی فارسی قرآن کریم»، ۳۹ ترجمه را مورد نقد و بررسی قرار دادم که ترجمه صفارزاده نیز یکی از آنان بود.

خرمشاهی گفت: ترجمه صفارزاده از قرآن کریم بسیار شیوا و مفهوم است، ولی وی نیز از اشکالاتی که همه مترجمان با تجربه در ترجمه‌هایشان مرتکب می‌شوند مبرا نیست، به گونه‌ای که حتی من نیز این اشکالات را دارم و در تلاشم که آن‌ها را رفع کنم.

این قرآن‌پژوه تصریح کرد: چنانچه حیات طیبه صفارزاده ادامه می‌یافت و وی نقد و نظرات صاحب‌نظران این حوزه را دریافت می‌کرد، چه بسا نقدهایی را که به ترجمه وارد می‌دانست، در اثرش اعمال می‌کرد و اثری بدیع پدید می‌آورد.

وی با اشاره به مصرعی از سعدی با این مطلع «عشق را آغاز است و انجام نیست» گفت: ترجمه قرآن آغاز دارد ولی پایانی ندارد. پایان این حوزه تا زمانی که مترجم زنده است و باید از نقد و نظرات دیگران بهره‌بردار و در اصلاح ترجمه‌اش بکوشد ادامه دارد.

خرمشاهی در پایان گفت: ترجمه صفارزاده بیش از ترجمه‌های انگلیسی و فارسی زبان دیگر، نیاز مخاطب را برطرف نمی‌کند، ولی چنانچه ۲۰ ترجمه مطلوب داشته باشیم، ترجمه وی یکی از آن‌هاست. ترجمه قرآن صفارزاده نخستین ترجمه دو زبانه یک بانوی ایرانی است

## در ترجمه انگلیسی برترین بود



# نخستین بانوی ایرانی در امر ترجمه قرآن

ترجمه صفارزاده نخستین ترجمه قرآنی به دوزبان انگلیسی و فارسی توسط یک بانوی ایرانی است و اصول ترجمه به درستی در آن به کار رفته است.



«حسین استادولی»، مترجم و ویراستار ترجمه قرآن کریم ترجمه قرآن را سهل‌الممتنع خواند و گفت: ترجمه قرآن از آن بابت سهل است که همه ما از دوران کودکی با این کتاب آسمانی آشنا هستیم و ممتنع از آن نظر که در عرضه آن در قالب ترجمه و تفسیر دچار مشکل هستیم. به این معنی که در به قلم آوردن آنان بسیار مشکل است حتی اگر همه شرایط ترجمه، تفسیر، مقدمات و ... رعایت شود.

استادولی با تأکید بر این که مترجم باید متوجه آن چه که در مقدمه می‌آورد باشد و به آن‌ها عمل کند، افزود: ترجمه «مهدی الهی قمشه‌ای» اشتباهات بسیاری دارد و لغاتی در آن به کار رفته است که مربوط به ترجمه‌های امروز نیست.

وی با اشاره به ارزشمند بودن شخصیت علمی مترجمان، به ویژه شخصیت مرحوم صفارزاده ادامه داد: ترجمه انگلیسی صفارزاده از قرآن از ارزش بسیاری در جهان برخوردار است، به گونه‌ای که برخی از اشعار وی را در یکی از دانشگاه‌های آمریکا به انگلیسی ترجمه و ارائه کرده‌اند. وی همچنین ترجمه عربی را در دانشگاه تدریس می‌کرد و از این نظر نیز از جایگاه ارزشمندی برخوردار بود.

استادولی بر روانی قلم مترجم قرآن تأکید کرد و ویژگی‌های زیر را برای ترجمه روان صفارزاده عنوان کرد: ترجمه وی اولین ترجمه قرآنی به دوزبان انگلیسی و فارسی توسط یک بانوی ایرانی است. همچنین اصول ترجمه به درستی در آن به کار رفته و در این ترجمه امانت‌داری حفظ شده است. همچنین اسماء الحسنی الهی در این ترجمه با آیات تطبیق دارد. وی ادامه داد: رعایت ادب الهی و ترجمه آیه به آیه در این ترجمه از دیگر خصوصیات آن به شمار می‌رود. معارف قرآن نیز در تفسیر آیات ارائه شده‌اند

و وی از خادمان قرآن سال ۸۰ شناخته شده است.

این مترجم با اظهار این که بیان ایرادها، فقط برای کمک به مترجمان است، افزود: ترجمه‌ها طی سال‌ها بارها مورد ویرایش قرار می‌گیرند و ترجمه انجام شده نباید به عنوان ترجمه پایانی در نظر گرفته شود. استادولی افزود: ترجمه فولادوند و صفارزاده، ترجمه‌ای است که برای نسل امروز انجام شده است تا نسل امروز به راحتی بتوانند آن را درک کنند. وی درباره همه ترجمه‌هایی که از قرآن کریم شده است، ادامه داد: ترجمه صرف، بدون پاورقی و توضیح، کارآیی چندانی برای خواننده ندارد؛ چرا که بیان منابع برای مردم ایران که به ندرت به سراغ آنان می‌روند، خالی از لطف است.

این ویراستار افزود: بسیاری از آیات قرآن تاریخی هستند و شان نزول آنان باید در ترجمه آورده شود. همچنین شان نزول آیات فقهی قرآن نیز باید بیان شود. استادولی در پایان گفت: مشکلات صرف و نحو و معانی بیانی از اشتباهاتی است که در ترجمه‌ها عنوان می‌شود و مترجمان ما متأسفانه به این نکات دقت نمی‌کنند. مترجمان ما باید ضعف خود را در حوزه صرف و نحو برطرف کنند.



ابوالفضل بهرامپور:

# استقبال عمومی از ترجمه صفارزاده



«ابوالفضل بهرامپور» مترجم و مفسر قرآن کریم با بیان این مطلب گفت: ترجمه مرحوم صفارزاده از قرآن پس از چاپ با استقبال خوبی از سوی مردم مواجه شد، این استقبال خود می‌تواند نشان از خوب بودن ترجمه باشد.

وی گفت: ترجمه صفارزاده از قرآن به دلیل اینکه در کنار زبان فارسی به زبان انگلیسی و عربی هم بیان شده دارای ویژگی بارزتری نسبت به ترجمه‌های دیگر است.

بهرامپور تصریح کرد: صفارزاده مترجم توانایی به ویژه در زبان انگلیسی و از لحاظ شخصیتی نیز فردی بزرگواری و فعال در عرصه‌های قرآنی بود.

این مترجم قرآن در اشاره به ویژگی‌های یک ترجمه مناسب از قرآن گفت: هر مترجم قرآن در کنار آشنایی با فن ترجمه باید مفسر هم باشد و گرنه ترجمه وی دچار اشکال خواهد شد، هم‌چنین مترجم نباید نظر تفسیری خود را در لابه‌لای ترجمه درج کند.

وی ادامه داد: ترجمه قرآن بسیار مشکل‌تراز تفسیر است و در سال‌های اخیر مترجمانی به میدان آمده‌اند که هیچ‌گونه آشنایی با تفاسیر قرآن نداشته‌اند و به این دلیل ترجمه آن‌ها با مشکلاتی همراه بوده است.

وی ایراد محتوایی را یکی از مشکلات اساسی ترجمه‌های قرآن عنوان کرد و گفت: اکثر ترجمه‌های قرآن از لحاظ محتوایی دارای ایراد است و از دقت کافی برخوردار نبوده و این موضوع باعث شده تا زیرنویس‌ها با متن قرآن یکی نباشد.

به اعتقاد او ترجمه‌هایی که از قرآن صورت گرفته، تا حدودی پاسخ‌گوی نیاز جامعه بوده است؛ اما تا شرایط مطلوب به زمان بیش‌تری نیاز داریم. بهرامپور با بیان این مطلب که مترجم در ترجمه باید از کمترین پراختها استفاده کند، گفت: در این صورت است که ترجمه از اعتبار برخوردار است.

«ابوالفضل

بهرامپور» مترجم و مفسر

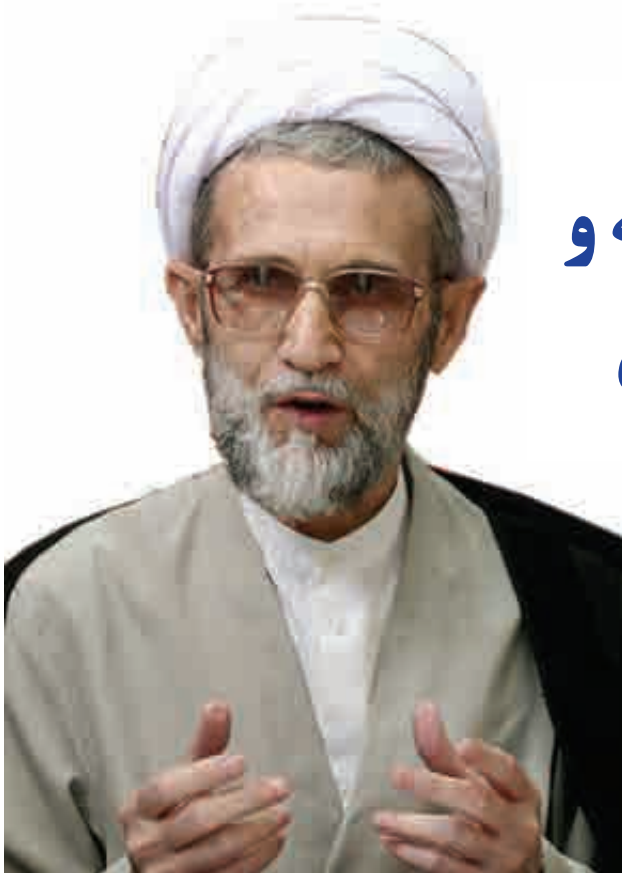
قرآن کریم، چند زبانی بودن ترجمه

قرآن صفارزاده را ویژگی مهم این

ترجمه دانست و گفت: استقبال

عموم مردم از ترجمه صفارزاده

نشانی بر خوب بودن آن است.



محمد رضا انصاری محلاتی:

## نمونه‌ای موفق در ترجمه و توصیف اسماء الحسنی

«محمد رضا انصاری محلاتی»، با بیان این مطلب که ترجمه صفارزاده با وجود اشتباهات معدود، ترجمه‌ای مناسب و موفق از قرآن است، گفت: صفارزاده در ترجمه و توصیف اسماء الحسنی موفق عمل کرده است.



حجت الاسلام والمسلمین «محمد رضا انصاری محلاتی»، نویسنده و قرآن‌پژوه، گفت: صفارزاده در ترجمه خود از قرآن شناخت و توصیف مناسبی از اسماء الحسنی ارائه کرده است، وی پیش از ترجمه کتابی با عنوان «مفاهیم بنیادی قرآن مجید» که ترجمه‌ای از اسماء الحسنی است، منتشر کرد، که در ترجمه قرآن وی بسیار موثر بود. صفارزاده معتقد بود، صفات خداوند در همه جا به یک معنا نیست، بلکه باید با توجه به تعبیراتی که قبل از آیه آمده و با توجه به مضمون آیه به توصیف و ترجمه اسماء بپردازیم، لذا وی در ترجمه خود اینگونه عمل کرد و با توجه به مضمون آیه و ارتباط آیات با یکدیگر به ترجمه اسماء الحسنی پرداخت.

مترجم «اصول کافی» گفت: ترجمه صحیح اسماء الحسنی از صفات بارز ترجمه قرآن صفارزاده است که دیگر مترجمان چندان به این نکته توجهی نداشتند.

این قرآن‌پژوه در پاسخ به انتقادات برخی از مترجمان به شیوه صفارزاده در ترجمه اسماء الحسنی گفت: شکی نیست که اسماء الحسنی در ذیل آیات با متن ارتباط دارند و نمی‌توان آن را بیگانه گرفت، پس باید این توجه را در ترجمه قرآن لحاظ کرد، البته اگر چنین نیز لحاظ نشود، ترجمه‌ای مخالف انجام نمی‌شود، ولی ممکن است، خصوصیات همراه اسماء باشد، در ترجمه یکسان در همه جا لحاظ نشود، در غیر این صورت اصل معنا، ریشه و ماده کلمه در همه جا ساری و جاری است.

این کارشناس ترجمه در مرکز ترجمه قرآن به زبان‌های خارجی، ادامه داد: ترجمه صفارزاده از قرآن به زبان فارسی، ترجمه‌ای روان با نثری معیار

است و در مواردی که ترجمه آیه نیازمند به توضیح بیشتر دارد، مترجم توضیحاتی مناسب و به جا ذکر کرده است.

انصاری محلاتی با بیان این مطلب که ترجمه صفارزاده متمایل به آزاد است، گفت: در اینگونه ترجمه‌ها، مترجم بر خلاف ترجمه تحت‌اللفظی وفاداری بسیار به متن اصلی ندارد و در ترجمه خود تا حدودی آزاد است. هم‌چنین در مقایسه ترجمه انگلیسی و فارسی باید گفت، در این دو ترجمه در مواردی اختلافاتی دیده می‌شود که این شاید ناشی از این باشد که مترجم در ترجمه انگلیسی از ترجمه‌های دیگر اقتباس کرده باشد، برای نمونه در مواردی در ترجمه فارسی تعبیر از آیه‌ای صحیح ولی در ترجمه انگلیسی معنای مفیدی از آیه برداشت نشده است، این اختلافات کم و بیش به طور کمرنگ در این ترجمه دیده می‌شود.

محلاتی در اشاره به نقاط ضعف ترجمه صفارزاده گفت: از نقاط ضعف ترجمه می‌توان به اشتباه در ترجمه برخی موارد اشاره کرد که ناشی از تشخیص ندادن درست کلمه و ساختار آن است و جالب اینکه که همان کلمه در فارسی درست ترجمه نشده و در انگلیسی درست است و یا برعکس، این حکایت از نوعی نبود هماهنگی کامل در این دو نوع ترجمه است.



## سید حسن امین: صفارزاده، حافظ جنبه‌های بلاغی قرآن



صفارزاده ترجمه‌ای تحت‌لفظی نیست، گفت: مترجم در ترجمه امین و امانتدار بوده و از الفاظی که نزدیک‌ترین شباهت را به معنای واژه اصلی دارند، استفاده کرده است، در ترجمه به ویژه ترجمه متون مقدس هیچ‌گاه ترجمه نمی‌تواند جای متن اصلی را بگیرد، با این وجود صفارزاده توانسته است ترجمه‌ای استاندارد و دارای مقبولیت رسمی ارائه کند.

وی در اشاره به برخی انتقادات مطرح شده درباره تناقضات موجود بین ترجمه فارسی و انگلیسی مرحوم صفارزاده گفت: به نظر من این انتقادات وارد نیست، به این دلیل که تعبیرات بین این دو زبان متفاوت است، آنچه در ارسال پیام مهم است این است که گیرنده چه چیزی را دریافت کند، بنابراین درباره این ترجمه نیز می‌توان گفت، تعبیراتی را که خواننده انگلیسی زبان از این ترجمه دریافت می‌کند، با دریافت خواننده متن فارسی یکسان است. اگرچه ممکن است در پاره‌ای موارد حس شود تناقضی موجود است.

وی در اشاره به ترجمه اسماء الحسنی از سوی صفارزاده گفت: اسماء الحسنی در حقیقت متنی قدسی و مقدس و تعبیراتی است که برای خداوند به کار می‌رود، ممکن است، هنگامی که به زبان امروز برگردان می‌شود، با اندکی تغییر معنایی روبرو شود، برای نمونه اگر ما «جبار» را به معنای لغوی بگیریم از اسماء الحسنی محسوب نمی‌شود. بنابراین باید به نوعی برگردان شود که مقبولیت عام داشته باشد و مورد پذیرش مخاطب قرارگیرد.

این نویسنده ادامه داد: عباراتی که در کلام الهی است، برای همه بشر در تمام ادوار آورده شده، قرآن و اسماء الحسنی نیز دارای بطون متفاوتی است و دریافت‌های متفاوتی را برای مخاطب به همراه دارد، بنابراین در این زمینه نمی‌توان چندان انتقادی به صفارزاده داشت، چراکه او برداشت خود را از اسماء الحسنی ارائه کرده است.

سید حسن امین ترجمه قرآن «طاهره صفارزاده» را از نظر ویژگی‌های ادبی ممتاز دانست و افزود: صفارزاده به دلیل اینکه مترجم، ادیب و شاعری برجسته بوده، جنبه‌های بلاغی در ترجمه قرآن او محفوظ مانده است.



«سید حسن امین»، نویسنده و پژوهشگر، با بیان این مطلب گفت: ترجمه فارسی صفارزاده از فصاحت و روانی بالایی برخوردار است، چراکه مترجم شاعری برجسته و آشنا به اصول ادبی است، به همین جهت ترجمه از نظر ویژگی‌های ادبی ممتاز بوده و جنبه‌های بلاغی و آرایه‌های ادبی قرآن در آن محفوظ مانده است.

وی ادامه داد: ترجمه قرآن صفارزاده به زبان انگلیسی نیز یکی از فصیح‌ترین ترجمه‌های موجود به این زبان است، از ویژگی‌های این ترجمه می‌توان به موارد متعددی اشاره کرد؛ نخست اینکه مترجم یک زن است، هم‌چنین وی ایرانی و شیعه مذهب است و این ویژگی‌ها در کمتر مترجم قرآنی به زبان انگلیسی دیده می‌شود.

نویسنده کتاب «ادبیات معاصر ایران» با بیان این مطلب که ترجمه



محمد رضا صفوی، مترجم قرآن:

## مخاطب‌شناسی؛

## ویژگی بارز

## صفارزاده

مرحوم «طاهره صفارزاده» در ترجمه قرآن مخاطب خود را به خوبی شناخته بود و این شناخت در ترجمه‌اش منعکس شده است.



حجت‌الاسلام و المسلمین «محمد رضا صفوی»، مترجم قرآن بر اساس تفسیر المیزان، با بیان این مطلب گفت: یکی از مسائلی که در امر ترجمه بسیار مهم است و مترجمان باید همواره به آن دقت داشته باشند، مخاطب‌فهمی است. به عبارت دیگر روانی و سلیس بودن مفهوم برای مخاطب ترجمه است. مرحوم صفارزاده مخاطب ترجمه خود را به خوبی شناخته بود و آگاهانه برای مخاطب خود قرآن را ترجمه کرده است، بنابراین مخاطبان با آن به راحتی ارتباط برقرار می‌کنند. او ادامه داد: ترجمه مرحوم صفارزاده ترجمه بسیار روان و گویایی است و مخاطبان با مفاهیم قرآنی در آن انس و الفت خوبی پیدا می‌کنند.

صفوی افزود: تنها ضعفی که این ترجمه دارد، نداشتن دقت لازم براری یک ترجمه است، البته ترجمه ایشان گرایش به ترجمه آزاد دارد و خصوصیات این نوع ترجمه در آن منعکس شده است.

این قرآن‌پژوه گفت: مرحوم صفارزاده در ادبیات نیز دستی توانا داشت و مجموعه آثار ادبی بسیاری از ایشان به یادگار مانده است.

او در پایان گفت: فقدان این مترجم و ادیب ضایعه بزرگی است و امیدوارم خداوند روح ایشان را قرین رحمت خود قرار

دهد.

# ساختار شکنی تحسین برانگیز در سبک ارائه ترجمه قرآن



اشاره به ضعف‌های موجود در ترجمه قرآن صفارزاده گفت: در ترجمه مرحوم صفارزاده از قرآن نیز برخی از مشکلات ترجمه‌های دیگر به چشم می‌خورد.

وی با بیان این مطلب که در شماره‌ای از نشریه «بینات» مقاله‌ای با موضوع «جنسیت در ترجمه صفارزاده» منتشر شده بود، که نویسنده در آن ترجمه وی را متأثر از زن بودن مترجم دانسته است، گفت: در این ترجمه جنسیت مرحوم صفارزاده اثرگذار بوده است، در صورتیکه مترجم در ترجمه قرآن باید مرد بودن یا زن بودن را فراموش کرده و اجازه دهد، الفاظ خود حرف بزنند، بنابراین خواسته‌ها و علاقه مترجم نباید در روند ترجمه تأثیرگذار باشد.

جوهری در اشاره به ویژگی‌های ترجمه قرآن گفت: مترجم باید هم با زبان مبدأ و هم با زبان مقصد آشنایی کاملی داشته باشد تا کمتر گرفتار تغییر معنا شود؛ هم چنین مترجم باید به مخاطب اعلام کند که ترجمه برداشت‌های او از متن مقدس قرآن است؛ ترجمه‌اش خالی از ریش معنا و چه بسا تغییر معنا نیست و نباید آن را مانند متن اصلی بداند، در ضمن مترجم باید برای جبران این نقص تا جایی که ممکن است از تفسیر در پاورقی، متن (داخل کروش) یا پی‌نوشت استفاده کند.

این پژوهشگر درباره وضعیت نقد ترجمه‌های قرآن افزود: در حوزه نقد ترجمه‌های قرآن به چند نکته باید توجه داشت؛ اول اینکه منتقد باید نقد خود را متناسب با اهداف و شیوه ترجمه‌ای مترجم تنظیم کند؛ برای مثال اگر منتقدی ترجمه‌ای را که بر اساس شیوه آزاد ارائه شده، بر اساس ملاک‌های ترجمه وفادار یا معنایی نقد کند، به جای خدمت به مترجم به او ظلم کرده است.

او ادامه داد: دوم اینکه لازم است نقدها تخصصی ارائه شود، مسلم است که یک نفر نمی‌تواند از همه جنبه‌ها به نقد بپردازد؛ برای مثال بعد فقهی، ادبی، زبانی، ویرایشی و دیگر موارد، متخصصان مربوط به این حوزه‌های علمی را می‌طلبد.

رئیس بخش ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم با بیان این مطلب که در سبک ارائه ترجمه قرآن (به صورت زیرنویس، مقابل، حاشیه‌ای و...) نیازمند تحول و تنوع هستیم، گفت: ساختار شکنی صفارزاده در سبک ارائه ترجمه قرآن تحسین برانگیز است.



حجت‌الاسلام والمسلمین «سید محمدحسن جوهری» با بیان این مطلب گفت: مرحوم «طاهره صفارزاده» ترجمه‌ای بسیار روان و فصیح از قرآن ارائه کرده است، هم چنین وجود نوعی ساختار شکنی در سبک عرضه ترجمه ایشان را می‌توان ویژگی دیگر این ترجمه برشمرد.

وی ادامه داد: در جامعه ذوق‌های متفاوتی وجود دارد که می‌تواند تنوع در ارائه کارهای قرآنی را رقم زند، برای نمونه ترجمه مرحوم فولادوند و صفارزاده از قرآن را می‌توان با اندک ذوق هنری در شکل‌های متنوع عرضه کرد. برای نمونه در ترجمه زیرنویس می‌توان تنوعاتی ارائه کرد، ولی متأسفانه ما در نحوه ارائه ترجمه‌ها به صورت زیرنویس، مقابل، ستونی و... چندان حرکتی نکرده‌ایم.

جوهری تصریح کرد: مرحوم صفارزاده این حرکت را انجام داده و مخاطبان بسیاری را جذب ترجمه خود کرده است. هم چنین این ترجمه در پاره‌ای موارد آزاد است و قید و بندهایی را که ترجمه‌های موجود دچار آن شده‌اند را ندارد.

صاحب‌کتاب «در سنامه ترجمه: اصول، مبانی و فرآیند ترجمه قرآن» در

# ترجمه ای مطابق فهم مخاطب



ترجمه و اضافه کردن تفسیر و توضیحی پیرامون آیه به جای ترجمه صرف یک واژه از ویژگی‌های ترجمه صفارزاده است. وی افزود: این ویژگی‌ها موجب خوش‌خوان و روان شدن این ترجمه شده است، هم‌چنین نیاز به مراجعه به دیدگاه‌های تفسیری در هنگام مطالعه آن کمتر وجود داشته است. ضمن اینکه در بحث انتخاب تفسیر به نظر می‌رسد، مترجم به تفسیر مجمع‌البیان و تفسیر المیزان توجه داشته است.

خامه‌گر با بیان این مطلب که دقت صفارزاده در ترجمه واژگان قرآنی در ترجمه‌اش منعکس شده است، گفت: ترجمه صفارزاده علاوه بر روانی و خوش‌خوانی در انتقال فهم صحیحی از آیات نیز موفق است.

وی افزود: در ترجمه آزاد، مترجم تابع متن نیست و تابع فهم مخاطب است، بنابراین در پاره‌ای از موارد اگر بداند ترجمه عبارتی به فهم مخاطب لطمه وارد می‌کند، آن عبارت را ترجمه نمی‌کند. این ویژگی در ترجمه صفارزاده نیز وجود دارد و مشخص است، که مترجم مبنای نظری برای این کار داشته و آن را در ترجمه خود لحاظ کرده است.

«محمد خامه‌گر» با بیان این مطلب که ترجمه قرآن صفارزاده ترجمه‌ای تفسیری و آزاد است، گفت: مرحوم صفارزاده در ترجمه قرآن تابع متن نبوده، بلکه به فهم مخاطب اهمیت داده و این ترجمه مطابق فهم مخاطب است.



«محمد خامه‌گر»، نویسنده و پژوهشگر قرآنی، گفت: ما در تاریخ ترجمه معاصر قرآن (از سال ۱۳۲۰ تا کنون) که توجه به ترجمه‌های تفسیری افزایش داشته با دو موج ترجمه‌نویسی قرآن روبرو بودیم؛ دوره نخست در دهه چهل و با ترجمه‌های عمادزاده و مرحوم فیض‌الاسلام و... مشخص می‌شود و دوره دوم اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد با ترجمه مرحوم صفارزاده، صفوی، خرمشاهی و... مشخص می‌شود.

وی ادامه داد: در دوره دوم توجه به مباحث تفسیری و افزوده شدن تفسیر و توضیح به ترجمه نمود بیشتری دارد.

خامه‌گر با بیان این مطلب که ترجمه تفسیری صفارزاده در این دوره چند ویژگی عمده دارد، گفت: گرایش به ترجمه همراه با دخالت دادن عنصر تفسیر به صورت پرانتزها و گروه‌ها، وارد شدن تفسیر در متن





## مطرح شدن قرآن در جهان؛ پس از انقلاب اسلامی

این امر مهم بیان کرده و گفته است «کوتاهی در رساندن آخرین پیام الهی از سوی ما مسلمانان، برعهده گرفتن خطای ناآگاهان است». پس معتقدان به خداوند باید ترجمه‌های سلیس و مطبوع به هر زبانی که آشنایی دارند فراهم آورند.

ایشان مقدمه ترجمه خود را به بیان فضایل کلام‌الله، بویژه جهانی بودن آن و مباحثی چون ضرورت شناساندن قرآن و دقت در ارائه ترجمه‌های صحیح به زبان‌های مختلف و نقدی بر ترجمه‌های موجود اختصاص داده‌اند و در بخشی از آن به ذکر ویژگی‌های ترجمه مورد نظر، انگیزه، روش و نحوه کار پرداخته و از تفسیرهایی که سی سال مشتاقانه مطالعه کرده و از آنها بهره برده، نام برده‌اند.

«حکیمه دبیران» پژوهشگر و استاد دانشگاه تربیت معلم در مقاله‌ای که به صورت اختصاصی در اختیار نشریه رایحه قرار گرفته، دیدگاه‌های خود را درباره ترجمه قرآن و شعر مرحوم صفارزاده بیان کرده است و در این مقاله معتقد است کتاب آسمانی اسلام در عصر ما، پس از انقلاب اسلامی خواه ناخواه در جهان مطرح شده است.



دبیران در این مقاله می‌نویسد: «شادروان خانم دکتر طاهره صفارزاده انگیزه خود را از نگارش ترجمه تفسیرگونه یا مفهومی قرآن به زبان فارسی و انگلیسی، به طور مستقل بیان نکرده است، بلکه با انتقاد از ترجمه‌های موجود به زبان انگلیسی، ضرورت توجه بیشتر دانشمندان مسلمان را به

با ظهور امام زمان علیه السلام باذن الله».

این تحلیل خانم دکتر صفارزاده که حاکی از شناخت عمیق انقلاب اسلامی است، مؤید نظر استادانی است که درباره تحول شعر و شاعری وی پس از انقلاب سخن گفته‌اند. از بین چند نکته که ایشان با عنوان توضیح ضروری این ترجمه نوشته‌اند، یکی از موارد، شیوه‌ای ویژه است که به طور اختصار در مقدمه و به طور مفصّل در پاورقی ترجمه سوره مبارکه حمد بیان کرده‌اند. ایشان معتقد است برای جایگزینی ترجمه‌ی فارسی و انگلیسی «اسماء الحُسنى» یا نام‌های فوق نیکوی خداوند علاوه بر توجه دقیق به مفهوم آن نام، به زمینه و موضوع هر آیه‌ای که اسماء خداوند در آن آمده است باید توجه کرد. یکی از این موارد ترجمه‌ی واژه‌ی «رب» است که ایشان ترکیب «آفریدگار- پروردگار» را

مناسب می‌داند و همچنین ترکیب «نعمت بخشنده» را برای «رحمان» پیشنهاد نموده و آن را بهتر از «بخشنده» که معمولاً در ترجمه‌ها آورده شده است، برمی‌شمارد.

در مورد تذکر ایشان برای ترجمه نام‌های پروردگار با توجه به موضوع هر آیه می‌توان به نام «واسع» اشاره کرد که ایشان می‌فرماید: معادل نام واسع، در

پایان آیه‌ای که مربوط به وسعت مالکیت الهی در زمین است «مَلِكٌ كَسْتَرُ» و در آیه‌ای که مربوط به افزونی مال انفاق‌کنندگان در راه خداست «نعمت گستر» مناسب است.

این مترجم بزرگوار ضمن ترجمه آیات در متن، بعضی توضیحات مختصر را داخل قلاب یعنی نشانه‌ی [ ] و گاهی بدون این نشانه آورده است. در پاورقی بعضی از صفحه‌ها نیز توضیحات ضروری از یک کلمه تا یک یا چند عبارت مشاهده می‌شود که شامل معنی واژه یا اشاره به شأن نزول آیه یا ذکر نکته‌های فقهی است. گاهی نام منبع و مأخذ را هم ذکر کرده است.

در خاتمه باید اذعان داشت تربیت صحیح خانوادگی، مطالعه و تلاش مستمر خود ایشان و از همه مهمتر توفیق الهی موجب فراهم آمدن این اثر گرانبها شده است که زادراهی برای سفر ملکوتی این خادم قرآن خواهد بود.

خانم دکتر صفارزاده در این مقدمه ایمان و باور قلبی خود را به کلام الله به صراحت اعلام کرده است. وی در مورد الهی بودن قرآن به طور مطلق و عدم اظهار نظر شخصی رسول گرامی اسلام (ص)، در آنچه به او وحی شده، با استناد به آیات قرآن و ذکر شواهدی از انجیل در این گفتار سخن گفته است، بدین ترتیب که ابتدا با تمسک به آیه‌ی شریفه ۶۷ سوره ص «قل هو نبوا عظیم» و آیه‌ی ۸۷ همین سوره «ان هو الا ذکر للعالمین» سخن را چنین آغاز می‌کند:

«خداوند رحمت گستر، آموزش قرآن مجید را برای هدایت انسان امری جهانی مقدّر و اعلام فرموده است، البتّه بعد از شناختن و آگاه شدن از حقّ اختیار و انتخاب از حقوق مسلم انسان هاست و این امری الهی است». ایشان ضمن اینکه خبر واقعه

مبارک ظهور حضرت محمد(ص) توسط

حضرت مسیح (ع) را از بزرگترین معجزات

الهی برشمرده، به دو عبارت از انجیل

استناد کرده است که حاکی از

خاتمیت آن حضرت (ص) است و

به عدم ابراز نظر ایشان در آنچه به او

وحی می‌شود اشاره شده است.

این دقت نظر و تحلیل قابل توجه

شادروان صفارزاده جوابگوی

بسیاری از شبهاتی است که برای

بعضی به اصطلاح روشنفکران پیش آمده است. نظر به اهمیتی که

این بانوی بزرگوار برای مسأله جهانی بودن قرآن قائل بوده است،

پس از ترجمه آیات مورد نظر، در پاورقی همان صفحه توضیح

عالمانه و عارفانه‌ای می‌افزاید که گویی تحقق مفهوم و پیام این آیات

را با چشم دل و به دیده بصیرت مشاهده کرده است: «خبر عظیم

چنانکه در آیات ۸۷ و ۸۸ تأیید فرموده شد، مربوط به جهانی بودن

قرآن مجید است - در این قرآن پند و حکمتی هست برای تمام

اهل جهان و این خبر را بعد از زمانی در آینده خواهی شنید - (ان هو

إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ، ۸۷ وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ، ۸۸) و ما امروز

شاهد آنیم که این پیشگویی الهی روز بروز رو به تحقق است و

موضوع قرآن، کتاب آسمانی اسلام در عصر ما، پس از انقلاب

اسلامی خواه ناخواه در جهان مطرح شده است و آنان که توفیق

دارند می‌گروند و البتّه مقدمه‌ای است بر شکوه فراگیری دین مبین



این دقت نظر و تحلیل قابل توجه شادروان صفارزاده  
جوابگوی بسیاری از شبهاتی است که برای بعضی به  
اصطلاح روشنفکران پیش آمده است

# صفارزاده را باید عارف شناخت



الهی را در جهان هستی به خوبی نشان داده است.

برهانی تصریح کرد: گاهی نویسندگان و مترجم در ترجمه خود سعی می‌کنند، کلمه به کلمه قرآن و عین معنای واژگان را منتقل کنند، بدون اینکه به روانی و خوش خوانی متن توجه کنند، اما در ترجمه صفارزاده در عین حال که مفهوم به هم نخورده، جمله‌بندی و روان بودن مطلب به گونه‌ای زیبا حفظ شده است.

این مولوی پژوه به بیان این مطلب که تواضع و افتادگی موجود در مرحوم صفارزاده ویژگی شاخص این شخصیت است، گفت: این تواضع در آثار مرحوم صفارزاده به ویژه ترجمه قرآن وی نیز آشکار است.

وی در پاسخ به برخی انتقادات مطرح شده درباره ارائه نشدن نظریاتی که مرحوم صفارزاده در کتاب «ترجمه‌های بنیادی قرآن کریم» در ترجمه قرآن حکیم تصریح کرد: این انتقاد مخالفان و موافقانی دارد، در پاسخ باید گفت، گاهی مترجم مطلبی را برای طبقه عام می‌نویسد و مورد نظرش تمامی اقشار جامعه هستند، اما گاهی نیز کار تخصصی تر می‌شود و افرادی خاص تر مخاطب آن می‌شوند، صفارزاده نیز در کتاب «مبانی بنیادی

ترجمه‌های قرآن» مخاطب خاص را مد نظر قرار داده است، اما در ترجمه قرآن حکیم را برای مخاطب عام نگاشته است، بنابراین طبیعی است که برخی از نظریه‌های به کار رفته در کتاب را در ترجمه دخالت ندهد.

برهانی در اشاره به ترجمه اسماء الحسنی در قرآن حکیم گفت: طاهره صفارزاده را باید نوعی عارف نیز شناخت، حتی ممکن است وی مراحل سیر و سلوک را نیز طی کرده باشد. چون در بحث ترجمه اسماء الحسنی

مباحثی را مطرح می‌کند که در دایره عرفان بیان شده و حتماً نتیجه مطالعات عرفانی مترجم بوده است.

«محمد برهانی» با تأکید بر روان و موفق بودن ترجمه قرآن صفارزاده در انتقال صحیح معانی به مخاطب گفت: طاهره صفارزاده را باید نوعی عارف نیز شناخت، حتی ممکن است وی مراحل سیر و سلوک را نیز طی کرده باشد.



«محمد برهانی» نویسنده و قرآن پژوه با بیان این مطلب گفت: «طاهره صفارزاده» بانوی فرهیخته و اندیشمند است که علاوه بر اطلاعات و معلومات جامعی که داشت، خلاقیت ذهنی و نبوغ اندیشه را نیز در معلومات خود گنجانده بود.

وی ادامه داد: صفارزاده به زبان انگلیسی و فارسی آشنایی کامل داشت،

بنابراین در ترجمه قرآن به این دوزبان، قلم روان و سلیسی به کار برده است، هم چنین وی در لابه‌لای ترجمه خود حاکمیت خداوند و قدرت لایزال



این دقت نظر و تحلیل قابل توجه شادروان صفارزاده  
جوابگوی بسیاری از شبهاتی است که برای بعضی به  
اصطلاح روشن‌فکران پیش آمده است



## مترجمی که از عهده ترجمه قرآن به خوبی برآمد



اسلامی گفت: ترجمه مرحوم صفارزاده در در مقایسه با برخی ترجمه‌های دیگر به خوبی توانسته است مفهوم را بیان کند، ترجمه قرآن چه به نثر باشد، یا شعر، چه به زبان فارسی، عربی یا انگلیسی کار بسیار ظریف و سنگینی است و هیچ‌کس نمی‌تواند به تمامی از عهده آن برآید. اگر کسی بتواند از عهده انتقال مناسب آن برآید خدمتی به جامعه اسلامی کرده است و «طاهره صفارزاده» که ترجمه‌اش به فارسی و انگلیسی است، مترجمی است توانسته از عهده دشواری ترجمه به خوبی برآید.

وی در پایان گفت: روند ترجمه صفارزاده از آغاز تا پایان به خوبی انجام شد و در مجموع ترجمه‌ای نسبتاً موفق از قرآن است.

یادآوری می‌شود، «عباس دوزدوزانی» (زاده ۱۳۲۱ تبریز) اولین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین نماینده مجلس شورای اسلامی در دوره‌های اول، دوم و سوم پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود. وی همچنین از پایه‌گذاران و اولین فرمانده رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که به تازگی ترجمه منظومی از قرآن ارائه کرده است..

«عباس دوزدوزانی»، مترجم منظوم قرآن، معتقد است که ترجمه قرآن دشواری‌ها و ظرافت‌های ویژه‌ای در انتقال مفهوم دارد که صفارزاده به خوبی توانسته است از عهده این دشواری‌ها برآید.



«عباس دوزدوزانی»، مترجم منظوم قرآن، با بیان این مطلب گفت: پس از انقلاب ترجمه‌های بسیاری از قرآن به نظم و نثر ارائه شده است، اما چندان در این حوزه موفق نبوده‌ایم، چراکه مترجمان در ترجمه باید به متن وحی کلام الهی بسیار توجه داشته باشند، وقتی ما قرآن را ترجمه می‌کنیم، باید به چارچوب ترجمه، ادبیات و افق قرآنی توجه بسیار داشته باشیم.

وی ادامه داد: مرحوم «طاهره صفارزاده» از مترجمان بنام، یکی از بهترین ترجمه‌های قرآن را ارائه داده است، این ترجمه از زبانی روان و خوشخوان برخوردار و ویژگی‌های ادبی در آن رعایت شده است.

نخستین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پس از پیروزی انقلاب

# یادداشتی از سید علی محمد رفیعی پیوند جنبه های دینی و زبان شناختی در ترجمه دو زبانه قرآن صفارزاده



مقاله زیر از «سید علی محمد رفیعی» نویسنده و محقق، همزمان با انتشار ترجمه طاهره صفارزاده از قرآن کریم به زبان انگلیسی سال ۱۳۸۰ با هدف معرفی و تشریح فعالیت صفارزاده در هفته نامه «کتاب هفته» به چاپ رسیده است.

زبان فارسی و نه به زبان انگلیسی ترجمه قرآن را به پایان نبرده است. باز چند اتفاق بزرگ خواهیم داشت. حتی اگر ندانیم که این ترجمه برای خود حرفه‌هایی تازه دارد و ترجمه‌های دیگر قرآن را به چالش می‌طلبد و حتی اگر بخواهیم افتخار کنیم که مترجم یک ایرانی است. دکتر طاهره صفارزاده را تاکنون با ادبیات مذهبی و با سروده‌هایش می‌شناختیم و با تبحرش در زبان انگلیسی و ترجمه و ویرایش آن، با برنامه ریزی کتابهای زبان تخصصی رشته‌های علوم انسانی دانشگاهها و با سالها سابقه تدریس ترجمه و نقد عملی آن. اما اینک جنبه‌های دینی، ادبی و زبانشناختی او در ترجمه دوزبانه قرآن کریم – به فارسی

مقاله زیر از «سید علی محمد رفیعی» نویسنده و محقق، همزمان با انتشار ترجمه طاهره صفارزاده از قرآن کریم به زبان انگلیسی سال ۱۳۸۰ با هدف معرفی و تشریح فعالیت صفارزاده در هفته نامه «کتاب هفته» به چاپ رسیده است.



متن این مقاله به شرح زیر است:

ترجمه قرآن یک اتفاق است. اگر به زبان فارسی باشد یک اتفاق برای فارسی زبانان است و اگر به زبان انگلیسی باشد، یک اتفاق جهانی است. اگر مترجم زن باشد و بدانیم که تاکنون هیچ زنی نه به

انگلیسی - با یکدیگر پیوند یافته است.

در بخش فارسی، ترجمه‌ای روان با نثری غیر مقید به فارسی سره نویسی می‌بینیم که در آن، از تعقید کلمی اثری نمی‌بینیم و خواندن متن آن به همان اندازه برای فارسی زبانان آسان است که خواندن یک کتاب عادی یا یک روزنامه. در عین حال، حس می‌کنیم که مترجم این وسواس را داشته است که مفاهیم کلیدی و بنیادی و اصطلاحات را با دقت ترجمه کند و صورتهای نو از ترجمه آنها در اختیار اهل فن و مردم عادی قرار دهد و هر جا لازم می‌بیند در داخل قلاب یا در پانویشت، توضیحات تکمیلی پیش روی خواننده بگذارد.

سال پیش طاهره صفارزاده کتابی را منتشر کرد که به نام «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآنی مجید (فارسی - انگلیسی)» در این کتاب مولف این نظریه را ارائه می‌کند که هر واژه در متن است که معنی می‌دهد. بنابراین اسماء الهی که در انتهاب بسیاری آیات می‌آیند و دیگر مفاهیم بنیادی قرآن مجید باید در ارتباط با آیه معنی شوند تا مفهوم و جایگاه اصلی خود را در ترجمه بیابند.

بنابراین درست نیست که مثلا رحمن، رحیم، حکیم، عزیز،

علیم، قدیر، مقتدر، قوی، حمید، سمیع، بصیر، واسع،

غفور، تواب، غنی، لطیف، خیر و از این دست

را که در پایان آیات به تنهایی یا ب همراه

یکدیگر می‌آیند، همواره به یک

صورت معنی کنیم بلکه باید معنی

به گونه‌ای باشد که با موضوع

مطرح شده در آیه در همخوانی و

تأیید قرار گیرد. کلماتی مانند

آیات، مبین، سلطان مابین

ایدیهم، فضلف اختلاف، کفر،

کلمه، اجر و از این قبیل نیز باید

به همین گونه معنی شوند.

طاهره صفارزاده درباره میزان روانی و دقت این ترجمه

و سطح ارتباط آن با خوانندگان پاسخ می‌دهد: با

آن که هنوز این ترجمه در سطح وسیع

پخش نشده است اما در همین سطح

محدود و از تماسها و پاسخ

پرسشهایی در این باره دریافته‌ام که

کاری موفق بوده است و اغلب

تماس گیرندگان و پاسخ گویندگان

اظهار می‌دارند که برای اولین بار

است که معنی قرآن را می‌فهمند.

بخش انگلیسی، ترجمه بخش

فارسی است با همان ویژگی‌ها

مترجم بران بوده است که ترجمه‌ای روان در دسترس آشنایان با زبان

انگلیسی قرار دهد و در آن خود را از به کارگیری واژه‌های غیر مانوس

فضل فروشانه یا دارای بار کهن بر کنار نگه دارد. در این ترجمه

همچون بخش فارسی، معادلهایی نو گاه با دو یا چند واژه برای

مفاهیم بنیادی قرآن کریم می‌بینیم.

ترجمه فارسی و انگلیسی طاهره صفارزاده از قرآن حکیم، ممکن

است همچون ترجمه‌های فارسی یا انگلیسی پیش از خود برای از

خطا یا سهو نباشد اما بیگمان یافتن لغزشگاههای آن یا ارائه

پیشنهادهایی برای ارتقا و بهبود آن متسلسل بررسهایی عمیق در

مفاهیم قرآنی و معادلایی آنها در فارسی و انگلیسی است.

نتیجه هرچه باشد و به هر مقدار که بتوان ضریب خطایی برای

این ترجمه در نظر گرفت، این حقیقت را نمی‌توان پوشید که

ترجمه طاهره صفارزاده از قرآن حکیم در ذات خود یک رخداد

چشمگیر و بحث انگیز در ایران و در جهان اسلام است.

در این مجموعه از قرآن و ترجمه فارسی و انگلیسی، هر آیه به طور مجزا از آیه دیگر با خط عثمان طه آمده و در زیر آن ترجمه فارسی در سمت راست و ترجمه انگلیسی در سمت چپ جای گرفته است

در این کتاب با ذکر آیاتی نمونه، شواهدی از ترجمه‌های دیگران

به فارسی و انگلیسی نقل و کاستی آنها نشان داده شده و مولف سپس

ترجمه درست فارسی و پس از آن برگردان انگلیسی را پیشنهاد کرده

است.

طاهره صفارزاده درباره میزان صحت این روش می‌گوید: سالها

در درسهای خود تأکید می‌کردم که واژه در متن است که معنی

می‌دهد. خوشحالم که اخیرا در اخبار علام شد که دانشمندان

خارجی به همین نتیجه رسیده‌اند.

با همین دیدگاه «قرآن حکیم» به ترجمه فارسی و انگلیسی

طاهره صفارزاده منتشر شده و پخش است.

در این مجموعه از قرآن و ترجمه فارسی و انگلیسی، هر آیه به

طور مجزا از آیه دیگر با خط عثمان طه آمده و در زیر آن ترجمه

فارسی در سمت راست و ترجمه انگلیسی در سمت چپ جای

گرفته است.



# ترجمه قرآن «صفارزاده»؛ زیبا و شاعرانه

صفارزاده، شاعر و ادیب برجسته‌ای بود و ترجمه ایشان ادیبانه و در برخی موارد زیبا و شاعرانه است. بسیار زیاد آمده، این نکته هم در ترجمه انگلیسی و هم در ترجمه فارسی ایشان تأثیر زیادی گذاشته است.

علیزاده درباره دیگر ایرادات ترجمه قرآن طاهره صفارزاده گفت: گاهی ترجمه قرآن صفارزاده، معانی نادرستی از این اسما را ارائه داده و از حالت متعارف خارج شده‌اند، برای مثال «رحیم» را «رحم‌گستر» ترجمه کرده‌اند که بیشتر معنای کلمه «رحمان» است تا کلمه «رحیم».

این کارشناس ترجمه‌های قرآن تصریح کرد: البته در باره «اسماء الحسنی» ایشان معتقدند که ترجمه‌های دیگر نارساست و چون

ترجمه رسای این اسما را کلیدی می‌دانند، در کتابی با نام «مفاهیم بنیادین در ترجمه قرآن» مطالب را درباره ترجمه این اسم‌ها اختصاص داده‌اند. او ویژگی‌های این ترجمه را چنین برشمرد: با توجه به اینکه صفارزاده، شاعر و ادیب برجسته‌ای

پژوهشگر و ویراستار ترجمه‌های قرآن، با بیان این مطلب گفت: ترجمه فارسی صفارزاده نوعی ترجمه تفسیری است؛ به عبارتی همراه با توضیحاتی بوده که این توضیحات در خود متن ترجمه آمده است؛ البته گاهی هم در

کروشه و پاورقی این توضیحات را جای داده‌اند؛ ترجمه تفسیری در برخی موارد نوعی حسن به حساب می‌آید، اما استفاده زیاد از تفسیر در برخی موارد این ترجمه از قرآن را دچار ضعف کرده است.

او ادامه داد: صفارزاده دیدگاه‌های نسبتاً متفاوتی درباره ترجمه قرآن با دیگر مترجمان دارد، به ویژه در ترجمه «اسماء‌الله» و «اسماء‌الحسنی»، که در قرآن

صفارزاده دیدگاه‌های نسبتاً متفاوتی درباره ترجمه قرآن با دیگر مترجمان دارد، به ویژه در ترجمه «اسماء‌الله» و «اسماء‌الحسنی»، که در قرآن بسیار زیاد آمده

بود و ترجمه ایشان ادیبانه و در برخی موارد زیبا و شاعرانه است. هم‌چنین تسلط بسیار صفارزاده به زبان و ادبیات فارسی از نقاط قوت این ترجمه بوده که به خوبی منعکس شده است.

علیزاده در پایان ضمن اشاره به ویژگی‌های شعر صفارزاده گفت: تأثیر مثبت قرآن، حدیث و فرهنگ دینی در شعر صفارزاده، به‌ویژه در دهه ۶۰ تا ۸۰ بسیار مشهود است؛ شعر صفارزاده از شعرهای خوب و انقلابی معاصر و نشان‌دهنده انس و الفت شاعر با مفاهیم دینی است و اگر به پاورقی برخی از دفاتر شعری او مراجعه کنیم، کلمات خاص قرآنی و توضیحات مفاهیم قرآنی را خواهیم دید.

# ترجمه صفارزاده نشان‌گر اعجاز ادبی وحی است



عضو هیأت علمی مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما در قم گفت: ترجمه صفارزاده ترجمه‌ای نسبتاً موفق از قرآن است و نشان‌گر تلاش مترجم برای بیان اعجازهای ادبی کلام وحی است.



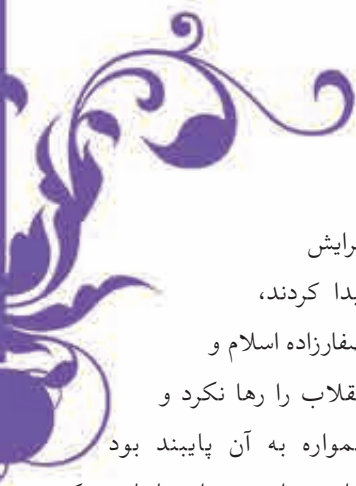
«سیدصادق سیدنژاد»، عضو هیأت علمی مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما در قم، با بیان این مطلب که باور و اعتقادات درونی صفارزاده موجب ریشه‌دارتر شدن مطالعات قرآنی وی شد، گفت: وی در ترجمه قرآن خود نیز در مقابل همه مخالفان ایستاد و بر اساس باور و اعتقادات درونی خود توانست فرهنگ اسلامی را از طرق ترجمه قرآن و متون نظم و نثر دیگر به جامعه ارائه کند.

سیدنژاد در اشاره به دیگر ویژگی‌های ترجمه صفارزاده گفت: هر ترجمه برای خود ویژگی خاصی دارد، چون صفارزاده خود ادیبی برجسته بود، ادبیات در ترجمه‌اش بسیار تأثیرگذار بود و ترجمه‌اش دارای لطافتی است که از روح وی سرچشمه گرفته است در کنار آن دقت به نکات خاص ترجمه‌ای و توجه به تخصصی که در ترجمه داشت موجب شد، ترجمه وی دارای ایرادات اندک و نقاط قوت بسیار باشد.

وی ادامه داد: یکی از اعجازهای قرآن، اعجاز بیانی است؛ بنابراین وی نیز چون ادیبی برجسته بود، تلاش کرد، ترجمه‌اش از این نظر برجسته باشد. پس رعایت اصول ترجمه، نکات ادبی و آرایه‌های ادبی از ویژگی این ترجمه است.

این پژوهشگر در اشاره به فعالیت‌های ادبی صفارزاده تصریح کرد: «طاهره صفارزاده» از نسل بعد از نیما بود که در عین حال که با شعر نو شروع کرد، اما فرهنگ اسلامی را فراموش نکرد، وی بهترین شعرهای اسلامی را به عرصه ظهور رساند و مضامین قرآنی را به زیبایی در شعر سپید گنجانده.

وی ادامه داد: اگر عده‌ای از شاعران نوپرداز به جریان‌های انحرافی



گرایش

پیدا کردند،

صفارزاده اسلام و

انقلاب را رها نکرد و

همواره به آن پایبند بود

شاید بتوان وی را تنها بانویی که

در شعر انقلاب نقش به‌سزایی داشت،

دانست.

کارشناس بخش پژوهش در هفدهمین نمایشگاه

بین‌المللی قرآن کریم با بیان این مطلب که صفارزاده شعر نو

را به عنوان یک تحول پذیرفت، اما محتواهای ارزشی را با آن همراه

کرد، گفت: هم ارزش‌های اسلامی و هم ارزش‌های اجتماعی در زبان

شعری صفارزاده به شکل هنرمندانه و در قالب‌های نوآورانه‌ای ارائه شده

است، بنابراین می‌توان گفت، وی در شعر سپید تحول عجیبی را رقم زده

است.

سیدنژاد گفت: صفارزاده هم‌چنین پس از شعر سپید به سراغ ترجمه

قرآن رفت و در این زمینه نیز حضوری درخشان داشت.



# پشتوانه غنی علمی در ترجمه صفارزاده

رویین تن افزود: مترجمان و مفسران باید سعی در برطرف کردن فاصله و مهجوریتی که در عصر جدید با قرآن داریم داشته باشند. «طاهره صفارزاده» بر روی ترجمه خود وقت و توان زیادی گذاشته است، اما ترجمه فارسی وی، ترجمه ممتازی نسبت به دیگر ترجمه‌های رایج نیست، ایشان در جهت سلیس بودن و روان بودن و استفاده از ظرایف ادبی دقت خوبی به خرج داده‌اند، ترجمه‌ایشان صرفاً یک ترجمه مکانیکی نیست، بلکه خلاقیت‌های یک فارسی‌زبان و یک ادیب در آن به چشم می‌خورد.

ویراستار کتاب «اخلاق در قرآن» افزود: شاید اگر بنا باشد قرآن را شعرگونه ترجمه کنیم، ترجمه ایشان با رعایت نکات تفسیری در این زمینه ترجمه شایان توجهی باشد.

رویین تن نبود رعایت ارتباط بین آیات را مهم‌ترین نقص وارده به ترجمه صفارزاده دانست و گفت: مفهومی که از ترجمه صفارزاده به مخاطب القا می‌شود، چندان مفهوم متفاوتی از ترجمه‌های دیگر نیست و اشکال وارده به سایر ترجمه‌ها که رعایت نشدن ارتباط بین آیات است در ترجمه صفارزاده هم مصداق می‌یابد.

این قرآن‌پژوه تصریح کرد: در مقایسه با ترجمه‌های ادبی هم ترجمه صفارزاده ممتاز نیست و ترجمه‌ها ادبی بهتری قبل از آن تولید شده‌است، البته صفارزاده در ترجمه انگلیسی خلاقیت‌های جالبی از خود نشان داده است، برای مثال در ترجمه واژه «رب» ایشان خلاقیت جالب توجهی داشته‌اند.

او در ادامه ضمن بیان کردن این مطلب که قرآن ماهیتی غیرلفظی و غیرواژگانی دارد، گفت: قرآن یک ماهیت غیر لفظی و غیر واژگانی دارد، بنابراین در ترجمه این کتاب به هر زبانی غیر از زبان قرآن با مشکلاتی همراه خواهیم بود. در قرآن ابتدا باید تدبر شود و هر فعالیتی که کمکی به تدبر در قرآن کند، فعالیت مقدسی است.

او ادامه داد: در طول تاریخ، علمای عرب و فارس زبان ادبیات عرب را تدوین کرده و قواعد را در کنار هم چیده‌اند، کتاب‌های قواعدی که در این زمینه نوشته شده، مؤید این مطلب است، این کتاب‌ها به فواید زبان عرب با نگاه به قرآن پرداخته‌اند.

ترجمه  
طاهره صفارزاده  
ترجمه صادقانه‌ای است  
که پشتوانه علمی و جدی‌ای را  
پشت این کار می‌توان دید.

«سیدعلیرضا رویین تن» پژوهشگر قرآنی، با بیان این مطلب گفت: اگر ترجمه «طاهره صفارزاده» را با این شاخص که فهم یک غیر عرب‌زبان را با حداقل سرمایه‌گذاری زمانی از او به قرآن نزدیک کند، بررسی کنیم، ترجمه‌ای است در کنار دیگر ترجمه‌های قرآن؛ به عبارتی امتیاز و برتری خاصی از این حیث ندارد.

او ادامه داد: اگر قرار باشد ترجمه‌های ما فرضاً چند اشکال از مترجمان قبلی را که عمدتاً اشکال سلیقه‌ای‌اند، برطرف کرده و بعد تحت عنوان ترجمه‌ای جدید ارائه کنند، یا با مطالعه و جمع‌بندی تفسیرها و ترجمه‌های مختلفی که در بازار موجود است، مانند تفسیر «المیزان» و «نمونه»، ترجمه دیگری ارائه کنیم، راه به جایی نبرده و ترجمه جدیدی ارائه نداده‌ایم.





«اعظم السادات طلایی زواره»، نویسنده و پژوهشگر، یادداشتی بر فعالیت‌های علمی، ادبی و قرآنی مرحوم «طاهره صفارزاده» نوشته و این یادداشت را به صورت اختصاصی در اختیار نشریه رایحه قرار داده است.

«طلایی زواره‌ای» در این یادداشت می‌نویسد: «زنده‌یاد خانم دکتر طاهره صفارزاده از خادمین قرآن کریم که عمری را در راه تعلیم و تعلم سپری نمود در سال ۱۳۱۵ در خانواده‌ای متوسط با پیشینه عرفانی در سیرجان چشم به جهان گشود. این بانوی پارسا اولین روزهای علم‌آموزی خود را در مکتب محل با تجوید و روخوانی قرآن شروع کرد و بعد از سپری نمودن دوران دبیرستان این محقق برجسته موفق به اخذ لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه تهران شد. مدتی به عنوان مترجم متون فنی در شرکت نفت کار کرد و به دنبال سخنرانی در اردوی تابستانی برای فرزندان کارگران مجبور به ترک کار شد و برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت و در دانشگاه آیوا در گروه نویسندگان بین‌المللی پذیرفته شد و درجه MFA دریافت نمود. این درجه به هنرمندان و نویسندگانی که قصد تدریس در دانشگاه را داشتند، اعطا می‌شد که عمده کار آنان نقد تئوری و عملی و انجام پروژه‌های ادبی بود.

دکتر صفارزاده پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۴۹ علی‌رغم مشکلاتی که برای استخدامش به علت فعالیت‌های سیاسی در آمریکا پیش آمده بود - به علت نبود استاد ترجمه - به استخدام دانشگاه ملی (شهید بهشتی فعلی) درآمد و به تدریس نقد علمی ترجمه پرداخت. وی پایه‌گذار آموزش ترجمه به عنوان یک علم و برگزارکننده نخستین نقد علمی ترجمه در دانشگاهها بود، در واقع کتاب «اصول و مبانی ترجمه» اثر این زن فرهیخته به عنوان کتاب درسی سرآغاز نظام تدریس نقد ترجمه در رشته زبان و ادبیات خارجی در دانشگاه‌های کشور شد. این معلم دانشگاه در سال ۱۳۵۵ به اتهام نوشتن شعر مقاومت دینی از دانشگاه اخراج و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی همکارانش به عنوان رئیس دانشگاه شهید بهشتی و رئیس دانشکده ادبیات این دانشگاه انتخاب شد.

کتاب «اصول و مبانی ترجمه» سرآغاز نظام تدریس نقد ترجمه در رشته زبان و ادبیات خارجی

از دیگر فعالیت‌های علمی این بانوی سخت‌کوش و فهیم، همکاری با استاد انقلاب فرهنگی جهت برنامه‌ریزی زبان‌های خارجی دانشگاهی و تغییر در برنامه آموزشی آنهاست. آشنایی ۴۰ ساله با زبان انگلیسی از تحصیل دانشگاهی تا تدریس دانشگاهی در این رشته، ۱۹ سال تدریس نقد علمی ترجمه در دانشگاه‌ها و ۱۲ سال ویراستاری کتاب‌های علمی به زبان انگلیسی از دیگر برگ‌های زرین کارنامه علمی ایشان است.

این نویسنده بزرگ در به ثمر رساندن کتاب‌های زبان تخصصی برای رشته‌های مختلف دانشگاهی از طرح تا ویراستاری تلاش‌های فراوانی داشته، در این راستا پیشنهاد می‌کند، درسی با عنوان «بررسی ترجمه‌های متون اسلامی» در برنامه درسی رشته‌های مختلف زبان‌های خارجی گنجانده شود و در

## آن راه

### یادداشتی بر فعالیت‌های ادبی



نتیجه خود بیشتر در مسیر تطبیق متون اسلامی با ترجمه‌های انگلیسی و به ویژه ترجمه قرآن کریم قرار می‌گیرد و طی چند سال تلاش تمام‌وقت و مداوم کار بزرگ ترجمه قرآن حکیم به دو زبان فارسی و انگلیسی متفاوت از ترجمه‌های موجود را به اتمام می‌رساند. هم‌چنین مبادرت به ترجمه نهج‌البلاغه امیر مومنان علی (ع) می‌کند که با پرواز به سوی معبود خویش کار ناتمام ماند.

دکتر صفارزاده از شعرای توانمند و پرکار نیز به شمار می‌رفت. اولین شعر خود را در ۱۳ سالگی سرود و نخستین جایزه شعر را در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد استاد باستانی پاریزی که دبیر دبیرستان «بهنیار» بود، از رئیس آموزش و پرورش استان گرفت. به گفته «حمید سبزواری» شادروان صفارزاده به قوی‌ترین شیوه ممکن وارد مبارزات سیاسی و ادبی شد و در شکل‌گیری ادبیات انقلاب نقش عمده و محوری داشت او بر تن شعر لباس نویی پوشانده بود؛ در شعرهای این شاعر و ادیب گرانمایه زبانی ساده، احساس و عاطفه، ارزش‌ها، مظاهر مذهبی، دینی و اخلاقی، جسارت و شجاعت مشهود است.

#### صفارزاده و شعر

از صفارزاده بیش از ۱۴ مجموعه شعر به یادگار مانده است، از جمله رهگذر مهتاب، طنین در دلتا، سفر پنجم، حرکت و دیروز، بیعت با بیداری، هفت سفر، جلوه‌های جهانی، روشنگران راه، مردان منحنی، دیدار صبح، در پیشواز صلح و ...

#### آثار به یادگار مانده از صفارزاده

این زن اندیشمند در سال ۱۳۶۷ در فستیوال بین‌المللی شعر «داکا» به عنوان یکی از ۵ عضو بینانگذار کمیته ترجمه آسیا برگزیده شد، هم‌چنین در سال ۱۳۷۱ از سوی وزارت علوم و آموزش عالی استاد نمونه شد. در سال ۱۳۸۰ پس از انتشار ترجمه قرآن کریم به افتخار خادم‌القرآن نائل شد، در سال ۲۰۰۶ میلادی نیز به عنوان برترین شاعر مبارز و زن نخبه و دانشمند مسلمان از سوی انجمن نویسندگان آفریقایی و آسیایی در مصر برگزیده شد. قبل از ورود به بحث در خصوص ابعاد ترجمه قرآن حکیم این استاد فرزانه، پای سخن خود استاد در موخره ترجمه قرآن کریم می‌نشینیم:

#### صفارزاده و کارنامه قرآنی

«من هرچه عربی خواندم و استاد عوض کردم باز پایه عربی خود را مرهون اولین استادم می‌دانم در ۶ سالگی در مکتب محل، قرآن را تمام کردم، یعنی بدون معنی، چنانکه متداول است تجوید را آموختم جزء را از بر داشتم از ملای خودم که برای تشویق بعد از حفظ هر سوره هفت دانه انجیر خشک به من می‌داد و باعث شد به انجیر علاقه‌مند شوم در اشعارم یاد کرده‌ام، اما شیرین‌تر از هر شیرینی رفتار عالی و غیر متداول استادم، آقای آموزگار بود که از عرفا و دانشمندان معاصر در شهر کرمان بودند



طولانی

و قرآنی طاهره صفارزاده



بهره‌گیری از خواص اسماء الحسنی و توسل به این اسمای الهی کمک می‌کند.

۲ - علامت‌گذاری در پایان آیات مرتبط یا غیر مرتبط، مثلاً در پایان ترجمه آیتی که با یکدیگر مرتبطند از نقطه ویرگول (؛) استفاده شده نه نقطه تنها و هر جا که خداوند موضوع و خطاب خود را تغییر داده این تغییر و دگرگونی با علامت ستاره (xxx) مشخص شده است.

۳ - وجود پانویس‌هایی که از تفاسیر گرفته شده یا برداشت‌های مترجم که در پرانتز ( ) یا قلاب [ ] قرار گرفته، مقدم بر پانویس، در درک بیشتر مفاهیم قرآنی راهگشای خوبی برای خواننده محسوب می‌شود.

۴ - رعایت ادبی الهی از موارد قابل توجه در ترجمه است. برای خداوند کلمه «فرمود» به جای

«گفت» و «اراده فرمود» به جای «چنین و

چنان کرد» و برای بندگان در خطاب به

پروردگار «عرض کرد» به جای

«گفت» به کار برده شده است.

۵ - در آیاتی که گوینده دارد ولی

«قل» یا «قالوا» نیامده برای کمک

به درک بهتر و بیشتر معنا کلماتی

مانند «بگو»، «گفتند» و نظیر این

افعال آورده شده است.

۶ - ابزار کار ترجمه بنا به گفته

خود مترجم عبارت بوده از ۳۰ سال مطالعه مشتاقانه و پژوهشگرانه توأم با یادداشت برداری از تفاسیر کشف‌الاسرار، ابوالفتوح رازی، مجمع البیان، مواهب علیه، منهج‌الصادقین، طبری، سوره‌آبادی، نسفی، کمبریج، المیزان، نمونه و آثار مفسران و مترجمان معاصر به فارسی و انگلیسی و همچنین فرهنگ‌های عربی و انگلیسی و آشنایی ایشان با زبان‌های لاتین، فرانسه و اسپانیایی به منظور ریشه‌یابی لغت.

۷ - صفحه‌آرایی این ترجمه شایان توجه است ابتدا یک آیه چه

کوچک و چه بزرگ نوشته شده بعد در پایین ترجمه آن آمده است و به همین ترتیب آیات دیگر، این انفصال آیات و ترجمه آن‌ها رغبت خواننده را برمی‌انگیزد اگر چه منجر به افزایش صفحات و حجم آن شده است.

این بانوی با ایمان بعد از عمری تلاش در راه تعلیم و تعلم فرهنگ و ادب در ۲۵ شوال ۱۴۲۹ سالروز شهادت امام صادق (ع) مصادف با ۴ آبان ۱۳۸۷ جهانی فانی را وداع گفت و به سرای باقی شتافت روحش شاد، یادش جاوید و راهش پر رهرو باد.

ایشان قبل از شروع به درس می‌فرمود: «صفارزاده بیاید بنشینند جلو و من بلافاصله با شوق و دلهره و ادب پشت یکی از نیمکمت‌های جلو قرار می‌گرفتم و استاد با صلابت شروع به درس گفتن می‌کردند من به سائقه قرآن‌خوانی کودکی شدیداً مستعد فراگیری زبان عربی بودم و ذوق سرشار داشتم. ایشان به واقع پایه و درک عربی ما را از اکثر کلاس‌های موجود امروز بهتر تقویت کردند، بعدها پس از هدایت شدن الهی به قرآن مجید توجه من در آموختن عربی صرفاً معطوف به مفاهیم قرآنی شد و هرگاه به ابهاماتی در تفاسیر برمی‌خوردم باز هم به استادان عربی که قرآن‌شناس بودند مراجعه می‌کردم بعد از شروع کار ترجمه در سال‌های اخیر از رجوع به فرهنگ‌های عربی - انگلیسی بسیار سود بردم».

از یکی از مطلعین شنیدم که صفارزاده در

این سال‌های آخر روزانه ۱۶ ساعت

مشغول به کار ترجمه قرآن بود و چنان

پیگیری و مجذوب این امر بود که

بعضی مواقع سه روز پشت سر هم

یک نوع غذا می‌خورد تا وقت کمتری

را به تهیه غذا اختصاص دهد.

صفارزاده می‌گوید: شکر و ثنای این

بنده الهی از آن خداوند است که در

سیر توفیق این خدمت از برکات

هدایت و الهامات الهی بهره‌مندم فرمود و نشانه قول ذات اقدسش که می‌فرماید: «یهدی الله لنوره من یشاء» از پیدایش علل و اسباب پرداختن به این مهم تا انجام آن کاملاً مشهود است و من هر جا که دریافتن معنی و معادل صحیح در ماندم دستگیری شدم و مدام عرض کردم «شکرالله».

### ویژگی‌های ترجمه ارزشمند قرآن حکیم

در اینجا به طور اجمال به ابعاد و ویژگی‌های ترجمه ارزشمند قرآن حکیم اثر این دانشمند که آن را از بقیه متمایز ساخته اشاره می‌کنم:

۱ - اسماء الهی در ارتباط با مفهوم آیات ترجمه شده است. یعنی ترجمه این اسماء براساس و اقتضای معنایی متن آیات است، مثلاً در آیه ۱۱ سوره «نساء»، واژه «علیم حکیم» با توجه به محتوای آیه که تقسیم ارث بین فرزندان است، خداوند حکم‌کننده دانا ترجمه شده نه خداوند دانا و فرزانه در حقیقت به ترجمه تحت‌اللفظی اکتفا نشده، بلکه معادل‌گزینی و مفهوم‌یابی شده و این معادل‌گزینی خواننده را در

شاعران از سبک اشعار قرآن  
طاهره صفارزاده می گویند

حمید سبزواری:

# «صفارزاده» افتخار ایران بود

حالتی شاعرانه و لطیف دارد و بر همین اساس نیز وقتی بانوان قرآن را می‌خوانند و معانی آن را درک می‌کنند، در این راستا دست به خلق آثاری می‌زنند، همان‌گونه که صفارزاده این کار را کرد.

سبزواری با بیان این که آموختن یک آیه قرآن به دیگران، چندین مرتبه درجه انسان را نزد خداوند افزایش می‌دهد، گفت: مسلمانان باید به دنبال کشف معانی قرآن باشند و کسانی که این اقدام را جدی نگیرند، عمرشان را تلف می‌کنند و هیچ نتیجه‌ای عایدشان نمی‌شود.

این شاعر، صفارزاده را مسلمانی پاکدل، بسیار معتقد و دارای طبعی شایسته دانست و افزود: این ویژگی‌ها سبب شد که وی بتواند قرآن ارزنده‌ای را برای جهان اسلام ترجمه کند.

به عقیده وی، صفارزاده به عنوان یک بانوی ایرانی، حقوقی مضاعف از آقایان برگردن بانوان دارد و برتر از مردان است؛ چراکه در جمعیت بانوان صمیمیت افزون‌تر و آلودگی دل‌ها هم کم‌تر است و این، خود زمینه خلق و بالا رفتن ارزش چنین آثاری را افزایش می‌دهد.

سبزواری صداقت صفارزاده را از ویژگی‌های ارزنده وی برشمرد و با اشاره به این‌که «چون سخن از دل برآید، لاجرم بر دل نشیند» ادامه داد: صفارزاده از افتخارات ایران است و بانویی است که از عالم ادبیات اطلاع داشت و مردم نیز آثار وی را دوست داشتند.

وی در پایان با تأکید بر این که یاد کردن از رفتگان امری شایسته است، به ویژه که آنان اثری نیز از خود به جای گذاشته باشند، گفت: چنین آثاری سبب بهره‌گیری ملت و افتخار کشور است.

«حمید

سبزواری» از

طاهره صفارزاده به

عنوان انسانی پاکدل،

بسیار معتقد و دارای طبعی

شایسته یاد کرد و وی را

افتخار ایران و ایرانیان دانست.



«حمید سبزواری»، شاعر

انقلاب، با بیان این که میان هر

مسلمان و قرآن پیوستگی قلبی وجود دارد،

گفت: برخی از مسلمانان همچون مرحوم «طاهره

صفارزاده» دست بر قلم دارند و یا به کار شعر و شاعری

می‌پردازند.

وی در ادامه افزود: هر انسانی که با نیت خیر اقدامی در راستای قرآن

انجام دهد، زمینه عاقبت به خیری، دل روشن و آینده روشن را برای خود پدید می‌آورد.

سبزواری از طبع ظریف و لطیف شاعران به ویژه بانوان به عنوان ویژگی

خاصی یاد کرد که سبب ظهور اشعاری لطیف‌تر و موزون‌تر می‌شود.

به عقیده وی، آرزوها، آمال و نگاه شاعران مونث به گونه‌ای است که



# «طاهره» فروغی در شعر معاصر ایران

ایهام و حرکت ذهنی شاعر در شعر نباید دور از دسترس باشد تا سردرگمی ایجاد کند و نه آشکار که مجال کشف را از خواننده بگیرد. طاهره صفارزاده برای رسیدن به زبان شعر ویژه بسیار و سخت کوشید.

این محقق گفت: زبان و سبک و محتوا در نوشتار طاهره صفارزاده را به لحاظ پختگی در کتاب «سفر پنجم» وی باید به دقت دید. کمال شعری مرحوم صفارزاده در «سفر پنجم» وی آشکار است، چرا که شاعر خود و مخاطب خود را شناخته است و صفارزاده نماند تا دچار رکود نشود و طاهره فروغی در شعر معاصر ایران است. این مترجم گفت: موضوع بعد در کار صفارزاده «ادب الهی» است. اینکه هنگامی که از بزرگی سخن می‌رود یا او را مورد خطاب قرار می‌دهند با ضمائر مفرد واژه «تو» با او سخن نرود و از واژه‌های احترام‌آمیز استفاده شود. (مثلا صفارزاده می‌گوید: خدا فرمود و نمی‌گوید خدا گفت).

وی به کار مهم دیگر صفارزاده اشاره کرد و گفت: ما شاهد آن هستیم که در انتهای برخی آیات صفاتی در مورد خدا آمده است و صفارزاده بر این موضوع در این باب تأکید داشت: که صفات باید در ارتباط با متن آیات ترجمه شوند.

وی با بیان مثالی افزود: مثلا درباره دو واژه «رثوف و رحیم» صفارزاده بر این عقیده بود که رثوف و رحیم نیست بلکه وقتی دو صفات در پس هم می‌آیند کلمه بعدی صفت صنعت قبلی است.

اگر قرار باشد در یک جمله کل شعر طاهره صفارزاده را تعریف کنیم باید بگوییم طاهره فروغی در شعر معاصر است.



علی موسوی گرمارودی درباره اشعار طاهره صفارزاده گفت: البته نه به لحاظ تاریخی بلکه شاید بسیاری از شاعران به نام ما هم معاصر محسوب شوند همانند پروین اعتصامی، ... ولی صفارزاده ویژگی شعر معاصر را به بهترین شکل دارد. چه بسا شاعرانی که در کنار ما هستند ولی معاصر نیستند؛ مثلا شعر حسین منزوی که در قالب غزل است ولی به شدت معاصر است در مقابل شاعری داریم که شعر آزاد می‌گوید ولی معاصر نیست.

نحوه برخورد پروین با مسائل معاصر نیست. تصاویری که او ارائه می‌دهد آن است که یک دخترک فقیر در زمستان را بیان می‌کند در حالی که کفش سوراخ دارد و چه رنجی می‌برد.

وی افزود: اگر شاعری ملتزم باشد باید نخست خود او ملتزم باشد اگر خود او اینگونه بود این التزام به شعر او نیز می‌نشیند اگر چه اینچنین فردی در شعر داد تعهد می‌زند ولی ملتزم نیست و تعهد صفت شاعر و نه شعر است.

گرمارودی در مورد حماسه در شعر گفت: حماسه باید در خون شاعر باشد تا اینکه زبانش حماسی باشد، ما در شعر حماسی برتر از سعدی نداریم و در شعر و بوستان می‌بینیم که با انتخاب قالب و وزن عروضی خواسته به جنگ فردوسی برود.



## شاعری بی تقلید

صاحب‌دل بود و بسیار به اعتقادات دینی و مذهبی پایدار بود؛ ترجمه قرآن صفارزاده و دیگر آثار مذهبی و آیینی اش به خوبی نمایانگر این موضوع است.

این شاعر آیینی تصریح کرد: صفارزاده در شرایطی به شعر مذهبی و آیینی روی آورد که این‌گونه شعر در انزوا قرار داشت. او پیش از انقلاب نیز به مانند پس از انقلاب از پیش‌گامان عرصه شعر آیینی بود و در این حوزه خدمتی بزرگ به ادبیات ما کرد.

او در پایان گفت: ترجمه قرآن وی و ذوق و شوقی که او به ترجمه و پژوهش در این امر نشان می‌داد حکایت از علاقه وی

«طاهره صفارزاده در شعر شیوه خاص خود را داشت و در بین اهالی قلم به صورت آزاد فعالیت کرد و تقلید در کار وی نبود.

«احد ده‌بزرگی شاعر آیینی، با بیان این مطلب گفت: خاطره و یاد طاهره صفارزاده ادیب و مترجم قرآن از ذهن ادبیات محتوایی فارسی پاک نمی‌شود و آثار او برای آیندگان محفوظ خواهد ماند.

او ادامه داد: شعر او در عین روانی و سلیسی سرشار از محتوا و پیام بود، این خصوصیت در تمام شعر صفارزاده متبلور شده است.

او ادامه داد: مرحوم صفارزاده بسیار صمیمی، معتقد، به خدمت در این عرصه است.

صفارزاده در شرایطی به شعر مذهبی و آیینی روی آورد که این‌گونه شعر در انزوا قرار داشت. او پیش از انقلاب نیز به مانند پس از انقلاب از پیش‌گامان عرصه شعر آیینی بود و در این حوزه خدمتی بزرگ به ادبیات ما کرد



## پژوهشگری قابل ستایش

چندین پژوهش قرآنی را به انجام رساند که مورد تقدیر دستگاه‌های قرآنی ذیربط قرار گرفت.

راکعی درباره فعالیت‌های صفارزاده در عرصه‌های علمی و آموزشی در کشور گفت: او جز استادان برتر و شناخته‌شده و در زمینه ترجمه قرآن و سایر کتاب‌ها از زمره افرادی است که نخستین کتاب‌های مربوط به شیوه‌های عملی ترجمه را به چاپ رساند.

راکعی درباره شخصیت اجتماعی و شیوه زندگی صفارزاده گفت: صفارزاده روحیه‌ای بسیار متکی به خود داشت و از اعتماد به نفس بالایی برخوردار است و قطعاً اگر برنامه‌های زندگی او را بررسی کنید متوجه خواهید شد که او با برنامه‌ریزی جدی زندگی خود را طوری منظم کرده که بتواند به علقه‌های مورد نظر خود رسیده و آن را پرورش داده و برای آن وقت کافی بگذارند.

او در پایان گفت: طاهره صفارزاده، در زندگی شخصی و خانوادگی، زنی بود که با آن پایه از اعتماد به نفس و خودباوری به علت تفکر، شناخت علم و شخصیت فرهنگی که در وجودش حاکم بود، توانست به مدارج ارزشمندی دست پیدا کند.

«طاهره صفارزاده» به‌جز شعر، علاقه ژرف و عمیقی نسبت به مسایل معنوی، عرفانی و موضوعات قرآنی دارد و در این میان، پژوهش قرآنی وی دو صد چندان شایسته ستایش است.



«فاطمه راکعی» شاعر، با بیان این مطلب گفت: «طاهره صفارزاده» از معدود چهره‌های شعر متعهد انقلاب اسلامی است که پیش از پیروزی انقلاب شعرهایی در ارتباط و در زمینه اسلام و مفاهیم قرآنی سروده است. این اشعار به تعبیری دارای زمینه انقلاب اسلامی بودند و ما همیشه زمانی درباره پیشکسوتان این عرصه سخن می‌گوییم از طاهره صفارزاده به‌عنوان یکی از کسانی که از دوره قبل از انقلاب، شعرهای اسلامی و انقلابی داشته و قبل از انقلاب هم از شاعران مطرح بوده‌اند، یاد می‌کنیم.

او افزود: در میان چهره‌های شاخص زنان شاعر، او جایگاه ویژه‌ای دارد و چون شاعر بزرگی است، او را در زمره شاعران برجسته کشور می‌شناختیم و می‌شناسیم، او به‌جز شعر، علاقه ژرف و عمیقی نسبت به مسایل معنوی، عرفانی و موضوعات قرآنی دارد، کما این‌که اخیراً



زنی که  
همنام مادر من  
بود...



یادداشت زیر از علیرضا قزوه درباره نحوه آشنایی این شاعر با مرحوم طاهر صفارزاده است.



قزوه در این یادداشت می‌نویسد: طاهره نام مادر من است. این را طاهره صفارزاده نیز می‌دانست و می‌داند. اولین بار در کرمان دیدمش. از آن جمع عبدالملکیان هست و احمد زارعی نیست. نصرالله مردانی نیست و من تا هنوز هستم. صفارزاده امر و نهی می‌کرد به عبدالملکیان و من آن روزها شاعری جوان بودم و تازه دانشجو شده بودم و شهریار هنوز بود و بچه‌های جهاد دانشگاهی کرمان رفته بودند پیش شهریار و با پافشاری از او شعری گرفته بودند و شهریار سروده بود.

بعدها صفارزاده من را به یاد می‌آورد و گاه دلم را خوش می‌کرد که تو هم شاگرد خوبی هستی. این عادت صفارزاده بود که به هر کس که می‌خواست بگوید شاعر خوبی هستی، می‌گفت شاگرد خوبی هستی؛ من اما شاگرد خوبی نبودم.

در هشت سالی که صفحه بشنو از نی روزنامه اطلاعات را سردبیری کردم، بارها و بارها شعرهای ایشان را چاپ کردم و سید دعایی چه با احترام از این شیرزن یاد می‌کرد.

این سه چهار سال آخر اما حضور ایشان را بیشتر احساس می‌کردیم. گاه تلفن می‌زدم و ساعت‌ها شعرهایم را برایش می‌خواندم و حرف می‌زد. یادداشت می‌نوشت و اصلاح می‌کرد و نظر می‌داد. بعد زنگ می‌زد که فلان سطر نباشد یا این کلمه را عوض کن و من یکی دو بار با همسر و دو دخترم به خانه‌شان رفته بودم و بارها به ایشان گفته بودم که من از فرزندان مکتب ادبی صفارزاده‌ام.

من که حضور بسیاری از شاعران بزرگ را درک کرده بودم، با اوستا و مشفق و سید حسن و قیصر و بسیاری دیگر دمخور بودم، اما با افتخار همه جا گفتم که من از صفارزاده متأثر بودم. صفارزاده از یک شاعر جوان دیگر نیز همیشه با احترام یاد می‌کرد و می‌گفت مؤدب هم شاعر خوبی است و بعد متوجه شده بودم که مؤدب نیز فرزند دیگر این مکتب بود.

بارها او را دعوت کرده بودیم و آمده بود و حتی کرایه تاکسی را خودش داده بود و هیچ چیز نگرفته بود و رفته بود. در نخستین دوره جایزه شعر فجر هم جایزه‌اش را تا دقیقه نود می‌خواست بدهد به من که گفتم نمی‌خواهم و گفت آدم به استادش دستور نمی‌دهد و خواست بدهد به مؤدب که گفتم سلمان و قانع شد و جایزه را داد به

خانواده مرحوم سلمان هراتی.

در ماجرای حمله عراق به آمریکا در فرهنگسرای هنر برنامه‌ای گذاشتیم و ساعت‌ها نشست و شعری به زبان انگلیسی گفت و آورد خواند و در روزنامه‌های آمریکا هم چاپ شد و خودش می‌گفت که بخشی از شعرش را در نظاهرات بر پوستر نصب کرده بودند و ضد دولت بوش شعار دادند. آن روز من هم شعری خواندم با نام «حق با شعر است نه با بمب‌ها». صفارزاده گفت: فردا شعرت را می‌آوری ترجمه کنم. مطابق معمول بدقولی کردم و شاید هم نخواستم زحمتش بدهم که درگیر کارهای بزرگتری بود. بعد یک هفته تلفن زدم که حالش را بپرسم. با ناراحتی گفت: چرا شعرت را نیاوردی؟ گفت: همین حالا فاکس کن. فردا بعد از نماز ظهر زنگ زد که امروز از اذان صبح تا اذان ظهر وقت گذاشتم و ترجمه شعرت تمام شد، بیا ببر.

شعر را با هادی محمدزاده برای دو سایت مهم شعری آمریکا فرستادیم. یکی در سایت شاعران ضد جنگ و یکی در سایت دیگر که هر دو چاپ شد و در سایت شاعران ضد جنگ حتی شعر ماه نیز شد. و این به برکت ترجمه ارزشمند صفارزاده بود، نه شعر ناقابل من. شاید در فرصتی آن شعر را با ترجمه چاپ کردم.

آن زن می‌توانست در محافل روشنفکری آمریکا برود و با بهترین شرایط زندگی کند اما ماند و مترجم قرآن شد و دل به دعا بست و شعر آزادگی سرود. در همان دیدار آخر، باز با معصومیت تمام از خوابش می‌گفت که در خواب نوشته‌های قرآنی برایش با نور ظاهر شده بود؛ خوابی که چند بار برایم تعریف کرده بود و حالا دارم به تعبیر خواب‌هایش می‌اندیشم.

من و ما از طاهره صفارزاده همین صراحت‌ها و همین جسارت‌ها را آموخته‌ایم. همین که نترسیم از این ناقاضیان و ناعادلان. من خود قاضی بودم که به شعر روی آوردم و او شاعری بود که قضاوت می‌کرد درباره خوبی‌ها و بدی‌ها و نمی‌هراسید از گفتن حق.

و باز یادم آمد که در دیدار آخر از قیصر و حسینی گفته بود و این که چرا قیصر را زیادتر از حسینی تحویل می‌گیرند و این اشتباه است و حرف‌هایی که بعاند. حالا سال قیصر است و داغ سید حسن هم تا هنوز تازه است.

از آن جمع حالا سید حسن نیست و قیصر نیست و صفارزاده هم نیست.



# روشنفکری متدین

«احمد تمیم‌داری» درباره اشعار «طاهره صفارزاده» گفت: «صفارزاده» روشنفکر متدین و متدین روشنفکر بود.



«احمد تمیم‌داری»، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، با بیان این مطلب افزود: در بین اساتید ادبیات انگلیسی مرحوم صفارزاده گرایش دینی زیادی داشت. ایشان به قرآن، نهج‌البلاغه و در عین حال به همه متون اسلامی عشق می‌ورزید. بسیار اهل نماز و عبادت و زیارت بود. افراد زیادی به ویژه برای بیماران به ایشان سفارش دعا می‌کردند. به فقرا یاری می‌رساند. ساعت‌های متوالی سر سجاده عبادت می‌کرد و اینها برای ما خیلی شگفت‌انگیز به نظر می‌رسید.

وی ادامه داد: در دانشگاه تهران که قبل از انقلاب مسئله دین و مذهب به‌طور خاص مطرح نبود، به محض شنیدن صدای اذان درس را به خاطر احترام به اذان به مدت چند دقیقه تعطیل می‌کرد.

وی افزود: صفارزاده اهل سازش، تظاهر و تعریف از خود نبود. ضمن اینکه از جلسات بیهوده که حاصلی جز وقت تلف کردن ندارد، بیزار بود.

تمیم‌داری، صفارزاده را زنی متعهد، انقلابی و آزادی‌خواه دانست و ادامه داد: البته وی انقلابی به معنای جهانی بود، یعنی اندیشه‌اش اندیشه انقلابی بود و دغدغه دردمندان و بیچارگان را داشت، چه در

آسیا باشد یا آفریقا و... ضمن اینکه صفارزاده تا پایان عمر به آرمان‌های انقلابی‌اش معتقد ماند. وی افزود: هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که ایشان به این زودی رحلت کند، اما دست تقدیر خدا چنین رقم زد و واقعا حیف شد.

نویسنده کتاب «تاریخ ادب فارسی» از فعالیت‌های صفارزاده در زمینه تهیه کتاب‌های درسی در شورای عالی انقلاب فرهنگی به نیکی یاد کرد و افزود: صفارزاده معتقد بود که از زبان انگلیسی باید برای انتقال علوم بهره برد و به همین جهت در شورای عالی انقلاب فرهنگی با همکاری اساتید دیگر اقدام به تهیه کتاب‌های زبان تخصصی برای گروه‌های ادبی، هنری و... دانشگاه‌ها کرد. در نتیجه کتاب‌های بسیار زیادی تهیه شد و از سوی انتشارات «سمت» به عنوان کتاب درسی چاپ شد. این کار بی‌سابقه خدمت بزرگی در تاریخ ایران بود.

تمیم‌داری که خود در سال‌های ۵۵ تا ۷۵ از شاگردان صفارزاده بود، درباره شیوه تدریس استاد خود اظهار کرد: ایشان ما را وادار می‌کرد تا ترجمه‌ها را خودمان کار کنیم و هرگاه برای مقاله‌ای خدمتش مراجعه می‌کردیم، می‌گفت امکان ندارد حتی یک خط هم برایتان کار کنم، خودتان بروید و مقاله را بنویسید ولو اینکه همه‌اش غلط باشد. این تلاش را باید بکنید بعد بیاورید تا من تصحیح کنم. تمیم‌داری



# متدینی روشنفکر

داشت. وی افزود: اشعار ایشان مایه‌های اخلاقی و مذهبی بسیار قوی داشت ولی مذهبی بازاری نبود. مثلاً شعری که راجع به سلمان سروده، شعری صدرصد مذهبی محسوب می‌شود اما جنبه ادبی اش هم قوی است.

این استاد دانشگاه ادامه داد: این بانوی ادیب به شعر آزاد معتقد بود و اعتقاد داشت که شعر باید آزاد باشد تا گوینده بتواند به راحتی حرف‌هایش را در شعر بیان کند و خواننده هم بیشتر به جوهر شعر که تفکر و اندیشه است، توجه کند. وی با شعر تخیلی‌کننده به شدت مخالف بود و حتی شعر نیمه‌راهم به دلیل اینکه دارای وزن است قبول نمی‌کرد و می‌گفت وزن موجب تخیل است و خواننده را تخیل می‌کند.

وی تصریح کرد: صفارزاده روی اشعارش خیلی کار می‌کرد و حتی ممکن بود روی یک شعر دو سه ماه کار کند و آن را اصلاح نماید.

تمیم‌داری درباره ترجمه قرآن کریم توسط طاهره صفارزاده اظهار کرد: این ترجمه را خیلی با وسواس انجام داد. وی که روی ترجمه‌های مختلف قرآن به زبان انگلیسی کار کرده بود و غلط‌های آنها را هر از گاهی به ما نشان می‌داد، تلاش کرد که درست‌ترین ترجمه را ارائه کند و البته این کار را نیز کرد. برای این ترجمه نامه‌های تقدیر زیادی برای ایشان فرستاده شد و حتی به همین دلیل به عنوان بزرگترین زن انگلیسی‌دان آسیایی برگزیده گشت.

افزود: به ما می‌گفت ما باید انگلیسی یاد بگیریم که به درد دانش‌ها و علوم ایرانی و اسلامی بخورد و بتوانیم معارف ایرانی و اسلامی را به انگلیسی برای دیگران توضیح دهیم. می‌گفت اگر در انگلیس ... درباره شکسپیر توضیح دهیم، کسی گوش نمی‌کند، چرا که آنجا خودش معدن اساتید شکسپیرشناس است. در واقع باید گفت ایشان انگلیسی را با هدف مطالعه می‌کرد و با هدف هم به ما یاد می‌داد.

وی اظهار کرد: صفارزاده به زبان و ادبیات انگلیسی خیلی تسلط داشت. به خصوص در زمینه واژه‌گزینی و اصطلاحات معادل ذوق و استعداد خوبی داشت. گاهی من اصطلاحی فارسی را می‌پرسیدم که به انگلیسی چه می‌شود، در پاسخ اصطلاحی می‌گفت که در زبان انگلیسی وجود نداشت. وقتی ما می‌گفتیم آن اصطلاح در انگلیسی موجود نیست، جواب می‌داد که مگر ما آدم نیستیم که اصطلاح وضع کنیم، مگر همه اصطلاح‌ها در همه زبان‌ها بوده، مگر یک دکترای زبان انگلیسی به اندازه یک انگلیسی‌زبان حق وضع یک اصطلاح جدید را ندارد؟ یعنی در زبان جرات و ابتکار فکر زیادی داشت.

نویسنده کتاب «عرفان و ادب در عصر صفوی» به خصوصیات اشعار مرحوم صفارزاده نیز اشاره کرد و گفت: اشعار وی بیشتر جنبه آگاهی‌بخشی و بیدارگری به ویژه برای کشورهای مشرق‌زمین و آسیایی

مصطفی محدثی خراسانی:

## محتوا و فرم اشعار «طاهره صفارزاده» حکایت از دریافت‌های عمیق قرآنی او دارد

«طاهره صفارزاده» بانوی متفکر، متعهد و روشنفکر مسلمان بیشترین ارتباط و پیوند را با اسلام و آموزه‌های قرآن داشته و دریافت‌های عمیقی را از قرآن در زبان، محتوا و فرم اشعار خود دارد.



«مصطفی محدثی خراسانی» شاعر، با بیان این مطلب گفت: صفارزاده به‌عنوان یک شاعر برجسته و مطرح همان‌طور که خودش در گفت‌وگوهایش بیان کرده و در شعرش متجلی است، بخش عمده توفیق خود را برگرفته از پیوند زلال و شفاف با قرآن می‌داند. این منتقد ادبی تأکید کرد: ما در سال‌های قبل از انقلاب در سطح ملی نام‌های معدودی به‌عنوان شاعران روشنفکر داشتیم، یکی از این روشنفکران مسلمان «طاهره صفارزاده» بود که علی‌رغم فضای روشنفکری قبل از انقلاب و تلاشی که برای نفی این تفکرات می‌شد، او با اقتدار و توانمندی و به‌واسطه باروری شعر و اندیشه خود سدی در مقابل این افکار ایجاد کرده است.

او افزود: شعر صفارزاده دارای چند ویژگی بارز است که کمتر شاعری توانسته آن ویژگی‌ها را یک‌جا در شعر خود جمع کند؛ نخست آنکه او در کلام خود به‌شدت از دستاوردهای نوین نظریه‌پردازی شعر یعنی شعر مدرن بهره‌مند و دیگر آنکه اشعار او از پشتوانه فرهنگی غنی و سرشار برخوردار بود.

او همراهی تفکر ایرانی و آمیختگی عرفان اسلامی و شرقی را از خصایص شعر صفارزاده دانست و بیان کرد: این موضوع منجر به ایجاد شکل منحصر به فرد از شعر در گستره شعر معاصر شده که این منحصر بودن در شاعران زن معاصر بیشتر جلوه‌گر می‌شود.



## سه ویژگی برتر «صفارزاده»

به عقیده «خسرو احتشامی»، صبر، اعتقاد به قرآن و مطالعات گسترده، سه ویژگی برتر صفارزاده در مقایسه با مترجمان دیگر است.



«خسرو احتشامی»، شاعر، ضمن این‌که ترجمه مرحوم «طاهره صفارزاده» از قرآن را اثری ارزشمند و شایان تقدیر معرفی کرد، گفت: اعتقاد به دین و قرآن، صبر و مطالعات وسیع، سه ویژگی صفارزاده بود که وی را در ارائه ترجمه‌ای ارزشمند از قرآن کمک کرد. وی ادامه داد: اعتقاد فراوان صفارزاده به مبانی دینی و قرآنی سبب ظهور چنین اثری است؛ چرا که تا اعتقادات قرآنی نباشد، چنین آثاری پدید نمی‌آید.

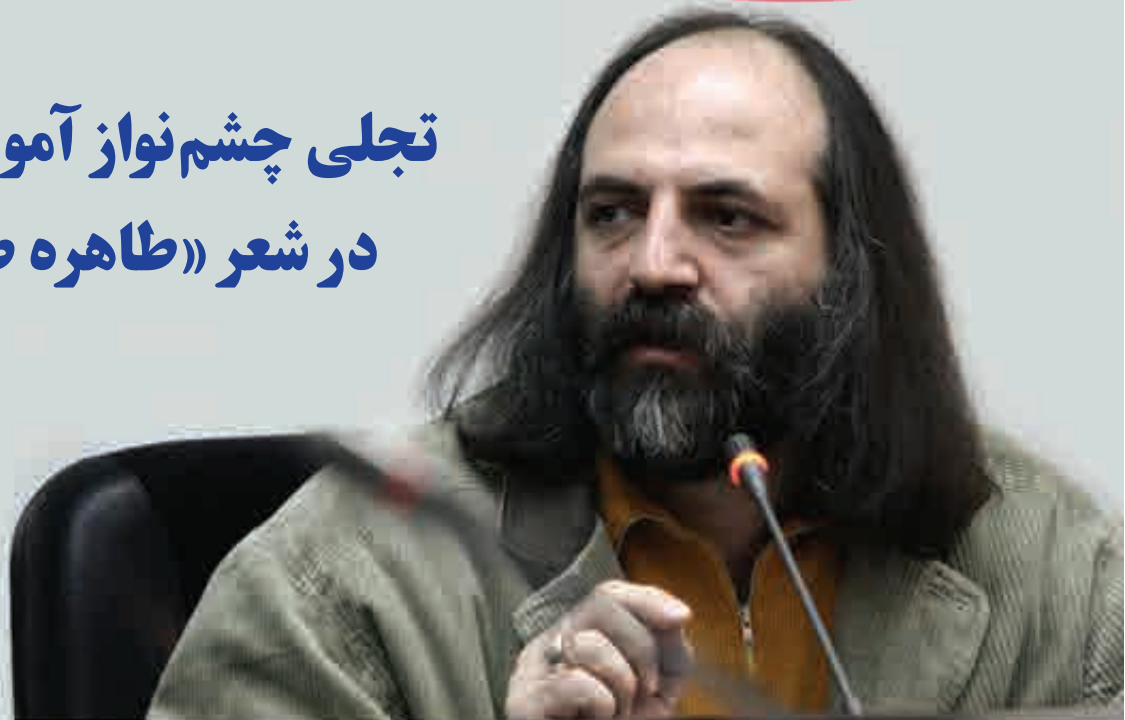
احتشامی از صبر صفارزاده به عنوان ویژگی دیگر این شاعر یاد کرد و گفت: وی همچون «الهی قمشه‌ای» و «علامه طباطبایی» که عمر هشتادساله‌اش را بر سر تحقیق و خلق آثار ارزشمندی کردند، عمر خود را در راه تفسیر و ترجمه قرآن و پژوهش در قرآن قرار داد. به عقیده وی، مطالعات وسیع صفارزاده از عواملی بود که وی را در ارائه چنین اثر ارزشمندی یاری کرد؛ چرا که اشراف وی بر قرآن سبب شد که صفارزاده بتواند چنین ترجمه‌ای شیوا و روان ارائه کند که تاکنون چندین بار نیز در کشورهای دیگر به چاپ مجدد رسیده است.

احتشامی با اشاره به این مصرع از حافظ که «هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم»، اظهار کرد: ادبیات کشور ما در هیچ حوزه‌ای خالی از قرآن و مبانی قرآنی نیست و این موضوع را می‌توان در آثار شاعرانی چون حافظ، سعدی و مولانا دید. حتی در آثار نظامی نیز جایگاه قرآن و بهره گرفتن از این کتاب آسمانی در جای جای آثار وی نمود دارد و این ویژگی در آثار صفارزاده نیز نمایان است که در ترجمه قرآن وی نیز ظهور پیدا کرده است.

احتشامی در پایان گفت: نباید از نظر دور داشت که شعر گفتن در قالب‌ها سپید بسیار سخت‌تر از سرودن شعر در قالب‌های کلاسیک است، چون شاعر در قالب کلاسیک با قافیه، وزن و ضرباهنگ روبروست که نوعی زیبایی به شعر می‌دهد اما قالب‌های نو و سپید تبحر بالایی را می‌طلبد و مرحوم صفارزاده به خوبی از عهده این کار برآمد.



## تجلی چشم‌نواز آموزه‌های دینی در شعر «طاهره صفارزاده»



«طاهره صفارزاده» جزء معدود کسانی است که تجلی آموزه‌های متون دینی و به‌ویژه متون مذهبی و اسلامی در شعر و شخصیت او در حد چشمگیری قابل مشاهده است.



«سید ضیاءالدین شفیعی» شاعر، با بیان این مطلب گفت: تجلی رسوب و رسوخ متون مذهبی در آثار صفارزاده را قبل از انقلاب اسلامی در کتاب‌هایی مانند «طنین در دلنا» و «از صفر پنجم» و پس از انقلاب، در «مردان منحنی»، می‌بینیم. شفیعی گفت: صفارزاده بسیار فروتن و صاحب تأمل و سعه صدر است و در شخصیت او ویژگی‌هایی وجود دارد که باعث می‌شود جسورانه شعر بگوید، او همیشه در پاسخ به این پرسش که چرا شعرهایتان همواره دارای زبان اعتراضی است، می‌گوید: «چون من شیعه هستم» و این درست زمانی است که چهره‌های بزرگ شعر سعی می‌کنند خود را از هر نوع ایدئولوژی‌ای دور نگه داشته و به رخ جامعه بکشند.

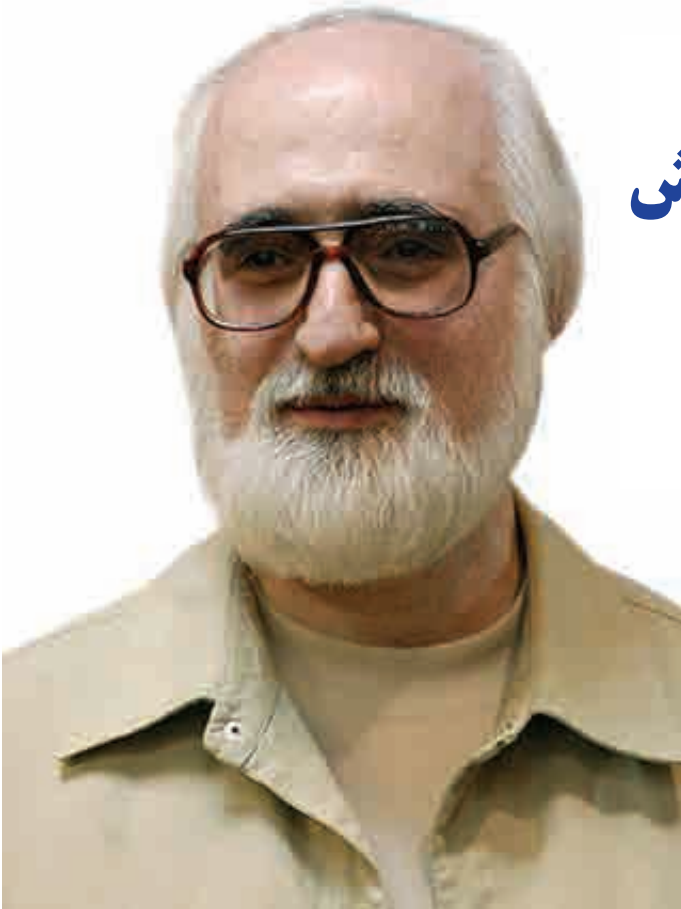
او با برشمردن فعالیت‌های صفارزاده بیان کرد: او در این زمان تنها شاعر ایرانی عضو انجمن جهانی نویسندگان و شاعران و جزء معدود چهره‌های شعری و نخستین زنی است که در ایران مدرک دکترای زبان و ادبیات انگلیسی گرفته و رییس دانشکده زبان‌های خارجی نیز بوده است؛ تسلط او بر متون شعری جهان بیشتر از همه شاعران هم‌دوره خود بوده و درست در همین زمان با وجود تمام این موقعیت‌ها خود را شیعه خطاب می‌کند و تأکید می‌کند که شیعه کسی است که به وضعیت موجود راضی نیست.

شفیعی در ادامه افزود: این رضایت ندادن به وضع موجود، صفارزاده را تنها در عرصه ایدئولوژیک نگاه نمی‌دارد؛ او وقتی به سراغ شعر هم می‌آید به وضع موجود شعر رضایت نمی‌دهد و به‌همین دلیل به سراغ وضعیت

جدیدی می‌رود که نام آن را «طنین» می‌گذارد.

این شاعر و منتقد ادبی گفت: شعر ایران در طول هفتاد سال اخیر با تحولات زیادی همراه بوده است که در نگاه طاهره صفارزاده علاوه بر این تغییر و دگرگونی اساسی، دارای ویژگی‌هایی خاصی است که تعریف‌های متفاوتی را نیز دربردارد، براین اساس صفارزاده با تلاشی بیش از چهاردهه در عرصه شعر برپایه همین تعریفی که از شعر دارد زندگی ادبی خود را پایه‌گذاری می‌کند که این تعریف از دفتر اول او به نام «در رهگذر مهتاب» در حال تحقق گرفتن است و از دفتر دوم به بعد آهسته‌آهسته شکل می‌گیرد، او در یکی از شعرهای خود این‌طور تصریح می‌کند که: «شعری بخوان / شعری بی‌تشویش وزن / شعری باروشنی وزن / زمزمه‌های روشنفکرانه / گوش‌ها راهیان آهنگند / طنین آهنگی ست که شعر من در ذهن خواننده می‌آغازد»، در حقیقت او چهار عنصر را برای شعریت یک متن مطرح می‌کند که آنها را آرام‌آرام در بستر بیش از چهل سال فعالیت ادبی خود پرداخته می‌کند.

شفیعی در توضیح طنین در شعر صفارزاده می‌گوید: او در شعر مخصوص به خود که دارای یک زبان و ساختار و فضای ویژه است، تلاش می‌کند که «طنین» را جایگزین همه عناصر غایی کند که در دوره شعر کلاسیک وجود داشت و در دوره پس از کلاسیک وجود ندارند، او طنین را جایگزین استعاره، تفکر و... می‌کند و برای آنکه نشان دهد طنین یعنی چه می‌گوید: «طنین حرکت یا ویژگی‌ای است که تنها در یک عنصر و یک موجود می‌توان از آن سراغ گرفت و آن هم «ناقوس» است و تصریح می‌کند که ناقوس دارای طنین است چندان که صدای ناقوس به‌طور متواتر شنیده می‌شود حتی وقتی که صدایی از او بلند نشود».



جواد محقق:

## «صفارزاده» روح شاعرانه اش را در خدمت ترجمه قرآن گذاشت

«جواد محقق» با اشاره به ذوق شاعرانه مرحوم «طاهره صفارزاده» در ترجمه قرآن اظهار کرد: روح شاعرانه صفارزاده، توانست وی را در برگرداندن قرآن به زبانی دیگر، تفهیم و قابل درک کردن مفاهیم قرآن برای مردم، توانا سازد.



«جواد محقق»، شاعر و پژوهشگر، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، درباره ترجمه مرحوم «طاهره صفارزاده» از قرآن کریم گفت: آگاهی صفارزاده به زبان انگلیسی در ترجمه قرآن، کمک فراوانی به وی کرد. وی با بیان این مطلب افزود: این پژوهشگر قرآن چهره‌ای بود که در زبان انگلیسی نیز تألیفات متعددی دارد و تحقیقات بسیاری در این حوزه انجام داده بود، به گونه‌ای که از وی می‌توان به عنوان یک صاحب‌نظر یاد کرد.

محقق همچنین اظهار کرد: به عقیده من، ترجمه انگلیسی صفارزاده از بسیاری ترجمه‌های دیگر به مفاهیم قرآن نزدیک‌تر است و

کلمات بهتری را نیز به زبان انگلیسی برگردانده که این موضوع در روانی ترجمه تأثیر بسیاری دارد.

خالق مجموعه «آذرخش آسمان شعر»

یادآوری کرد: بسیاری از محققانی که در حوزه قرآن‌پژوهی تخصص دارند، این اثر را تأیید کرده‌اند. همچنین اقبال بسیاری از کشورهای دیگر و انتشار اخباری پیرامون این ترجمه در این کشورها، خود گویای اثرگذاری و برتری این اثر است.

وی با اشاره به وحیانی بودن مفاهیم

قرآن کریم ادامه داد: این خصوصیت سبب شده است که روح پنهان قرآن در دوران‌های مختلف و از سوی مترجمان مختلفی که طی ۵۱ سال گذشته به این حوزه روی آورده‌اند، پنهان بماند.

محقق از چهره‌های شاخصی که در حوزه ادبی، علمی و ترجمه رو به ترجمه قرآن آورده‌اند یاد کرد و گفت: نیاز به ترجمه قرآن طی سال‌های اخیر فروکش نکرده است و ترجمه صفارزاده نیز در کنار این ترجمه‌ها توانسته است بخش‌ها و وجوهی از روح قرآن را در کالبد زبان ترجمه کند.

به عقیده این پژوهشگر، ماندگاری اثر این قرآن‌پژوه به قوت و غنای آن بستگی دارد که به دلیل دریافت ادبی صفارزاده و آشنایی با فرهنگ دینی و ممارست وی در این حوزه که تجارب بسیاری را طی این سال‌ها برای صفارزاده به ارمغان آورده، سبب غنای اثر وی شده است.

وی در پایان افزود: تصور می‌کنم که روح

شاعرانه صفارزاده، توانست وی را در برگرداندن قرآن به زبانی دیگر و تفهیم و قابل درک کردن مفاهیم قرآن برای مردم، بیش از دیگران توانا سازد.



ترجمه انگلیسی صفارزاده از بسیاری ترجمه‌های دیگر به مفاهیم قرآن نزدیک‌تر است و کلمات بهتری را نیز به زبان انگلیسی برگردانده که این موضوع در روانی ترجمه تأثیر بسیاری دارد

# گذار از هنجارهای زمان



رضا اسماعیلی شاعر و پژوهشگر در مقاله‌ای به بررسی ویژگی اشعار طاهره صفارزاده پرداخته است.

محافل و مجامع ادبی و علمی جهان را به سوی او معطوف گرداند. چنان‌که اخیراً - همچنان‌که در خبرها خواندیم - دکتر صفارزاده از سوی سازمان نویسندگان آسیا و آفریقا به عنوان برجسته‌ترین مسلمان و نخبه جهان برگزیده شد که این امر افتخاری بزرگ برای ایران و جهان اسلام به شمار می‌رود.

به انگیزه قدرشناسی و ارج‌گذاری به تلاشهای تأثیرگذار و ارزنده این چهره فرهیخته علمی و ادبی و همچنین به منظور ابراز خرسندی از این حسن انتخاب و عرض تبریک به جامعه ادبی، این مقاله را که تنها می‌تواند در حکم مقدمه و پیش‌درآمدی بر شناخت این چهره فرهیخته و ماندگار معاصر باشد به رشته تحریر درآوردم. امید آنکه مورد قبول ارباب فضیلت قرار بگیرد. ان شاء الله.

در تاریخ هزارساله ادبیات پارسی، حضور زنان در چند چهره شاخص خلاصه شده است: رابعه بنت کعب قزازی (به عنوان اولین شاعره پارسی‌گو)، پروین اعتصامی و طاهره صفارزاده.

اینکه چرا زنان در تاریخ ادبیات همواره در حاشیه قرار گرفته‌اند، موضوع این نوشتار نیست و بررسی علل و عوامل آن خود می‌تواند موضوع یک تحقیق مستقل قرار بگیرد. آنچه که در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت، تأملی در کارنامه ادبی شاعر نام‌آور معاصر، دکتر طاهره صفارزاده است.

سال تولد صفارزاده ۱۳۱۵ و محل تولد او «سیرجان» است. او بعد از گذراندن دوران ابتدایی و متوسطه، وارد دانشگاه تهران می‌شود و در رشته ادبیات انگلیسی موفق به اخذ دکترا می‌گردد. استخدام در شرکت نفت و اشتغال به ترجمه، از جمله کارهایی است که صفارزاده تا پیش از قبولی در دانشگاه «آیووا» ایالات متحده تجربه کرده است. اما بعد از قبولی در دانشگاه «آیووا» و به شوق ادامه تحصیل، با استعفا، کار ترجمه در شرکت نفت را او می‌گذارد و راهی آمریکا می‌شود تا در رشته نقد تئوری و عملی در ادبیات جهان به تحصیل و پس از آن به تدریس بپردازد. صفارزاده خود در این باره چنین می‌گوید:

«... به پیشنهاد شاعران و نویسندگان دانشکده ادبیات دانشگاه

متن این مقاله به این شرح است: طاهره صفارزاده یکی از چهره‌های شاخص و درخشان شعر در روزگار ماست. شاعری که تعهد، اندیشه‌محوری و دین‌باوری از مؤلفه‌های اصلی شعر اوست. وی علاوه بر شاعری، در نویسندگی، تحقیق، تدریس و ترجمه نیز دستی توانا دارد، چنان‌که قرآن را به سه زبان زنده دنیا ترجمه کرده است. دیگر آنکه صفارزاده به عنوان پایه‌گذار «نقد علمی ترجمه» و مؤلف نظریه «ترجمه تخصصی» در ایران شناخته شده است. ضمناً نام صفارزاده به عنوان یکی از آغازکنندگان «شعر نیمایی دینی» و همچنین یکی از بنیانگذاران حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در تاریخ ادبیات انقلاب اسلامی ایران به ثبت رسیده است.

برخورداری از دانش و بینش ادبی، آشنایی با پیشینه هزارساله ادبیات پارسی، تنفس در هوای ادبیات معاصر، تسلط کامل به زبان انگلیسی و آشنایی با ادبیات جهان باعث شده که نام صفارزاده همواره از دهه چهل تا کنون در ذهن و زبان جامعه ادبی جاری و ساری باشد و حتی توجه



زبان رسیده‌اند. صفارزاده نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. او نیز در منزل اول شاعری، متأثر از شاعران متقدم و معاصر خویش بوده و تا مدتی در قالبهای نیمه‌سنستی طبع‌آزمایی می‌کرده، هر چند از همان آغاز صبغه دینی اشعارش، او را از دیگران متمایز می‌کرده است.

دوره اول شاعری صفارزاده از سال ۱۳۳۵ و با چاپ نخستین مجموعه شعر او با عنوان «رهگذر مهتاب» آغاز می‌شود و تا سال ۱۳۴۱ ادامه می‌یابد. با بررسی شعرهای اولین دفتر صفارزاده به شاعری بر می‌خوریم که به دنبال ابلاغ پیامهای اخلاقی اجتماعی است. در شعرهای این دفتر رگه‌هایی از تأثیرپذیری معنوی از پروین اعتصامی دیده می‌شود، چنان که خود در مصاحبه‌ای به طور ضمنی به این مسئله اشاره کرده است:

«از جهت توجه به مضامین انسانی - اجتماعی و روشنفکری که پالایش اندیشگی را برای خواننده تأمین کرده، خانم پروین اعتصامی مورد احترام من هستند». (دو ماهنامه ادبی الفبا، شماره سوم، آبان و آذر ۸۳)

یکی از وجوه تمایز صفارزاده به عنوان یک شاعر نیمایی با شاعران معاصر خویش، وارد کردن مضامین دینی به شعر است که تا پیش از او در شعر نیمایی و سپید کم سابقه بوده است:

رهایم تا ز بند کام

و از زنجیرهای زنگدار نام

نیازم پیش تنها نیست

خدا و شعر

اینه‌ایند پیوندان جاویدم

همچنان که اشاره شد، رفتار شاعر در این دوره از زندگی ادبی خویش با زبان «رفتاری هنجار» است، یعنی رفتاری مطابق با معیارها و هنجارها مقبول ادبی که محصول رقابت جمعی با سایر شاعران معاصر است.

نکته دیگری که درباره صفارزاده باید گفت این است که او از همان آغاز - در نظر و عمل - شاعری اجتماعی و رسالت‌مدار است که برای «معنا» در شعر اصالت قائل است، و این چیزی است که معاصران او - از جمله شاعران پیرو «موج نو» و «شعر حجم» آن را بر نمی‌تابند:

در شعر اصیل

سایه‌ها بید

لفظها،

اندیشه‌ها را

نه اندیشه‌ها

لفظها را

...

«آیوا» سه سال قبل از آنکه من دانشجوی آنجا بشوم، تدریس کاربردی ترجمه به تصویب برنامه‌ریزان آموزشی رسیده بود. تأسیس مدرسه ترجمه در دیوان هم در سال ۶۹ بر اساس همین تحول بود. در بازگشت به ایران به نقل و قول از مسئولان وزارت علوم سابق، من اولین استاد تدریس کاربردی ترجمه به حساب آمدم. سالها در دانشگاه شهید بهشتی و دیگر دانشگاههای ایران تدریس کاربردی ترجمه را ضمن نقد علمی ترجمه بر روی تکالیف دانشجویان که در منزل انجام داده بودند، در کلاس آموزش دادم و کارشناسانی برای این هنر پرورش یافتند. زمانی که مسئولیت کتابهای زبان تخصصی برای رشته‌های مختلف دانشگاهی به من واگذار شد، پیشنهاد یا تئوری ترجمه تخصصی را با گذاشتن تمرین معادل‌یابی در کتابهای درسی مطرح کردم و تحقق بخشیدم و بالاخره خودم هم به لطف خداوند بر اساس همین نظریه به تألیف کتاب «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» توفیق یافتم. (فصلنامه شعر، شماره ۳۷، تابستان ۸۳، ص ۱۵)

صفارزاده شاعری را همچون علامه اقبال لاهوری مسند انسان‌سازی و اصلاح‌گری می‌داند و به شاعر به عنوان یک «مصلح اجتماعی» نگاه می‌کند. از همین رو در اکثر شعرهای او توجه به آموزه‌های اخلاقی - دینی مشهود است. صفارزاده در تعریف شعر چنین می‌گوید:

«تعریف من از شعر همان است که در «طنین در دلنا» گفته‌ام. طنین حرکتی است که حرف من در ذهن خواننده می‌آغازد. شعر من، شعر اندیشه است. وقتی که فکری را عنوان می‌کنم باید تأثیر اندیشگی بر خواننده بگذارد. بنابراین من با شعر عاطفی و احساسی حتی بعد از «رهگذر مهتاب» تقریباً کم‌رباطه هستم. اعتقاد من این است که عاطفه و احساس یک بخش جزئی در شعر هستند. شاعر باید مسئولانه اندیشه کند. (همان، ص ۱۹)

با بررسی سکوت ادبی صفارزاده به سه دوره ادبی بر می‌خوریم که برای دست یافتن به شناختن کامل از سبک و اسلوب شعری او و تبیین شاخصه‌های زیباشناختی و ساختار اندیشه‌ورزی این شاعر معاصر، بررسی مستقل هر یک از این دوره‌ها ضرورت تام دارد.

## دوران آزمون و خطا

همه شاعران بزرگ در مقطعی از زندگی ادبی خویش و در مرحله عبور از گردنه «آزمون و خطا» - به طور ناخودآگاه - به رفتار هنجار و حتی در پاره‌ای موارد «رفتار فروهنجار» با زبان مبتلا بوده‌اند، ولی در نهایت با کسب دانش و بینش ادبی و رسیدن به قله اجتهاد در حوزه زبان، در سیر تکوینی خویش این منزل را پشت سر گذاشته و به سرمنزل خلاقیت و نوآوری در

سایه‌ها پیروان‌اند. (رهگذر مهتاب، سخن در آغاز)

### گرایش به روایت، پیچیدگی در زبان

دوره دوم زندگی ادبی شاعر از سال ۱۳۴۷ با چاپ مجموعه شعر «طنین در دلنا» آغاز می‌شود و تا سال ۱۳۵۶ ادامه پیدا می‌کند. شاخصه‌های اصلی شعر صفارزاده در این دوره، گرایش به روایت و پیچیدگی در زبان است. چاپ دفترهای «سد و بازوان» و «سفر پنجم» نیز حاصل سلوک ادبی شاعر در این دوران است.

در شعرهای این دوره از زندگی ادبی شاعر، تشبیه و استعاره محلی از اعراب ندارد. و این «روایت» است که مرکز توجه شاعر قرار می‌گیرد و ساختار اشعار او را شکل می‌دهد، به شعر زیر دقت کنید:

در کوچه‌های تنگ بنارس اگر سیزده ساله‌ای دیدی  
که دنبال ارابه مهاراجه و بانو می‌دود و

قلوه‌سنگ پرتاب می‌کند

او پسر من است

در پنج سالگی هزار و پنج ساله بود

هزار سال ادامه آفتاب

بعدها دختر بچه‌ای را سلام گفتم که

رنگ چشمهای او را داشت

بزرگ‌ترین اختراع همیشه از آن شما

بودست

صفر را می‌گویم که آغاز را آغاز نهاد.

(طنین در دلنا)

شعرهایی که شاعر در این دوره از زندگی ادبی خویش سروده، از ساختاری پیچیده و ابهام‌آمیز برخوردار است که خواننده در فهم آن در می‌ماند. شاعر در این شعرها به «جریان سیال ذهن» میدان تاخت و تاز داده و از همین رو فضای شعرها انتزاعی و ذهنی شده است. نیما نیز در بسیاری از شعرهای خویش به‌رغم تأکید فراوان بر ساده‌گویی و نزدیکی به طرز بیان طبیعی، به این شیوه متوسل شده است. توسل به این شیوه در خواننده انفعال و سرخوردگی ایجاد می‌کند و در نهایت به «بحران مخاطب» دامن می‌زند:

انفجار

روزنامه صبح و عصرمان بود

می‌خواندیم

کنار می‌گذاشتیم

دوباره می‌خواندیم

شانکا گفت کاش اینجا نیامده بودم

آلبا می‌گفت کاش به دنیا نیامده بودی

بوخ می‌گفت ما نویسندگان

لیندولف می‌گفت باید کاری کرد

آلفردو می‌گفت در یک سال فقط سه شهر را سیاحت کردیم

و جرج ما را به تماشای امکانه بی‌تاریخ می‌برد

«دوگل» بی‌ادب‌ترین مهمان جهان بود

... (کتاب «طنین در دلنا»، ص ۵۰ - ۴۸)

پیچیدگی و مغلق‌گویی شاعر در مرحله دوم از زندگی ادبی خویش، برقراری ارتباط خواننده با شعر او را مشکل کرده است. به نظر می‌رسد

صفارزاده در این مرحله به نوعی تحت تأثیر تئوریهای

ادبی غربی قرار گرفته و مطابق با آن تئوریه‌ها به

سرودن شعر پرداخته است، چرا که نوعی

تئوری‌زدگی در شعرهای این دوره از زندگی

شاعر دیده می‌شود، هرچند این

تئوری‌زدگی ناخودآگاه و در نتیجه آشنایی

با زبان و ادبیات خارجی بوده باشد.

رفتار شاعر با زبان در این دوره، رفتاری

مشابه رفتار پیش‌فراهنجار است. یعنی

شاعر در تلاش گشودن راهی جدید برای

دستیابی به عرصه‌های خلاقیت و نوآوری

است که این تلاش مومنامه در مرحله سوم به ثمر می‌نشیند که محصول آن

را در دفترهای «بیعت با بیداری» و «دیدار صبح» مشاهده می‌کنیم که

شاعر به زبانی کارآیند و فراهنجار دست پیدا می‌کند.

### «بیعت با بیداری» طلیعه رفتار فراهنجار

بدون هیچ تردیدی یک شاعر زمانی می‌تواند بر قله خلاقیت و نوآوری

صعود کند که موفق به در پیش گرفتن رفتاری فراهنجار با زبان باشد و

رفتار فراهنجار با زبان منحصر به آن گروه از شاعران است که از دانش،

بینش، بصیرت و اجتهاد ادبی برخوردارند. رفتار فراهنجار با زبان همچنان

که از نام آن پیداست به رفتاری اطلاق می‌شود که شاعر به خاطر تسلط و

اشرافی که نسبت به زبان دارد، خود را در چارچوب هنجارهای رایج ادبی

عصر خویش محدود و محصور نمی‌کند. در این شیوه رفتاری، شاعر با

اتکا به بصیرت و اجتهاد خویش در این عرصه، زبان را به چالشی جدی



بدون هیچ تردیدی یک شاعر زمانی می‌تواند بر قله خلاقیت و نوآوری صعود کند که موفق به در پیش گرفتن رفتاری فراهنجار با زبان باشد و رفتار فراهنجار با زبان منحصر به آن گروه از شاعران است که از دانش، بینش، بصیرت و اجتهاد ادبی برخوردارند

منزل «آزمون و خطا» گذر می‌کند و پس از توقیف ناگزیر در منزل «پیچیده‌گویی» و بیان روایی، خود را به آخرین منزل می‌رساند و آخرین منزل همان نقطه‌ای است که آزادی و رهایی انسان را در بیانی صمیمی و ساده فریاد می‌کند:

«از صد سال پیش به این طرف، شاعران از قله‌هایی که می‌پنداشتند بر آن نشسته‌اند به زیر آمده‌اند، اربابهای خود را دشنام گفته‌اند و سرود عصیان را به مردم آموخته‌اند و بدون دل‌سردی می‌کوشند آوازهای خود را به دیگران بیاموزند و اطمینان دارند که برای همه سخن می‌گویند. تنهایی شاعران امروز دارد از میان می‌رود. اینک آنها مردمی هستند، در میان مردم دیگر.»  
(عبدالعلی دستغیب، نیما یوشیج (نقد و بررسی)، ص ۵۳)

حسن ختام این نوشتار را به فرازی از شعر «از معبر سکوت و شکنجه» از دفتر «دیدار با صبح» اختصاص می‌دهیم، شاعر در این شعر افشاگر، ضمن اشاره به مظلومیت مردم ایرلند در مبارزات آزادی‌خواهانه و همچنین مظلومیت ملت ایران در دفاع مقدس و آوارگان فلسطینی، به گلایه از سازمانهایی می‌پردازد که در ظاهر سنگ دفاع از حقوق بشر را بر سینه می‌زنند، ولی در مقام عمل جز «سکوت» کار دیگری نمی‌کنند! با هم می‌خوانیم:

«و بمب



در این دوره، شاعری را می‌بینیم که زبان و شیوه بیان شعرش بسیار ساده و لبریز از گزاره‌های خطابی و شعارگونه است. رویکرد او به گزاره‌های مذهبی - که در دوره دوم کاهش یافته بود - دوباره شدت می‌گیرد

آن گونه ماهرانه

نقش شکنجه را از جسمهای شهیدان زدوده است  
که سازمان حقوق بشر  
مدافعان بین‌الملل  
در غیبت گواه و سند  
در مرز داوری  
زبانشان بسته است  
...

راه شما و ما و خلق فلسطین  
و راه تمام خلقهای تحت ست  
از معبر شکنجه  
از معبر سکوت و سلطه‌گری  
به هم پیوسته‌ست

ما راه را دنبال می‌کنیم  
و فتح با ما خواهد بود

با نیازهای ادبی عصر خویش می‌کشاند و برای آنکه بتواند توانایی پاسخگویی به این نیازها را پیدا کند، به رفع کاستیها و مرمت و بازسازی بنای زبان می‌پردازد. اتخاذ این شیوه رفتاری با زبان باعث تبدیل «شعر» به «فراشعر» می‌شود.

شاعران فراهنجار، هنجارشکن و هنجارستیز نیستند، بلکه «هنجارفراز» هستند، یعنی از جایی که دیگران توقف کرده‌اند، حرکت را آغاز می‌کنند و ادامه می‌دهند. برای مثال حافظ ادامه منطقی سعدی است. یعنی راهی را که سعدی در غزل آغاز کرده بود، حافظ به کمال رسانید و یا در عصر خودمان می‌توان گفت که شاملو با ابداع شعر منثور یا سپید ادامه منطقی نیماست، چنان که طاهره صفارزاده نیز ادامه منطقی شاملوست، با این

تشخص که شعر او از مضامین دینی برخوردار است.

و اما دوره سوم زندگی ادبی صفارزاده از سال ۱۳۵۶ با چاپ دو مجموعه شعر «بیعت با بیداری» و «دیدار صبح» آغاز می‌شود که این دوره تا کنون ادامه یافته است. در این دوره شاعر به سبکی مستقل و زبانی کارآمد و منسجم دست پیدا می‌کند و ساده‌گویی را در پیش می‌گیرد. در رویگردانی شاعر از پیچیده‌گویی و گرایش او به لحن طبیعی گفتار در این دوره، شاید مؤلفه‌ای چون انقلاب اسلامی بی‌تأثیر نبوده است.

دکتر سید مهدی زرقانی درباره این دوره از زندگی ادبی صفارزاده چنین می‌گوید: «در این دوره، شاعری را می‌بینیم که زبان و شیوه بیان شعرش بسیار ساده و لبریز از گزاره‌های خطابی و شعارگونه است. رویکرد او به گزاره‌های مذهبی - که در دوره دوم کاهش یافته بود - دوباره شدت می‌گیرد. در «بیعت با بیداری» اشعار او بسیار ابتدایی‌تر است، اما در دفتر بعدی، کمی شکل فنی و هنری به خود می‌گیرد. در آخرین اثرش، هم اشعار نیمایی دارد و هم منثور و البته بیشتر اشعارش در جایی بین این دو نوع شعر قرار می‌گیرند، نه زنگی زنگ و نه رومی روم. «دیدار با صبح» در واقع ادامه معتدل «دلنا در طنین» است. منتها دایره واژگانی این دفتر به طرف مذهب متمایل شده است. معمولاً بر آن است که مضمون مذهبی را در مرکز شعرش قرار دهد و بر گرد آن مضمون، ساختاری شاعرانه بسازد.

(سید مهدی زرقانی، چشم‌انداز شعر معاصر ایران)

در واقع دوره سوم زندگی ادبی شاعر را باید دوره کمال ادبی او به شمار آورد. چرا که شاعر طی سالیانی دراز با تلاشی بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر از



# شاعری به تمامی معناگرا



«طاهره صفارزاده» به تمامی معناگرا بود و از جمله شاعرانی بود که به ساخت و ظاهر چندان توجه نمی‌کرد. رواج‌های معمول شعر فارسی را کنار زده بود و به شیوه خاص خودش به شعر و به ویژه مضامین شعری پرداخته است.

«غلامرضا کافی»، شاعر و پژوهشگر ادبی، با بیان این مطلب گفت: «طاهره صفارزاده» نخستین کسی بود که در شعر انقلاب با ابزار شعر آزاد به سرایش پرداخت. شعر او شعری است، منحصر به فرد و

مصدق این بیت نظامی است که «عاریت کس نپذیرفته‌ام/آن چه دلم گفت بگو، گفته‌ام».

این استاد دانشگاه شیراز ادامه داد: جنبه دانشی و علمی شعر نزد مرحوم صفارزاده قوی است،

حال آن‌که شعر امروز ما از دانش‌های مرسوم فاصله گرفته و حتی دیگر دانش‌های مربوط به شعر هم در شعر معاصر کمتر استفاده می‌شود. او همچنین گفت: «طاهره صفارزاده» بسیاری از

انتقال آموزه‌های دینی را در شعر خود منعکس می‌کند، اما زبان ویژه او سبب شده که کم‌تر در شاعران پس از خود مورد تقلید قرار بگیرد.



طاهره صفارزاده بسیاری از رواج‌های معمول شعر فارسی را کنار زده بود و به شیوه خاص خودش به شعر و به ویژه مضامین شعری پرداخته است

## «صفارزاده» کلمه طیبه‌ای که در ادبیات ما متجلی شد

مرحوم صفارزاده از کلمه‌های طیبه‌ای بود که در ادبیات ما متجلی شد که مانند شجره طیبه، اصلش ثابت و شاخه‌هایش در آسمان است.



«سیداحمد نادمی» شاعر و مترجم، با بیان این مطلب گفت: صفارزاده برای من نمونه کامل یک شاعر مستقل است؛ شاعری که از طریق شعرهای خویش و بدون این‌که به نحله یا جریان شعری خاصی وابسته باشد، خود را در ادبیات ما مطرح کرد.

این مترجم ادامه داد: ادبیات، واقعیت زندگی صفارزاده بود و نمی‌توان گفت که او ادبیات را فقط در کنار زندگی خود می‌دید؛ در تأثیر او بر ادبیات پس از انقلاب همین بس که اعتماد به نفس شاعران پس از انقلاب به پشت‌گرمی شاعرانی چون «طاهره صفارزاده» ایجاد شد.

او همچنین گفت: این روزها مردم نام صفارزاده را با ترجمه او از قرآن می‌شناسند؛ اما برای ادب‌دوستان آثاری چون «طنین در دلتا» و «سفر پنجم» نیز فراموش ناشدنی است. او کسی بود که بسیار دقیق با ترجمه روبرو می‌شد و از

جمله مترجمانی بود که به متن بسیار وفادار و او این نظر را حدود دودهمه پیش در کتابی از خود درباره ترجمه نیز به صورت نظری ابراز کرده بود. او در آن کتاب به ترجمه‌های بسیار مهم ادبیات ما با رویکرد خرده‌گیرانه‌ای روبرو شده و این آثار را بسیار دقیق مورد نقد قرار داده بود.

نادمی تأکید کرد: یکی از ویژگی‌های مهم شعر صفارزاده در هم‌آمیختگی باورهای دینی، اسلامی و شیعی است و این در هم‌تنیدگی سبب شده که اکثر شعرهای او به یک بشارت تبدیل شود که بر آیات قرآنی یا اندیشه شیعی متکی است.

وی افزود: فقدان شاعر باورمندی چون «طاهره صفارزاده» حادثه کمی نیست و جای او به راحتی پر نخواهد شد. گمان می‌کنم مرحوم صفارزاده از کلمه‌های طیبه‌ای بود که در ادبیات ما متجلی شد که مانند شجره طیبه، اصلش ثابت و شاخه‌هایش در آسمان است.

او در پایان گفت: امیدوارم که آن مرحوم به واسطه تلاش‌های خود و به‌ویژه ترجمه قرآن کریم در پیشگاه خداوند، سربلند باشد.





یادداشت میراحمد میراحسان در سوگ صفارزاده

## صفارزاده؛ مانوس با قرآن و اهل بیت (ع)

یادداشت زیر از میراحمد میراحسان نویسنده و منتقد ادبی در سوگ صفارزاده است.



میراحسان در این یادداشت می نویسد: خوابگرد بود، رویاهایش، رویت بودند و می دید. می دید در جهانی که بینایی، باور نمی شود و ندیدن ممتد و انبوه است و چیز باورپذیر و طبیعی زمان ماست کوری. پس بیهوده نبود که با آن همه فرزاندگی به پس رانده شد به پستو و تنها شد. اعتراف می کنم بی پرده پوشی دوستش داشتم. از سد و بازوان و طنین در دل، مرا گرفته بود. دهه زرین ۴۰ پشت سر نهاده شده بود. ۱۷ سالگی ام با آغاز دهه ۵۰، کشف آوانگاردیسم طاهره صفارزاده و اولین نقد

شعری که منتشر کردم، شروع شد؛ از پله های کسب تا پله های شرح، درباره شعر طاهره، او خاطره جوانی فراموش نشدنی من است. شعر می گفتم و شروع کرده بودم به نوشتن درباره شعر و در «فردوسی» و «تماشا» و «زمان» می نوشتم و شعر را و نقد شعر را با طاهره صفارزاده بنا نهادم. من آدم متناقضی بودم و برخلاف همه، از تناقضم ناراضی نبودم. این تناقض بود که اجازه می داد همزمان از صفارزاده و احمدرضا احمدی و نیما لذت ببرم. در این حال و هوا شعر صفارزاده برایم یک رخداد و هوای تازه در شعر نو ایران بود. با انقلاب، طاهره یکسر دچار شور رستاخیز و انقلاب اسلامی شده بود، ترک شعر گفته بود تا شعور و شعارهایش را بنویسد. در نیمه اول دهه ۶۰، بازار انقلابیگری داغ بود، همه دوست داشتند درباره پیشینه انقلابی خود سخن بگویند؛ از ساواک و آزارهای سیاسی و بگیر و ببند و زندان و ممیزی... صفارزاده مصاحبه‌یی کرده بود با روزنامه اطلاعات و از رنج هایش حرف زده



عمق گرفت و مدام می‌خواست به او سر بزنم و اما هرگز ماجرای مصاحبه اش را درباره اولین مقاله ام را به یاد نمی‌آورد. طاهره با من از حال و هوایش حرف می‌زد. شاید من تنها کسی بودم که با او حرف می‌زد. از ایمانش که شگفت بود. دیگر می‌دانستم پرنده‌یی است که وقت نماز شب می‌آید پشت پنجره اتاق نمازش می‌نشیند و می‌خواند. همه شب می‌آید و می‌خواند. می‌دانستم دردش را که همه جوابش گفته بودند آن الفتش با قرآن و انس اش با مولا علی (ع) بی‌دروغ بود و می‌تایید.

از تباهی زدگی رایج و بی‌عدالتی مضطرب بود. تابع مولایش علی (ع) بود. به من می‌گفت تنها با تو می‌توانم این حرف‌ها را بزنم. زمانه ناسازگار بوده و با او نمی‌خواند و



با انقلاب، طاهره یکسر دچار شور رستاخیز و انقلاب اسلامی شده بود، ترک شعر گفته بود تا شعور و شعارهایش را بنویسد. در نیمه اول دهه ۶۰، بازار انقلابیگری داغ بود، همه دوست داشتند درباره پیشینه انقلابی خود سخن بگویند

باورش نمی‌کردند.

به من خبر دادند به بیمارستانش برده‌اند و پیغام داده بود که سری به او بزنم. شاید برای آلوده نشدن فضای معنوی روزهای آخرش بود که دیدار میسر نشد و به‌کما رفت و رفت. من لاهیجان بودم. طاهره رویت داشت. چشم داشت و چشمداشت نداشت. مراقبه و محاسبه داشت. حرام نمی‌خورد، خود را فریب نمی‌داد، او با حق بود. مانوس قرآن و محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و از آنها راهشان را می‌آموخت و عمل می‌کرد. پس به سوی حق شتافت. باشد که محبوبش خدا محشور یارانش کند.

بود و ممنوعیت هایش و به نظرش رسیده بود جز حقوقی، آن سال‌ها همه علیه شعر او بوده‌اند و این را رژیم سابق می‌خواست است و وقتی در برابر نقد تحسین آمیز کسی به نام احمد میراحسان در مجله زمان قرار گرفت، تا آنجا بدگمانی اش پیشرفت کرد که پنداشته بود آن تمجید خود هم یک توطئه بوده، زیرا لوشانی دوست هویدا بود و صاحبان امتیاز مجله‌های آن سال‌ها متهم بودند و این زمان بود مجله «زمان» نقد آدم ناشناسی را همزمان با انتشار طنین در دلتا چاپ کرده بود. یک سال بعد از نوشتن آن نقد، من دانشجو بودم و بعد دستگیر شدم و... نمی‌دانستم صفارزاده درباره آن نوشته چه می‌اندیشد.

گذشت تا بازگشتم و مجدداً کار نوشتن را آغاز کردم و با همه زخم دلم از زخم ناخواسته زبان، هنوز فکر می‌کردم شعر طاهره در دهه ۵۰ پیشرو و یکه بود و مهم‌تر از آن تاثیر بی‌کران آن شعر بر شعر دهه ۷۰ و جریان پست مدرنیستی شعر ایران بود که از او بهره می‌گرفتند و به شکل ناقصی او را تکرار می‌کردند و دم برنمی‌آوردند. تجربه زبان، مرکززدایی، چندروایتگری، سفیدخوانی، محاوره‌گویی، چندکانون‌گرایی، گرافیک شعر و... همه و همه میراث طاهره بود. شهر تهران در شعر او کم نظیر بود.

حالا مقاله ام در هنگامی که به بازخوانی کار آوانگاردیست‌ها مشغول بود توجه صفارزاده را جلب کرد. با خواندن آن مقاله پراز لطف و شوق به سراغم آمد. حال، ما همدیگر را پیدا کرده بودیم. شکل مادرم شده بود و دوستی ما



## بنیانگذار نگرش جدید در پژوهش‌های قرآنی

پژوهش‌هایی که «طاهره صفارزاده» در زمینه قرآن انجام داد، جدا از آن‌که باقیات صالحات است، به لحاظ محتوایی یک نگرش نوین محسوب می‌شود.

با طاهره صفارزاده، ۲۱ سال پیش اتفاق افتاد. من شعاری از کتاب «مردان منحنی» را خوانده بودم، اما اشعار این کتاب نشان می‌داد که سراینده‌اش دارای روحی مبارز و انقلابی است.

او علی‌رغم گرفتن دکترا در آمریکا، مبارزات فراوانی با رژیم وقت داشت، بعد از این کتاب علاقه‌مندی بیشتری نسبت به او پیدا کردم و وقتی شنیدم او هم کرمانی و همشهری من است ارادت و دوستیمان بیشتر شد، که تا زمان وفات او ادامه یافت.

او تأکید کرد: صفارزاده انسان کم و کوچکی نیست، او قرآن‌پژوهی تواناست و به‌عنوان بانوی قرآن‌پژوه جهان اسلام مطرح شده است و در پیشگاه خدا و خلق دست خالی نیست.

این نویسنده در پایان خاطرنشان کرد: ما متأسفانه همیشه آنقدر دیر به فکر می‌افتیم که کار از کار می‌گذرد و جالب است که هیچ‌گاه نیز برای ما عبرت نمی‌شود، چرا به‌طور مثال وقتی که قیصر امین‌پوری در قید حیات است با او رفاقت نمی‌کنیم و همیشه طالب آنیم که در سوگ افراد، گریبان پاره کنیم.

«مریم صباغ‌زاده ایرانی»، نویسنده، گفت: صفارزاده شاعری تحصیل‌کرده است که تسلط بسیار خوبی در زمینه‌های معارف، زبان انگلیسی و عربی دارد و از تمام این توانایی‌ها در بهترین راه‌ها بهره برده؛ او ۱۵ سال اخیر را به‌تمامی با قرآن سروکار داشته و تنها یکی دو کتاب شعر کار کرده است.

او درباره شیوه جدید نگرش صفارزاده به پژوهش‌های قرآنی گفت: قرآن دستور زندگی و کتاب دینی ماست و در این میان، این ما هستیم که باید سره را از ناسره تشخیص دهیم و صفارزاده با ذهنیتی نوین به سراغ این قرآن‌پژوهی می‌رود.

صباغ‌زاده درباره نوع آشنایی خود با صفارزاده گفت: آشنایی من



## شعر «طاهره صفارزاده» منحصر به فرد است

صفارزاده در نوع کار خود استثناست و هیچ کس دیگر را نداریم که با طاهره صفارزاده در این زمینه مقایسه کنیم و از این منظر کار صفارزاده در دهه خود بسیار قابل توجه و ویژه جلوه می‌کند.



«بهباد خواجهات»، شاعر و منتقد، با بیان این مطلب گفت: من «طاهره صفارزاده» را در کتاب «جریان‌شناسی شعر معاصر» در دهه شاعران کشفی، شهودی قرار داده‌ام و به عقیده من به‌رغم این‌که درباره شعر صفارزاده در کتاب‌های نقد و تحلیل شعر معاصر کمتر سخن گفته شده، شعر صفارزاده دارای جایگاه ویژه‌ایست که نیازمند بررسی مجدد است.

این استاد دانشگاه ادامه داد: یکی از مهم‌ترین جنبه‌های شعر صفارزاده پرداختن به زندگی مدرن و انتخاب مناظر شعر از مسائل و روزمرگی‌های زندگی است که این موضوع یکی از مواردی است که هر شعری را می‌تواند مدرن جلوه دهد. در شعر صفارزاده چندان به زبانیت پرداخته نمی‌شود و شعر بیشتر شعری است حجمی. این شعر، شعری است که چندان به عناصر جزئی شعر توجه نمی‌کند و قصد دارد با شکار لحظه‌های زندگی و پرداختن به محتوای آن به نوع خاصی از نگرش دست پیدا کند.

او همچنین گفت: شعر صفارزاده از پرچم‌های شعر مدرن ایران است و به‌ویژه در سفر پنجم که به نظر من بهترین کتاب اوست، عناصر جدیدی به شعر وارد می‌کند که حدود دو دهه بعد جزء مؤلفه‌های شعر ایران می‌شود. خواجهات ادامه داد: اصولاً شعر طاهره صفارزاده ویژگی‌های

امپرسیونیستی دارد، به این معنا که در پی پرداختن به جزئیات زندگی در پی معنای نهایی و معنای کلی زندگی هستند. بنابراین در این شعر اندیشه و تفکر بر همه عناصر دیگر سایه می‌اندازد. شاعر «جمهور» همچنین گفت: صفارزاده در نوع کار خود استثناست و هیچ کس دیگر را نداریم که با طاهره صفارزاده در این زمینه مقایسه کنیم و از این منظر کار صفارزاده در دهه خود بسیار قابل توجه و ویژه جلوه می‌کند.

او در پایان گفت: شاید نتوان تأثیرپذیری‌های مشخصی را در شعر شاعران دهه‌های بعد، از شعر صفارزاده پیدا کرد، ولی دست‌آوردهای او به گمانم دست‌آوردهای منحصر به فردی است که سبب شد در شعر به تمام جزئیات زندگی بدون توجه به شاعرانگی خیلی از عناصر باز شود و این یکی از مؤلفه‌های مهم شعری شد که بعدها در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ به نوآوری‌های جدیدتری دست پیدا کرد.



## «صفارزاده» روشنگر چراغ شعر نو آیینی و انقلابی

«طاهره صفارزاده» شاعری است که در بحبوحه پیروزی انقلاب، به فراوانی اشعار خود را ارائه داد و توانست چراغ شعر نو آیینی و انقلابی را روشن کند.

جمله شاعران مؤثر بود و نمی‌توان تاریخ ادبیات آیینی معاصر را نوشت و از طاهره صفارزاده چیزی نگفت. او همچنین گفت: صفارزاده با هوشمندی، در سال‌های پس از انقلاب در می‌یابد که عمر شاعری و عمر حضور در فعالیت‌های اجرایی ادبیات کم است و این فراست را تعداد کمی از شاعران دارند. این هوشمندی سبب می‌شود که صفارزاده به سراغ عمق مفاهیم جدی‌تر ادبی برود و ماندگارترین نمود این اندیشه‌ورزی ترجمه ماندگار قرآن کریم است که از او منتشر شده است.

«هاشم کرونی» شاعر و نویسنده، با بیان این مطلب گفت: زمانی که به اسم طاهره صفارزاده برمی‌خوریم، در می‌یابیم که او در بسیاری از زمینه‌ها یک خلاف عادت و استثناء محسوب می‌شود؛ یعنی زنی است که در فضای مردانه ادبیات شروع به کار می‌کند. البته در همین فضای مردانه و پس از آغاز به‌کار صفارزاده حضور

زنان کم‌کم به چشم می‌آید و به‌نوعی می‌توان او را از پیشگامان حضور پررنگ‌تر ادبی زنان به‌شمار آورد.

شاعر «کلوزآپ از باب اول کتاب مقدس» همچنین گفت: از طرف دیگر طاهره صفارزاده از معدود کسانی است که شعر آیینی را با

فرم‌های نوتر و مدرن‌تر ارائه می‌کند.

این منتقد ادبی گفت: اگرچه صفارزاده در سال‌های پس از انقلاب به تدریج از حضور در محافل ادبی کناره گرفت، اما آن‌چه مسلم است، آن است که در شعر پیشگام انقلاب از یک زیرساخت دین‌محور بود، نگاه و تفکر دینی و قرآنی به وضوح در اشعار او به چشم می‌خورد و تأثیر و تأثر قرآن، دین و تفکرات آیینی را می‌توان در مجموعه‌های شعری او به‌گونه‌ای برجسته‌پی‌گیری کرد.



صفارزاده با هوشمندی، در سال‌های پس از انقلاب در می‌یابد که عمر شاعری و عمر حضور در فعالیت‌های اجرایی ادبیات کم است



## صفا زاده؛ از سر سلسله داران حلقه ادبیات مذهبی

در ایران پس از انتشار با استقبال خوبی روبرو شد، چاپ اول آن به صورت سه زبانه، فارسی، عربی و انگلیسی بود، که امکان مقایسه را به خواننده می‌داد، اما در چاپ‌های بعد این ترجمه به صورت انگلیسی و عربی منتشر شد.

وی افزود: البته ترجمه صفا زاده در کنار حسن‌ها و ویژگی‌هایی که دارد از نقاط ضعفی هم رنج می‌برد، برای نمونه ترجمه فارسی ایشان در پاره‌ای از موارد آنطور که باید و شاید دقیق ترجمه نشده است، اما با این وجود به جرأت می‌توان گفت، در بین ۳۵ ترجمه فارسی که بعد از انقلاب از قرآن چاپ شده، ترجمه وی نمره ۲۸ را از ۳۵ خواهد گرفت، ولی متأسفانه ترجمه فارسی ایشان به دلیل غفلت رسانه‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفت.

پورطباطبایی در پایان بیان کرد: «طاهره صفا زاده» به عنوان یک زن مسلمان و متدین از حیث علمی و جهات بسیار قابل قبولی داشت، وی

قبل از انقلاب به عنوان مسئول دپارتمان زبان‌های خارجی دانشگاه تعیین شد، که با توجه به آن زمان افتخار بزرگی محسوب می‌شد، چرا که در کنار وی کسان دیگری هم بودند که تسلط بسیاری به زبان‌های خارجی داشتند، اما وجهه علمی صفا زاده بر آنان برتری داشت.

عضو هیأت علمی گروه علوم قرآنی مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم گفت: صفا زاده به همراه «سید علی موسوی گرمارودی» از سر سلسله داران حلقه ادبیات مذهبی ایران بود، که توانست نمونه‌های موفق از شعر اسلامی را به عرصه ظهور برساند.



حجت‌الاسلام والمسلمین «سیدمجید پورطباطبایی» عضو هیأت علمی گروه علوم قرآنی مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم در اشاره به وجهه شاعری صفا زاده تصریح کرد: صفا زاده در کتاب «سفر پنجم» به خوبی ویژگی‌های شعر اسلامی را نشان می‌دهد، توصیفی که شاعر از سلمان فارسی در این

مجموعه داشته در مقایسه با توصیفات اندکی که از این شخصیت در شعر فارسی شده قابل مقایسه نیست.

این محقق قرآنی ادامه داد: «طاهره صفا زاده» نیز به همراه موسوی گرمارودی، از سردمداران

شعر قرآنی و اسلامی معاصر بود، که جریان شعر سپید قرآنی را به وجود آورد و نمونه‌های موفق شعر قرآنی را سرود.

پورطباطبایی هم‌چنین در اشاره به ترجمه قرآن صفا زاده تصریح کرد: خوشبختانه قرآن حکیم صفا زاده



خوشبختانه قرآن حکیم صفا زاده در ایران پس از انتشار با استقبال خوبی روبرو شد، چاپ اول آن به صورت سه زبانه، فارسی، عربی و انگلیسی بود





## آزادی خواهی و انقلابی گری درون مایه شعر «صفارزاده»

«غلامرضا مستعلی پارسا درون مایه و محتوای اشعار طاهره صفارزاده را مسائل مذهبی، آزادی خواهی و انقلابی گری دانست.



«غلامرضا مستعلی پارسا، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، با بیان این مطلب افزود: شعر صفارزاده از لحاظ فرم، محتوا و زبان جزء شعرهای تقریباً آوانگارد معاصر محسوب می شود که با محتوای انقلاب اسلامی ترکیب و همراه شده است.

وی افزود: صفارزاده شاعر انقلابی معاصر است و از این نظر خصوصاً در اوایل انقلاب در ادبیات انقلاب اسلامی تاثیرگذار بود. من خودم آن زمان دانشجو بودم و به شعر و ادبیات انقلاب خیلی علاقه داشتم و به یاد دارم که یکی از شاعران مطرحی که شعرش در بین طرفداران انقلاب هوادار داشت، مرحوم صفارزاده بود.

مدیر گروه رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه، درباره خصوصیات شعر صفارزاده گفت: شعر این بانوی ادیب از نظر فرم و

قالب شعر بی وزن یا به اصطلاح سپید به حساب می آید و البته از نوع خوب آن است. تخیل صفارزاده در اشعارش تخیلی شاعرانه و زبانش نیز زبان شسته و رفته ادبی است.

مستعلی ادامه داد: صفارزاده که به لحاظ تخصصی زبان و ادبیات انگلیسی خوانده بود، با شعر مدرن اروپا و آمریکا به خوبی آشنایی داشت و این آشنایی در شعرش و در شیوه شاعری اش تاثیرگذار بود. ضمن اینکه ایشان به دلیل آشنایی توأم با شعر ایران و غرب تلاش کرد در آثارش تلفیقی شاعرانه از این دو مکتب ارائه دهد.

این استاد دانشگاه که خود از شاگردان عبدالوهاب نورانی وصال – همسر طاهره صفارزاده – است در پایان اظهار کرد: من گاهی که به دفتر کار صفارزاده در شورای عالی انقلاب فرهنگی می رفتم، می دیدم که مرحوم صفارزاده هم در کار علمی و تدریس و هم در ترجمه اش چقدر کوشا بود و جدیت داشت.



# رهگذر مهتاب با بیداری بیعت کرد





رییس جمهور:

## طاہرہ صفارزادہ الگوی انسانی کمال جو برای نسل حاضر است

محمود احمدی نژاد، رییس جمهور کشورمان در پیامی، درگذشت مرحومه طاہرہ صفارزادہ را تسلیت گفت و او را الگوی انسانی ایمانی، عدالت خواه و کمال جو برای نسل حاضر نامید. متن این پیام بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم  
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

عروج عارفانه انسانی متعالی، هنرمندی آرمانی، مجاهدی خستگی ناپذیر و استادی کمال آفرین مرحومه خانم طاہرہ صفارزادہ را به ملت ایران، جامعه دانشگاهی و اهالی فرهنگ و هنر تسلیت عرض می نمایم. او که زبان گویایش در دوران مبارزاتی انقلابی، در خدمت اهداف بلند ملت ایران قرار داشت طی چهار دهه زندگی پر ثمر در تبیین فرهنگ انقلابی و اصالت های انسانی و الهی بیشتاز و پیشگام بود. او الگوی انسانی ایمانی، عدالت خواه و کمال جو برای نسل حاضر است. در سالروز شهادت مولایش امام صادق (ع) به دیدار معبود شتافت، روحش شاد و یاد و نامش مستدام باد. از خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و رضوان الهی و برای بازماندگان صبر و اجر و برای جامعه فرهنگی و هنری کشور توفیق ادامه راه روشن را مسألت دارم.

## پیام تسلیت حضرت آیت الله العظمی خامنه ای به مناسبت درگذشت «طاہرہ صفارزادہ»



درگذشت بانوی فرزانه، مترجم قرآن و نویسنده و شاعر اخلاق، خانم دکتر طاہرہ صفارزادہ را به بازماندگان گرامی ایشان و به جامعه ادبی و شعر کشور تسلیت می گویم. خدمات این بانوی با ایمان به ویژه ترجمه ی ماندگار قرآن کریم، حسنات او را در پیشگاه حضرت حق سنگین خواهد کرد، انشاء الله. رحمت و غفران الهی بر او باد.



## پیام تسلیت محمد حسین صفارهرندی به مناسبت درگذشت «طاہرہ صفارزادہ»

وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت درگذشت «طاہرہ صفارزادہ» پیام تسلیتی صادر کرد. متن این پیام بدین شرح است: خبر درگذشت دکتر طاہرہ صفارزادہ بانوی قرآن پژوه، مترجم و شاعر معاصر، جامعه فرهنگی ایران اسلامی را به سوگ نشاند.

در ادامه این پیام آمده است: این بانوی فرهیخته بخش اعظم عمر مبارک خود را مصروف مطالعه، پژوهش و تدریس در علوم ترجمه کرد و با ذوق سرشارش، اشعار دل انگیزی را تقدیم دوستداران ادبیات متعهد کرد. اما این همه پاسخگوی نیازهای روح جستجوگرش نبود و از این رو گام در بوستان قرآن پژوهی نهاد و آثاری ارزشمند را در این حوزه آفرید که بی تردید از جمله چراغ های فروزنده فراراه دوستداران کتاب هدایت خواهد بود.

وی در پایان تصریح کرده است: اینجانب درگذشت این بانوی اندیشمند را به محضر رهبر معظم انقلاب، خادمان بزرگوار قرآن کریم، تمامی اهالی فرهنگ و ادب و خانواده محترم ایشان تسلیت عرض می کنم و آمرزش و آرامش روح جستجوگر ایشان را از درگاه خداوند متعال خواستارم.



## محسن پرویز درگذشت طاهره صفارزاده را تسلیت گفت.

در پیام محسن پرویز آمده است: درگذشت خادم قرآن، سرکار خانم طاهره صفارزاده که عمر پربار خویش را صرف خدمت به اسلام و فرهنگ قرآنی و ادبیات ایران اسلامی نموده موجب اندوه و تالم اهل قلم گردید. وی افزوده است: برای آن بانوی عالی مقام که انس و ارادت ایشان به خاندان اهل بیت (ع) شهره عام و خاص بود از درگاه خداوند متعال غفران و اعتلای مرتبه و برای باز ماندگان معزا صبر مسالت می‌نمایم.

## پیام تسلیت دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی به مناسبت درگذشت «طاهره صفارزاده»



دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی طی پیامی درگذشت «طاهره صفارزاده» را تسلیت گفت.

به در این پیام آمده است: درگذشت غم‌انگیز نویسنده، مترجم و قرآن‌پژوه برجسته و پر تلاش مرحومه «طاهره صفارزاده» باعث تالم و حسرت فراوان شد، بی‌شک فقدان چنین شخصیت‌های موثری هیچ‌گاه نمی‌تواند به آسانی جبران شود و تا دیر هنگام مایه‌اندوه فراوان صاحبان اندیشه و قلم و دلسوزان اسلام و قرآن خواهد بود.

در ادامه پیام آمده است: ایشان از شخصیت‌های برجسته‌ای بودند که سال‌های عمر گران‌بهای خویش را صرف تحقیق و تالیف آثار ماندگار و خدمت به اسلام و قرآن کردند. مطمئناً اشعار، نوشته‌ها و تلاش‌های ایشان در راه خدمت به اسلام و انقلاب اسلامی باعث ماندگاری ایشان در یادها می‌شود. وی در پایان تصریح کرده است: اینجانب ضمن عرض تسلیت این فقدان جانسوز به جامعه علمی، فرهنگی و دانشگاهی کشور شادی روح آن مرحومه را از خداوند متعال مسئلت می‌دارم.

## حداد عادل درگذشت «طاهره صفارزاده» را تسلیت گفت



•• رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در پیامی درگذشت «دکتر طاهره صفارزاده» مترجم قرآن، ادیب و شاعر را به اهل ادب و خانواده او تسلیت گفت. حداد عادل، رییس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی که به تازگی به ریاست فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز منصوب شد، در این پیام چنین آورده است: درگذشت بانوی ارجمند شاعر و ادیب گرانمایه شادروان خانم «دکتر طاهره صفارزاده» مترجم قرآن موجب تأسف و تأثر گردید. فرهنگستان زبان و ادب فارسی درگذشت این شاعر آزاده را به عموم اهل ادب و به خانواده محترم و بازماندگان ایشان تسلیت می‌گوید و شادی روان و علو درجات ایشان را از خداوند متعال مسئلت می‌نماید.

مرحوم صفارزاده، ادیب و مترجم قرآن کریم صبح امروز، چهارم آبان‌ماه، در بیمارستان ایرانمهر تهران دار فانی را وداع گفت و آسمانی شد.



# «رفتن به راه می ماند، ماندن به رکود»

گزارش ایگنا از مراسم تدفین  
«طاهره صفارزاده»

## دکتر طاهره صفارزاده

شاعر، محقق و مترجم برجسته‌ی قرآن حکیم  
بانوی برگزیده‌ی جهان اسلام - سال ۲۰۰۶  
(۱۳۸۷ - ۱۳۱۵)

مراسم تشییع: ششم آبان ۸۷  
۱۰ صبح، مسجد دانشگاه تهران

خیلی طول نمی‌کشد که پس از چندبار گفتن عبارت تکراری «پارک‌وی» یک پراید مشکی جلوی پایم می‌ایستد و سوار می‌شوم.



ذهنم به تمام معنا پراکنده است و صحنه‌های امروز مدام، مانند یک تراژدی تلخ از جلوی چشمم می‌گذرد. تراژدی تلخی که اصلاً شبیه «مکبث» و «هملت» نیست؛ بیشتر شبیه تراژدی مرگ رستم است با این تفاوت که این بار خبری از نابرداری نیست. اصلاً شاید شبیه آن هم نباشد. ترافیک سنگین انتهای شمالی خیابان ولیعصر (عج) به سمت جنوب و روزمرگی رایج تا کسی این فرصت را به من می‌دهد که امروز را مرور کنم. شاید از همان لحظه‌ای که «جلال صفارزاده» را دم در مسجد دانشگاه دیدم و به او که این بار بهت زده بود. تسلیت گفتم و انگار که مرا شناخت و اصلاً به خاطر نیامد که دو بار در بیمارستان به عیادت «طاهره صفارزاده» رفته بودم و چندین بار تلفنی حال و احوالش را پرسیده بودم.

شاید از صبح که در بحبوحه رفتن به مسجد مادرم زنگ زد و دو چیز گفتم. یکی نام پدر «طاهره صفارزاده» را خواست تا بپرسم و یکی گفتم به حرمت نام قرآن و رسول (ص) پشت سر جنازه آرام صدا بزنی «مادر!» تا مبدا «طاهره» در حسرت صدای فرزند هرگز نداشته‌اش در خاک آرام بگیرد.

شاید باید از همین چند دقیقه پیش شروع کنم که حجت‌الاسلام قائم‌مقامی تلقین را با اندوهی عمیق خواند و به ویژه به نام امام حسین (ع) مکث کرد و این بار هم گریه‌ام گرفت. اما نه برای «طاهره» که برای خودم. همکار عکاس راست می‌گفت که در تدفین بزرگان انسان به حال خودش حسرت می‌خورد.

صفارزاده را سال‌ها بود که می‌شناختم. اولین بار در کتاب ادبیات سال چندم راهنمایی بود که شعری از او در کنار تصویری از تابلوی «انتظار» فرشچیان به چاپ رسیده بود و هنوز سطر اول آن شعر سپید را به خاطر دارم:

«همیشه منتظرت هستم

بی آن‌که

در رکود نشستن باشم»

معرفی کتاب درسی ناقص بود. البته شاید هم برای کتاب درسی کامل بود، اما مرا اقناع نکرد. گشتم و از او بیشتر خواندم تا این که زد و به تهران آمدم و این جا فهمیدم نباید او را دست کم گرفت.

او استاد زبان انگلیسی و مترجم قرآن هم بود؛ اما راستش را بخواهید همیشه دوست داشتم او را همان شاعر مذهبی و سپیدسرا بدانم. شخصیت جالبی داشت. از نظر طرز برخورد می‌گویم. غرور خاصی داشت که در زنان شرقی چندان پیدا نمی‌شد. در تمام این ده پانزده باری که دیدمش به خاطر ندارم که

خندیده باشد. حتی لهجه آمریکایی هم داشت. یک‌بار انگلیسی حرف زدنش را هم دیده بودم. درست دو هفته بعد از شروع جنگ نفت بود که «علی‌رضا قزوه» در تالار فرهنگسرای هنر همایش «شاعران صلح» را تشکیل داده بود و صفارزاده شعری انگلیسی و شدیداً ضد جنگ و ضد بوش گفته بود و برای ما خواند. البته خیلی تلاش کرد بدون لهجه بخواند. اما خیلی فرقی نمی‌کرد. خودش هم می‌دانست کسی چیز چندانی در نمی‌یابد و به اصرار قزوه ناچار شده بود روی سن بیاید.

در نخستین دوره جشنواره شعر فجر هم داور بود. روز اختتامیه هم «محمداسماعیل آذر» نام او را به عنوان شاعر برتر همان بخش یعنی بخش شعر نو خواند. او بالای سن نرفت. ایمانی خوشخو که گمان کرده بود این اتفاق به خاطر ازدحام جمعیت و کسالت طاهره است با سختی فراوان وسط سالن رفت و پس از امتناع صفارزاده برگشت و با طیب خاطر پشت تریبون گفت که او جایزه‌اش را به خانواده مرحوم هراتی تقدیم کرده. همان لحظه شصتم خبردار شد که اعتراضی در راه است چرا که «سلمان هراتی» در همان بخش کاندیدا بود. درست همان شب بود که مصاحبه شدیداً انتقادی او روی خروجی خبرگزاری‌ها رفت که این چه وضعش است. این چه اختتامیه‌ای بود. چه اجرای ضعیفی. چه شعرهای ضعیفی. چه میهمانان بین‌المللی ...

خیلی هم خبرنگاران را تحویل نمی‌گرفت. این که حق داشت یا نه را نمی‌دانم، اما دلیلش حق بود. می‌گفت پس از ترجمه قرآن خیلی‌ها آمده‌اند و از من مصاحبه زرد گرفته‌اند و معلوم بوده که هیچ‌کدام ترجمه را نخوانده‌اند. شاید آخرین باری که صحبت‌هایش را شنیدم در حوزه هنری تهران بود. سخنرانی «میراحمد میراحسان» بود درباره او، شعرش و اندیشه‌هایش. میراحسان منصف و دقیق همه چیز را حلاجی کرد و نقاط مثبت و منفی را با آگاهی مثال زدنی‌اش از ادبیات و فلسفه غرب گفت. صفارزاده هم صحبت کرد. از خاطره دیدارشان با آیت‌الله سید محمود طالقانی پیش از انقلاب گفت و این که او و گرم‌رودی را بسیار نواخته‌است و از شعرهایش و اخراجش از دانشگاه گفت. آقای قائم‌مقامی که تلقین می‌گفت، گفتم که، برنامه امام حسین (ع) مکث معنی داری کرد و شهادت داد که طاهره نسبت به امام حسین (ع) مؤدب بوده. یادم آمد از در حوزه هنری تهران که بیرون می‌آمدیم، «طاهره» به «میراحسان» پارچه سلام زیارت عاشورا را نشان داد و گفت: «مثل این پارچه را در اتاقم نصب کرده‌ام.» با انگشتش زیر عبارت «وعلی اصحاب الحسین (ع)» را نشان داد و گفت: «این جا هم با خط خودم نوشته‌ام» و علی‌احیه العباس الذی یکشف الکرب عن وجه الحسین (ع)» ...

من هم شهادت می‌دهم که آقای دعایی راست می‌گفت.

بغض کرده‌ام و ...

راننده می‌گوید: مگر پارک وی پیاده نمی‌شدید؟ ...



«موسوی گرمارودی» در مراسم تشییع پیکر «طاهره صفارزاده»:

## شعر صفارزاده ریشه در قرآن و اسلام دارد

شعر «طاهره صفارزاده» ریشه در قرآن و اسلام دارد و شعر او با همین بافت محکم پایه به پایه و ستون به ستون در طول حیات وی تکمیل می‌شود و سرانجام هرم بلندی را تشکیل می‌دهد.

اشتباهات مترجمان بزرگ را در ترجمه گوشزد کرد. گرمارودی سپس به قرائت قسمت‌های دیگری از این نقد و شعری در رثای صفارزاده پرداخت.

در ادامه مراسم حجت‌الاسلام والمسلمین «سیدمحمدحسن ابوترابی» نماینده مجلس در سخنانی گفت: عروج بانوی فرزانه جهان اسلام، ادیب فرهیخته، قرآن‌پژوه مستوه، تربیت‌یافته در مکتب قرآن و عترت، استاد فرهیخته دانشگاه مرحوم «طاهره صفارزاده» را به خانواده آن مرحوم، اهالی علم و ادب، استادان و دانشجویان، جامعه علمی کشور و قاطبه ملت ایران به ویژه مردم شریف کرمان و سیرجان تسلیت می‌گویم و برای آن بانوی فرهیخته علو درجات را از خداوند منان خواستارم.

او در ادامه گفت: مرحوم طاهره صفارزاده برای ایران اسلامی و مکتب تشییع مایه افتخار است و برای زنان جامعه ما موجب سرافرازی و عزت است، این بانوی فرهیخته مسیر علم و دانش را با افتخار پیمود و چون مدالی بر سینه علم و ادب می‌درخشد، او در دوران ۱۳ سالگی زبان به سرودن اشعار شیوای خود گشود و چهره برجسته‌ای از خود به نمایش گذاشت و روح انقلابی خود را در مظهر دید نظام استبدادی شاهنشاهی قرار داد و با استمداد از خداوند منان در رشته زبان و ادبیات انگلیسی کار خود را آغاز کرد و در کشور انگلیس مدارج علمی را سپری کرد.

ابوترابی افزود: او با سرودن اشعار فاخر انگلیسی چهره برجسته خود را در دنیای غرب نیز به نمایش گذاشت، سپس به ایران بازگشت و در دانشگاه حضور یافت و با سرودن شعر مقاومت دینی افتخار اخراج از دانشگاه آن زمان را به دست آورد.

او ادامه داد: این بانوی فرهیخته با کوله‌باری از علم، دانش، معرفت و هنر افتخار این را یافت که در سایه هدایت خداوند سبحان به قرآن‌پژوهی برجسته و افتخارآفرین تبدیل شود و از همه‌اندوخته‌ها و توان خویش برای فهم قرآن و کلام پیشوایان بهره‌گیرد و این کلمات حیات‌آفرین را به دو زبان فارسی و انگلیسی در معرض فهم دیگران قرار دهد.

این افتخار را باید به خانواده این عزیز تبریک گفت، این برای ایران اسلامی مایه افتخار است که در سال ۲۰۰۶ از سوی سازمان نویسندگان آسیا و آفریقا این صفارزاده باشد که به عنوان بانوی نمونه جهان اسلام در دو قاره بزرگ جهان شناخته و معرفی شود.

مراسم تشییع پیکر «طاهره صفارزاده» شاعر و مترجم قرآن کریم با حضور «محمدحسین صفارهرندی» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، «محمد مهدی زاهدی» وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، «غلامحسین الهام» سخنگوی دولت، «محسن پرویز»، معاون فرهنگی وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، اعضای شورای شهر و استادان دانشگاه در مسجد دانشگاه تهران برگزار شد.

حاضران در مراسم تشییع پیکر این بانوی شاعر و مترجم فقید قرآن به امامت حجت‌الاسلام والمسلمین «سید محمود دعایی»، بر پیکر او نماز خواندند و سپس «رحیم خاکی» قاری بین‌المللی قرآن کریم به تلاوتی آیتی از کلام‌الله مجید پرداخت.

«سهیل محمودی» در ابتدای این مراسم گفت: طاهره صفارزاده بزرگ‌بانوی فرهنگ معاصر ایران، پرچمدار ادبیات بیداری، مترجم عالیقدر قرآن، حق بزرگی برگردن فرهنگ و ادب این سرزمین دارد.

محمودی در ادامه پیام مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و رئیس جمهور را به مناسبت درگذشت صفارزاده برای حاضران قرائت کرد.

در ادامه «سیدعلی موسوی گرمارودی» شاعر و مترجم قرآن ضمن تسلیت به اهالی ادب، بیان کرد: در سال‌هایی که ادبیات در خدمت مقاومت بود، «طاهره صفارزاده» با صراحت کامل در برابر ستم ایستاد. موقعیت ادبی او حتی در بین پیشرفته‌ترین و آوانگاردترین شاعران روزگار پیش از انقلاب والا و تأثیرگذار بود.

او در ادامه گفت: «محمد عروقی» از بزرگان و منتقدان کشور در حوزه ادبیات و شعر در مقدمه کتاب «سد بازوان» مرحوم صفارزاده می‌نویسد «من نه تنها به‌عنوان یک منتقد وظیفه خود می‌دانم که در کیفیت شعر او بکوشم بلکه به دلیل درگیری‌های روحی و عاطفی که با شعر او پیدا کرده‌ام این کار را می‌کنم».

این مترجم قرآن گفت: مرحوم «طاهره صفارزاده» با صلاحیت بسیار بالایی که داشت بزرگترین مترجمان قرآن را به نقد کشید و به‌عنوان یک عالم





